

## چرا آزمون های مفهومی مهارتی:

آزمون های مفهومی مهارتی مجموعه داداستان با تکیه بر اصول نوین آموزشی که مبتنی بر فنون مطالعه صحیح و برنامه ریزی حرفه ای ست برگزار می گردد. شرکت در این آزمون ها نه تنها دانش حقوقی شما را ارتقا می دهد که در یک جمله می توان گفت که عمل به برنامه های این آزمون ها زندگی شما را تغییر می دهد.

آزمون های مفهومی مهارتی با ارائه برنامه های فردی می توانند نظم مطالعاتی شما را افزایش داده و استفاده از زمان را در تسلط شما قرار دهند. در خلال این آزمون ها به این باور خواهید رسید که هر تغییر و موفقیتی مستلزم خواست و باور شماست. به عبارتی اگر متفاوت بیندیدشید و متفاوت عمل کنید آنگاه بی شک متفاوت و متمایز نتیجه خواهید گرفت و می توانید موفقیت را در آغوش بکشید.

## آزمون های مفهومی مهارتی شامل :

بودجه بندی، درسنامه و کارنامه تفصیلی منظم ، برنامه ریزی مرتب  
سلسله جلسات متوالی آمایش  
کارگاه های تخصصی  
ویژه برنامه های مشاوره ای  
طرحهای انحصاری و ابتکاری موسسه

## شیوه های برگزاری :

آزمون های مفهومی مهارتی از حیث شیوه اجرا به دو طریق حضوری و اینترنتی برگزار می گردد:

### آزمون حضوری

در آزمون حضوری حقوق دانان در حوزه محل برگزاری آزمون در شهر خود حضور یافته و از نزدیک فضای آزمون را تجربه کرده و سطح علمی خود را محک می زنند. آزمون های حضوری در بیش از ۴۵ نمایندگی در سراسر کشور برگزار می گردد.

### آزمون اینترنتی

آزمون های اینترنتی ویژه آن دسته از داوطلبینی است که به دلایل مختلف امکان حضور در حوزه های آزمون را ندارند اما اجازه نمی دهند که این مساله سد راهشان گردد و قصد دارند تا با شرکت در آزمون های مفهومی مهارتی دانش حقوقی خود را افزایش داده و به اهداف خود برسند.







بزرگترین و پرجمعیت ترین کلاس حقوقی کشور (تدریس جزا به شیوه مفهومی و رمز نگاری)



موسسه آموزش عالی آزاد اندیشه سازان

دپارتمان تخصصی حقوق و پایگاه اینترنتی داداستان (دادسیما)

**مشهد:** بلوار فردوسی، حاشیه میدان استقلال، پلاک ۳۷۵ . ۳۶۰۵۰۰۷۲ - ۰۵۱ (خط ۶)

**تهران:** میدان توحید، روبروی دانشکده پرستاری دانشگاه تهران، پلاک ۲۳۰ . ۸۸۲۸۸۲۱۱ - ۰۲۱

**اصفهان:** دروازه شیراز، بلوار دانشگاه، دانشگاه ۷، پلاک ۲ . ۳۶۲۸۸۹۷۳ - ۰۳۱



## نمود تخصص در حوزه حقوق یکی از اهداف عالیه ماست

جهت عضویت **رایگان** در بزرگترین سامانه حقوقی کشور و اطلاع از اخبار و آزمون های حقوقی  
عدد **۲۰** را به سامانه **۳۰۰۰۳۲** ارسال نمایید.

[www.Dadestan.com](http://www.Dadestan.com)  
[www.DadSima.com](http://www.DadSima.com)



## پیام دانشیاران حقوقی:

از هم اکنون برنامه ریزی کنید و سعی کنید تحت هر شرایطی با برنامه های آزمونی موسسه به شرحی که در آمایش دوم بیان می شود همگام باشید. نسبت به پر کردن فرم "طرح سامد" حساسیت ویژه داشته باشید چرا که در ایجاد انگیزه جهت برنامه ریزی و مطالعه مستمر بسیار موثر است. نسبت به تهیه "محشای من" به سرعت اقدام نمایید چرا که بهترین منبع مطالعاتی شما در ماههای پایانی "محشای من" خواهد بود. طبق تجربه مشاورین و دانشیاران حقوقی موسسه، افرادی که در تهیه "محشای من" کوتاهی کرده و یا دیر به فکر افتاده در ماههای پایانی دچار اضطراب شده اند چرا که نمیدانستند برای جمع بندی میبایست چه منابعی را مطالعه کنند.

و توصیه میشود به جای آنکه به رتبه های خود (بعضاً رتبه های بالا) بیاندیشید به پیشرفت خود در فرایند یادگیری فکر کنید و به این جهت ایزد منان را شاکر باشید و بدانید که شما با کسب رتبه های بالای ۱۰۰۰ هم شکست نخورده اید بلکه روزی شکست خواهید خورد که از مطالعه دست بشوید.

**"هیچ شکستی نیست مگر دست کشیدن از تلاش"**

**"همواره همیاران خواهیم بود"**

## پیام سلامت:

هر روز ۱۰ تا ۳۰ دقیقه پیاده روی کنید و به هنگام راه رفتن لبخند بزنید. این بهترین راه حفظ سلامتی است.

هر روز حداقل ۱۰ دقیقه در یک مکان کاملاً ساکت و بی سروصدا بنشینید و سعی کنید به هیچ چیز فکر نکنید در اینصورت میتوانید میزان انرژی زیادی را برای خود ذخیره کنید.

برای خوردن صبحانه کوتاهی نکنید. قبل از اینکه مطالعه خود را آغاز کنید صبحانه مفصلی میل کنید. با خوردن صبحانه کامل یادگیری و به خاطر سپاری بیشتر و بهتر می گردد.

## پیام باشگاه موفقیت:

هر روز صبح که از خواب بلند می شوید جمله زیر را تکمیل کنید:

**"هدف امروز من..... است."**

با این سه الف زندگی کنید

**انرژی اشتیاق اعتماد به نفس**

انرژی خود را صرف شایعات، موضوعات گذشته، افکار منفی و به طور کلی چیزهایی که از اختیار شما خارج است و یا سودی به حال شما ندارد نکنید در عوض انرژی خود را مصروف جنبه های مثبت "زمان حاضر" سازید.

هر شب قبل از رفتن به رختخواب جمله زیر را تکمیل کنید.

**من امروز به خاطر..... خوشحال و سپاسگزارم"**

همانگونه که در آمایش بیان شد رهبری جریان موفقیت با شماست ما همیار شما خواهیم بود.

(در راستای نیل به دانش آزمونی در کنار دانش حقوقی باشگاه موفقیت دادستان در کنار شما می باشد توصیه می شود خلاصه ای از متون و پیام های باشگاه موفقیت را به محشای من منتقل کنید)

آیا تاکنون به این اندیشیده اید که چگونه میتوانید انسان موفقی شوید؟

موفقیت تا چه اندازه به پارامترهای ذهنی شما نزدیک است؟

موفقیت چیزی است که خیلی از انسانها دارای آن میباشند ولی با بی اعتنایی از کنار آن میگذرند و این باعث میشود موفقیت های بعدی و شاید بزرگتری را از دست بدهند. همین که فرصت هایی را می بینید و پیدا می کنید که دیگران آنها را نمی بینند یعنی موفقیت و همینکه

از مشکلات درس می گیرید، در حالی که دیگران فقط مشکلات را می بینند یعنی رسیدن به قله موفقیت.

روی راه حل ها تمرکز کنید و اجازه ندهید ترس از آنها شما را فرا گیرد بلکه سعی کنید آن را کنترل کنید. بدانید که این مهارتها اکتسابی است و نه انتسابی.

شکایت کردن از اوضاع و احوال موجود صرفاً باعث تضعیف انرژی مثبت شما می شود و شما را در فضای منفی بافی و بی ثمری پیش میبرد و از مهمترین عوامل از دست دادن موفقیت است پس بهتر است بجای شکایت کردن به دنبال مسیر مناسب تر بود.

همینکه مسئولیت کارهایتان را برعهده میگیرید همینکه اگر تا به حال از وقت استفاده کافی نداشته اید و به آن اذعان دارید یعنی بخشی از موفقیت و بخشی

دیگر در گرو نیل به پیشرفت شما و تلاش برای رسیدن به آن می باشد در اینصورت است که موفقیت قرین شماست.

اینکه هم اکنون ناچارید بیش از حد ظرفیت خود استفاده کنید و راهی را برای بالا بردن ظرفیت خود پیدا کرده اید تا جبران مافات بشود شما موفق ترین فرد هستید.

اینکه در همین لحظه میدانید به دنبال چه هستید و برای چه تلاش میکنید موفقیت و یقین داشته باشید که موفقیت بعدی خود را رقم زده اید

بهترین آرزوها از جمله پوشیدن ردا یک وکیل موفق را برای خود تجسم کنید و به آنها ایمان بیاورید و انگونه به آنها بیاندیشید که گویی به زودی رخ خواهند داد

اکنون که به این جمله اخیر عمیقاً فکر کردید و ارزی خود را تصور نمودید بدانید و ایمان داشته باشید که موفق ترین انسان روی زمین هستید.

موفقیت در کنار شما و در وجود شما نهفته است کافی است به آن توجه کنید و آن را دریابید.

موفقیت گرفتنی است و در گرو اراده، تصمیم و پوشش شماست.



## «حقوق مدنی»

### ۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۱۷ ق. م. «حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت، لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال، جزو ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است»

بند اصولی ۲: مال منقول در صورتی در حکم اموال غیر منقول محسوب می شود که ۲ شرط وجود داشته باشد :

۱- مالک زمین با مالک اشیاء یکی باشد. (در فرض سوال این شرط وجود ندارد)

۲- مالک آن را به عمل زراعت اختصاص داده باشد.

بند اصولی ۳: این اموال ذاتاً منقولند و در صورتی که یکی از شرایط بیان شده در هر زمانی از بین برود به اصل خویش باز خواهند گشت.

### ۲- گزینه ۴ پاسخ است.

بند اصولی ۱: بر اساس ماده ۱۵۰ ق. م. «هرگاه چند نفر در کندن مجری یا چاه شریک شوند، به نسبت عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالک آب می شوند و به همان نسبت بین آنها تقسیم می شود».

بند اصولی ۲: مفاد ماده ۱۵۰ ق. م. مانع نفوذ قرار داد خصوصی در زمینه شیوه تقسیم آب و تعیین سهم هر یک از شریکان نیست، مشروط بر اینکه با قواعد مربوط به توزیع عادلانه آب تعارض نداشته باشد. (پانویس ۱ ماده ۱۵۰ ق. م. در نظم حقوقی کنونی)

### ۳. پاسخ گزینه ۲ میباشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۱۸۵ ق. م. «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله، حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه».

بند اصولی ۲: طبق ماده ۱۸۶ ق. م. «عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند».

بند اصولی ۳: از روح مواد قانون مدنی به ویژه ماده ۲۱۹، چنین بر می آید که اصل لزوم قراردادهای مبنای روابط ناشی از پیمان های خصوصی است. هر قرارداد جز آنچه قانون به جواز آن تصریح کرده است، لازم است و طرفین عقد نمیتوانند به دلخواه خود آنرا برهمزنند. (کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۱۸)

بند اصولی ۴: پاره ای از قراردادهای پیش از تسلیم موضوع تعهد جایز است و با تسلیم لازم میشوند: برای مثال، عقد وصیت پیش از قبض موصی به از طرف موصی له جایز است و با تسلیم موصی به لازم میشود (ماده ۸۳۰ ق. م.). همچنین، عقد جعالة پیش از پایان کار مورد تراضی، جایز است و هر یک از طرفین میتواند آن را فسخ کند، ولی پس از انجام کار، دیگر جاعل نمیتواند از دادن پاداشی که به عهده گرفته است امتناع ورزد. زیرا در این حالت عامل با انجام دادن کار موضوع تعهد را به او تسلیم کرده است (مواد ۵۶۵ تا ۵۶۷ ق. م.). (کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۲۱)

بند اصولی ۵: در فرض سوال، عقد وقف و ضمان از جمله عقود لازم هستند و عقد وصیت تملیکی قبل از تسلیم جایز و با تسلیم، لازم میشود.

### ۴. پاسخ گزینه ۱ است.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۲۰۰ ق. م. «اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد»

بند اصولی ۲: مقصود از خود موضوع معامله مجموعه اوصافی است که در دید عرف صورت نوعی یا جنس مورد معامله است یا دو طرف آن را وصف اساسی میدانند. (پانویس ۱ ماده ۲۰۰ ق. م. در نظم حقوقی کنونی)

بند اصولی ۳: منظور از عدم نفوذ در ماده ۲۰۰ بطلان است. (مستفاد از پانویس ۲ ماده ۲۰۰ ق. م. در نظم حقوقی کنونی)

بند اصولی ۴: در ماده ۳۵۳ ق. م. می خوانیم: «هر گاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع، باطل است ...» بر طبق ماده ۳۵۳ اشتباه در جنس مورد معامله در صورتی موجب بطلان بیع میشود که خریدار و فروشنده عقد را بر مبنای آن بسته باشند و به تعبیر ماده «به عنوان جنس خاص» مورد بیع قرار گیرد.

فرض کنیم بیگانه ای در شهر به فروشگاه زیورهای بدل میرود و بدون اینکه جنس دستبندی را که پسندیده است جويا شود، بدین پندار که طلاست، آن را میخرد. مدیر فروشگاه نیز، بی آنکه نشانه ای از پندار خریدار در دست باشد، دستبند را به بهای عادی دیگر دستبندها که همه طلاست میفروشد. خریدار چندی بعد از واقعیت آگاه میشود و معامله را خلاف انگیزه خود می یابد. این بیع را به عنوان اشتباه در جنس مورد معامله نمیتوان ابطال کرد. زیرا دستبند به عنوان طلا (جنس خاص) فروخته نشده است و داعی خاص و نامتعارف خریدار نیز موثر در آن نمیشود. ولی هر گاه همین خریدار به فروشنده اعلام کند که دستبندی از طلا میخواهد یا دستبند در طلا فروشی باشد و به بهای طلا فروخته شود، بیع باطل است.

بند اصولی ۵: اشتباهی موثر است که نتیجه ی مطابق نبودن موضوع واقعی با معنی قراردادی آن باشد و در وصفی رخ دهد که به طور صریح یا ضمنی درباره وجود آن توافق شده است. نیت درونی به هنگامی در جهان حقوق موثر است که به گونه ای هرچند ضمنی بیان شده باشد. (کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۲۱۲)

بند اصولی ۶: در فرض سوال هرچند اشتباه در جنس معامله رخ داده است و آقای علوی دستبند طلا و نه بدل را مدنظر داشته اما از آنجایی که اشتباه وارد قلمرو تراضی نشده است، به صحت معامله خللی وارد نمیکند.

### ۵. پاسخ گزینه ۱ میباشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۲۴۷ ق.م. «معامله به مال غیر، جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت، نافذ نیست ولو این که صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله، صحیح و نافذ می شود»  
 بند اصولی ۲: پاره ای از فقیهان معامله فضول برای خود و از جمله بیع غاصب را باطل دانسته اند. قانون مدنی در این باره صراحت ندارد، لیکن از مواد ۱۹۷ و ۳۰۴ و از اطلاق ماده ۲۴۷ به خوبی بر می آید که این فرض نیز در معاملات فضولی قرار دارد. به ویژه که ماده ۱۹۷ قصد فضول را بی اثر و معامله را برای مالک میدانند. (کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ش ۳۴۹)

بند اصولی ۳: در فرض سوال، مریم خودرو را برای خود معامله کرده است، ولی با تنفیذ مالک، مال برای مالک یعنی مینا است.

#### ۶. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۴۳۴ ق.م. «اگر ظاهر شود که مبیع معیوب، اصلاً مالیات و قیمت نداشته، بیع باطل است و اگر بعض مبیع قیمت نداشته باشد بیع نسبت به آن بعض باطل است و مشتری نسبت به باقی از جهت تبعض صفقه اختیار فسخ دارد».  
 بند اصولی ۲: هرچند قسمتی از مبیع معیوب است ولی بر اساس ماده ۴۳۴ ق.م. به دلیل آن که در قسمتی که مبیع فاسد شده، بیع باطل است لذا در قسمت دیگر خیار تبعض دارد.

بند اصولی ۳: در فرضی که در جریان خیار عیب و خیار تبعض اشتراک بوجود آید تقدم با خیار تبعض صفقه است.

#### ۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: قانونگذار قانون مدنی با حذف و سپس تغییر ماده ۲۱۸ سابق، حقوق دانان را در دستیابی به حکم معامله به قصد فرار از دین به دردرس انداخته است. به موجب م ۲۱۸ ق.م. «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است». این ماده در خصوص حکم معامله فرار از دینی که به صورت جدی واقع شده باشد ساکت است و بطلان در این ماده به خاطر صوری بودن معامله است.

بند اصولی ۲: به طور معمول قصد فرار از دین و زیان معامله برای طلبکار در صورتی

احراز می شود که طلب مقدم بر معامله باشد و بدهکار برای جلوگیری از وصول

آن به نیرنگ دست زند. با وجود این اگر ثابت شود که مدیون پیش از تحقق طلب برای فرار از دین آینده سبب سازی کرده است، در عدم نفوذ معامله ای که بدین منظور انجام شده تردید

نباید کرد. (کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، ش ۱۵۵) البته هر چند دکتر کاتوزیان در این جا عقیده دارند که در عدم نفوذ چنین معامله ای نباید شک کرد ولی باید گفت منظور ایشان «غیر نافذ» اصطلاحی نبوده بلکه برای تعیین ضمانت اجرای چنین معامله ای باید از ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی کمک گرفت و اظهار داشت چنین معامله ای بین طرفین صحیح بوده ولی در مقابل طلبکاران غیر قابل استناد است. (رجوع کنید به: همان کتاب، شماره ۱۵۲ و ۱۵۴)

#### ۸. گزینه ۱ صحیح می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۲۴۶ ق.م. «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل میشود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد میتواند عوض آن را از مشروط له بگیرد»  
 بند اصولی ۲: اگر شرط فعل در عقد بیايد دو حالت ایجاد خواهد شد:

الف. شرط فعل عمل حقوقی باشد:

۱. اعمال حقوقی تبعی مانند عقد رهن، ضمان، حواله و كفالت با بر هم خوردن عقد اصلی به هر علت، منحل میگردند.

۲. اعمال حقوقی مستقل با بر هم خوردن عقد اصلی باقی میمانند.

ب. شرط فعل عمل مادی باشد: در صورتی که عمل هنوز انجام نشده باشد، آن شرط نیز از بین خواهد رفت و اگر انجام شده باشد اجرت المثل عمل به او داده می شود.

#### ۹. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: مطابق ماده ۳۱۶ ق.م. چهل ایادی بعدی غصب، مانع مسئولیت غاصبانه آنها نمی شود.

بند اصولی ۲: اگر مال مغضوب در جریان غصب های متعدد قرار بگیرد در مراجعه مالک به غاصبان و مراجعه غاصبان به یکدیگر قواعد ذیل حاکم است.

❖ مراجعه مالک به غاصبان:

الف. در باره رد مثل یا قیمت مال مغضوب: مالک می تواند به هریک از غاصبین رجوع کند (م. ۳۱۷ ق.م.). (رد گزینه ۱) البته مراجعه مالک به غاصبین در دو حالت محدود می شود. اول اینکه اگر مالک حق رجوع خود به یکی از غاصبین را ساقط کند در این صورت نمی تواند به او رجوع کند ولی می تواند به سایر غاصبین رجوع کند. دوم اینکه اگر هر گاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر را نخواهد داشت (م. ۳۲۱ ق.م.).

ب. درباره منافع عین مغضوب: مالک می تواند از هر غاصبی منافع زمان تصرف او و افراد بعد از او را بگیرد. (رد گزینه ۲ و ۴) البته این مراجعه نیز با دو محدودیت مواجه است: اول اینکه اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به منافع زمان تصرف او ابراء کند حق مراجعه به او برای منافع زمان تصرف او را ندارد (قسمت اول ماده ۳۲۲ ق.م.). دوم اینکه اگر مالک یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به او و لاحقین را نخواهد داشت (قسمت دوم ماده ۳۲۲ ق.م.). ولی می تواند به غاصبین قبلی رجوع کند.

قانون گذار در تمام موارد فوق تفاوتی بین علم و جهل غاصبان قائل نشده است ولی دکتر کاتوزیان معتقدند در جایی که غاصب مغرور شده است، مالک نمی تواند به او رجوع کند چون غار سبب اقوی از مباشر (مغرور) است و تلف مستند به مغرور نیست.



## ❖ مراجعه غاصبین به یکدیگر:

الف. در مورد مثل یا قیمت: هر غاصبی بعد از پرداخت مثل یا قیمت می تواند به هر کدام از لاهقین خود رجوع کند تا به غاصبی برسد که مال در دست او تلف شده است (م. ۳۱۸ ق.م.).

ب. در مورد منافع: اگر غاصب منافع زمان تصرف خود و لاهقین را بپردازد می تواند به هر یک از آنان به نسبت زمان تصرف او رجوع کند (م. ۳۲۰ ق.م.).  
توجه: در هر دو مورد الف و ب یک محدودیت وجود دارد که: اگر یکی از غاصبین نسبت به غصب جاهل باشد تنها رابطه او و ید قبلی به استناد قاعده غرور منقلب می شود به طوری که تنها ید قبلی وی نمی تواند به او رجوع کند و او می تواند به ید قبلی رجوع کند. ولی در سایر موارد قواعد فوق جاری است (م. ۳۲۵ ق.م.).  
نکته: قواعد فوق مربوط به غصب وقاعده غرور بود و الا بر مبنای ضمان درک هر خریداری می تواند برای گرفتن ثمن به فروشنده قبلی خود رجوع کند (مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ ق.م.). همچنین اگر در مساله ای به تسبیب اشاره شود امکان مراجعه به ید های قبلی در صورت وجود شرایط مسئولیت مبتنی بر تسبیب وجود دارد.  
بند اصولی ۳: توضیحات بالا در مورد تلف مال مغضوبه بود که معمولاً مورد بحث قرار می گیرد. دقت شود که مسئولیت غاصبان نسبت به نقص و عیب مال مغضوبه نیز مانند مسئولیت آنان در مورد تلف آن است. (مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.م.).

## ۱۰. گزینه ۲ پاسخ می باشد..

بند اصولی ۱: طبق ماده ۳۵۴ ق.م.: «ممکن است بیع از روی نمونه به عمل آید در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت».

بند اصولی ۲: طبق ماده ۴۱۰ ق.م.: «هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار میشود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید».

بند اصولی ۳: مطابق ماده ۴۱۲ ق.م.: «هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را به وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعض مطابق وصف یا نمونه نباشد میتواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید».

بند اصولی ۴: مطابق ماده ۴۱۳ ق.م.: «هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و به اعتماد رویت سابق معامله کند و بعد از رویت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت».

بند اصولی ۵: طبق ماده ۴۱۴ ق.م.: «در بیع کلی خیار رویت نیست و باید جنسی بدهد که مطابقاً اوصاف مقرر بین طرفین باشد».

## ۱۱. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

بند اصولی ۱: اجاره مذکور مشمول قانون روابط موجر و مستاجر سال ۱۳۵۶ است.

بند اصولی ۲: بر اساس ماده ۱۳ قانون روابط موجر و مستاجر سال ۱۳۵۶ در صورت امتناع موجر از تحویل عین مستاجره، مستاجر باید ابتدا اظهارنامه برای موجر بفرستد و در صورت عدم مراجعه موجر به دادگاه مراجعه نماید.

بند اصولی ۳: بر اساس اصول حقوقی در صورتی که طلبکار برای گرفتن طلب خود مراجعه نکند، طلبکار می تواند به حاکم مراجعه کند ولی در مانحن فیه، قانونگذار خواسته تا مالک بدو اظهار نامه بفرستد و بدین نحو امتناع او احراز گردد.

بند اصولی ۴: گزینه ۲ نیز درست است ولی گزینه ۴ کامل تر است. همیشه سعی کنید تمامی گزینه ها را مطالعه نمایید و بعد پاسخ مدنظران را انتخاب کنید!!

## ۱۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: رای وحدت رویه ۵۷۶ - مطب پزشکان محل کسب و پیشه و یا تجارت محسوب نمیگردد و تخلیه این اماکن مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۲ و قانون مدنی است.

بند اصولی ۲: رای وحدت رویه ۶۰۷ - دفتر وکالت دادگستری از مصادیق محل کسب و پیشه و تجارت نبوده و مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۵۶ نیست.

بند اصولی ۳: رای وحدت رویه ۶۳۶ - غرفه های واقع در پایانه های مسافری مشمول قانون روابط موجر و مستاجر سال ۵۶ نیست.

## ۱۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۸۰۲ ق.م.: «(در صورتی که واهب یا متهب قبل از قبض فوت کنند هبه باطل می شود)». البته بهتر بود بجای لفظ بطلان میگفت هبه واقع نمی شود، زیرا فوت در فاصله بین قبول و قبض به منزله ی فوت در فاصله بین ایجاب و قبول است.

بند اصولی ۲: در مورد حجر متهب باید گفت که می توان از ماده ۷۹۹ ق.م. استفاده کرد و در نتیجه حجر متهب تاثیری در عقد ندارد و قبض را ولی یا قیم شخص انجام می دهد.

بند اصولی ۳: فوت و حجر واهب مطلقاً موجب بطلان است زیرا ولی یا قیم شخص صلاحیت و اختیار هبه کردن اموال او را ندارد و تسلیم تنها باید با اختیار و اراده خود شخص انجام شود.

بند اصولی ۴: در هبه، قبول می تواند از طرف خود صغیر ممیز و سفیه انجام شود، ولی قبض ولی یا قیم آنها معتبر است نه قبض خود آنها.

بند اصولی ۵: عقد هبه بعد از قبض نسبت به متهب لازم می شود ولی نسبت به واهب جایز غیر اذنی محسوب می شود و در نتیجه به فوت آن منفسخ نمی شود، بلکه استوارتر می شود.

## ۱۴. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: انفساخ عقد را به اعتبار نقشی که اراده در ایجاد سبب آن دارد به دو گروه اصلی میتوان تقسیم کرد: ۱. انفساخی که به طور مستقیم ناشی از اراده صریح دو طرف قرار داد است مانند اجاره ای که در صورت عدم پرداخت هریک از اقساط اجاره بهاء یا بیعی که برحسب شرط ضمن آن در نتیجه تاخیر در پرداخت ثمن تا مدت معین منفسخ میگردد. (شرط فاسخ)

۲. انفساخ ناشی از قانون که خود به دو دسته تقسیم میشود: الف) تلف قهری موضوع تملیک: مانند تلف مبیع پیش از قبض موضوع ماده ۳۸۷ ق.م. از قابلیت انتفاع خارج شدن عین مستاجر پس از قبض، موضوع ماده ۴۸۱ ق.م. (که در اینجا بطلان به معنی انفساخ است). تلف موضوع قرض پیش از تسلیم موضوع ماده ۴۹ ق.م.، از بین رفتن قابلیت انتفاء زمین در عقد مزارعه موضوع ماده ۵۲۷ ق.م.، تلف مال موضوع حق انتفاع موضوع ماده ۵۱ ق.م. (در این ماده زائل شدن عقد به معنی انفساخ است) ب) مرگ و حجر یکی از دو طرف در عقد جایز موضوع ماده ۹۵۴ ق.م.

### ۱۵. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: ودیعه دووصف اساسی دارد که عبارت است از ۱- نگهداری از مال مورد ودیعه که در مالکیت مودع می ماند ۲- تعهد مربوط به برگرداندن عین مال هرچند دارای عیبی شده باشد و حال آنکه هیچ یک از ویژگی های بیان شده در حسابهای سپرده وجود ندارد زیرا صاحب مال آن را به مالکیت بانک در میآورد و در مقام بازگرداندن نیز تنها مکلف به بازگرداندن مثل آن است.

بند اصولی ۲: قرارداد میان بانک و سپرده گذار از جمله قراردادهای حقوق عمومی است و نباید آن را با مضاربه، قرض، وکالت و ودیعه مقایسه کرد.

### ۱۶. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۶۶۸ ق.م. «وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آن چه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند». بند اصولی ۲: اجزای این حساب کل تجزیه ناپذیر است و پس از سر شکن شدن اقلام بدهی و طلب وکیل بقیه باید رد شود و جدای از هم قابل مطالبه نیست. پس موکل ورشکسته نمیتواند از وکیل بخواهد که بدهی خود را بپردازد و برای گرفتن مطالبات ناشی از اجرای وکالت داخل غرماء شود. (پانویس ۲ ماده ۶۶۸ ق.م. در نظم حقوقی کنونی)

بند اصولی ۳: ورشکستگی ضامن نیز در حکم اعسار است و ورشکسته ممنوع از ضمان نمیشود، منتها مضمون له در زمره غرماء نمی آید. (پانویس ۳ ماده ۶۹۰ ق.م. در نظم حقوقی کنونی)

### ۱۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۳۱ قانون حمایت از خانواده: «ارائه گواهی پزشک ذی صلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند».

بند اصولی ۲: ارائه گواهی مبنی بر وجود یا عدم وجود جنین تنها در محضر برای ثبت طلاق لازم است نه در دادگاه.

بند اصولی ۳: زوجین تنها در صورتی از ارائه گواهی پزشک معاف می شوند که تنها توافق بر وجود جنین داشته باشند و توافق بر عدم وجود جنین زوجین را از ارائه گواهی معاف نخواهد کرد.

### ۱۸. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

بند اصولی ۱: در صورتی که عیب مرد عنن باشد، حتی اگر بعد از عقد حادث شود، موجب خیار فسخ است. (ماده ۱۱۲۵ ق.م.)

بند اصولی ۲: استناد به خیار عیب مانع از آن نیست که زن بتواند بر مبنای عسر و حرج از همسر خود جدا شود. (ماده ۱۱۳۰ ق.م.)

بند اصولی ۳: موارد ذکر شده در ماده ۱۱۳۰ ق.م. تمثیلی است و احصایی نمی باشد.

بند اصولی ۴: هر چند بر اساس ماده ۱۱۲۷ ق.م. در صورت ابتلای مرد به یکی از امراض مقاربتی، زن می تواند از نزدیکی با او خودداری کند ولی باید توجه کرد این ماده برای جایی است که امکان مقاربت باشد، نه در مورد حاضر که اصلاً امکان مقاربت نیست و از سوی دیگر ماده ۱۱۲۷ مال زمانی است که از تماس جنسی امکان انتقال بیماری باشد نه در مورد حاضر که امکان انتقال بیماری نیست.

### ۱۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: طبق ماده ۸۱۶ ق.م. «اخذ به شفعه هر معامله ای را که مشتری قبل از آن وبعد از عقد بیع نسبت به مورد شفعه نموده باشد باطل مینماید».

بند اصولی ۲: در صورتی که قبل از اخذ به شفعه خریدار مال را یا بفروشد یا هبه کند یا تمام معاملات صحیح است زیرا خریدار مالک بوده ولی معامله در برابر شفیع غیر قابل استناد است.

بند اصولی ۳: در صورتی که قبل از اخذ به شفعه بیع اقاله گردد. این اقاله در برابر شفیع قابل استناد نمی باشد.

بند اصولی ۴: در صورتی که قبل از اخذ به شفعه بیع با خیار فسخ شود، در این رابطه دو حالت پیش می آید:

الف) اگر بیع با خیاری که سبب آن هنگام عقد موجود میشود، فسخ شود، (مانند خیار مجلس) برای خریدار حق شفعه نمیشود.

ب) اگر بیع با خیاری که سبب آن بعد از عقد موجود میشود، فسخ شود (مانند خیار تأخیر ثمن)، حق شفعه از بین نمیرود. این فسخ همانند اقاله در برابر شفیع قابل استناد نمی باشد.

### ۲۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

بند اصولی ۱: اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد، اعمام یا احوال ایی ارث نمی برد در نتیجه خاله ایی از بین وراث خارج می شود.

بند اصولی ۲: ماده ۹۳۴ ق.م. بیان می دارد که در جمع بین احوال ابوینی با امی، اگر امی یکی باشد سبس ترکه را می برد.

بند اصولی ۳: ماده ۹۳۳ ق.م. نیز بیان می دارد که در صورتی که چند نفر دایی یا چند نفر خاله یا چند نفر دایی و چند نفر خاله با هم باشند، ترکه بالسویه بین آنها تقسیم می شود، خواه همه ابوینی خواه همه ایی و خواه همه امی باشند.

## «آیین دادرسی مدنی»

۲۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: حضور در جلسه دادرسی و نحوه تشکیل آن سطح سوال: متوسط نکات:

۱. جلسه دادرسی عادی با تعیین وقت قبلی و دعوت اصحاب دعوا بر طبق دفتر اوقات دادگاه تشکیل می شود.
  ۲. جلسه دادرسی خارج از نوبت همانند جلسه دادرسی عادی است ولی بدون توجه به دفتر اوقات است.
  ۳. جلسه دادرسی فوق العاده، خارج از دفتر اوقات است ولی اصحاب دعوا نیز اصولاً حضور ندارند.
  ۴. جلسه دادرسی ممکن است در دادگاه یا خارج از آن تشکیل شود مثل جلسه تحقیق محلی
  ۵. تکلیف حضور به جلسه دادرسی به معنای جلب در صورت عدم حضور نمی باشد.
  ۶. عدم حضور خوانده یا هر شخصی که حضور وی در اختاریه تصریح شده، ضمانت اجرای کیفری یا حتی مدنی ندارد.
- نمونه سوالات مشابه یا مرتبط در آزمون های سراسری
- در صورت نیاز به توضیح مدعی که در جلسه غایب است: (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ۱۳۷۶)
- (۱) مدعی باید جهت ادای توضیح دعوت شود و چنانچه در جلسه مقرر حاضر نشود، دادگاه پرونده را به دفتر عودت می دهد تا دادخواست او رد شود.
- (۲) دادگاه در همان جلسه پرونده را به دفتر عودت می دهد تا دادخواست او رد شود.
- (۳) دادگاه در همان جلسه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید.
- (۴) مدعی می بایست جهت ادای توضیح دعوت شود و چنانچه در جلسه مقرر حاضر نشود، دادگاه دادخواست او را ابطال می نماید.
- گزینه ۴ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۹۳- اصحاب دعوا می توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه را ارسال نمایند.

ماده ۹۴- هر یک از اصحاب دعوا می توانند به جای خود وکیل به دادگاه معرفی نمایند ولی در مواردی که دادرس حضور شخص خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند این موضوع در برگ اختاریه قید می شود. در این صورت شخصاً مکلف به حضور خواهند بود.

۲۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد. موضوع سوال: افزایش خواسته سطح سوال: متوسط

نکات: افزایش خواسته مستلزم رعایت نکات ذیل می باشد:

۱. تا پایان جلسه دادرسی باشد.
  ۲. بخش افزایش یافته با دعوی مطرح شده مرتبط باشد
  ۳. منشأ بخش افزایش یافته خواسته همان منشأ مطرح شده در دادخواست باشد.
  ۴. افزایش خواسته محدوده رسیدگی دادگاه را تا خواسته جدید افزایش می دهد.
  ۵. ما به التفاوت هزینه دادرسی برطبق خواسته جدید می بایست پرداخت شود.
  ۶. خسارت دادرسی نسبت به خواسته جدید قابل مطالبه است.
  ۷. در قابلیت شکایت از رای می بایست خواسته جدید را مدنظر قرار داد.
  ۸. افزایش خواسته از طریق اعلام شفاهی یا کتبی به موجب لایحه انجام می شود.
- نمونه سوال مشابه:

۱- اختیار اعطایی قانون گذار به خواهان پرونده حقوقی عبارت است از: (آزمون استخدام قضا ۱۳۷۷)

- (۱) افزایش و کاهش خواسته، تغییر مندرج در دادخواست و تغییر درخواست
  - (۲) تغییر درخواست مذکور در دادخواست، تقلیل خواسته، افزایش خواسته و تغییر خواسته دعوا
  - (۳) زیاد کردن خواسته، کاهش خواسته، تغییر درخواست مطروحه و تغییر خواسته
  - (۴) زیاد کردن خواسته، تغییر نحوه دعوا، تغییر نحوه خواسته، تغییر درخواست و تقلیل خواسته
- گزینه «د» صحیح است.

۲- در صورتی که خواسته دعوا مبلغی به عنوان اجرت المثل ملکی باشد، مطالبه مبلغی به عنوان خسارت وارده به همان ملک به صورت افزایش خواسته، بدون تقدیم دادخواست جدید: (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۱)

- (۱) در هیچ صورت مسموع نمی باشد.
  - (۲) فقط تا اولین جلسه دادرسی مسموع است.
  - (۳) تا پایان اولین جلسه دادرسی مسموع است.
  - (۴) تا پایان اولین جلسه دادرسی مسموع است اما جلسه باید تجدید شود.
- گزینه «۱» صحیح است.

۳- چنانچه موخر پس از اقامه دعوی اجور معوقه، قصد مطالبه خسارات وارده به مورد اجاره را داشته باشد که مستأجر وارد نموده است، ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ۱۳۸۲)



۱) می تواند از طریق افزایش خواسته اقدام کند.

۲) در هر حال باید دعوی مستقلی اقامه نماید.

۳) باید دعوی اضافی مطرح کند و مستلزم تقدم دادخواست است.

۴) چنانچه تا اولین جلسه دادرسی می باشد، نیازی به تقدیم دادخواست نیست

گزینه «ب» صحیح است.

۴- آخرین مهلت افزایش خواسته تا .....  
(آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ۱۳۸۴)

۱) اولین جلسه دادرسی است و می تواند در جلسه اعلام شود و حق تجدیدنظرخواهی از رای بر اساس آن مشخص می شود.

۲) تا پایان اولین جلسه دادرسی است و باید به موجب دادخواست اعلام شود و حق تجدیدنظرخواهی از رای بر اساس آن مشخص می شود.

۳) پایان اولین جلسه دادرسی است و می تواند در جلسه اعلام شود و حق تجدیدنظرخواهی از رای بر اساس این مشخص می شود.

۴) تا پایان اولین جلسه دادرسی است و میتواند در جلسه اعلام شود حق تجدیدنظرخواهی از رای با توجه به خواسته مندرج در دادخواست مشخص می شود.

گزینه «ج» صحیح است.

۵- افزایش خواسته تا ..... مجاز است و اگر در جلسه دادرسی انجام شود و خوانده حاضر نباشد .....  
(آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۵)

۱) اولین جلسه دادرسی . دادگاه می تواند جلسه را تجدید کند.

۲) پایان مرحله نخستین- دادگاه باید جلسه را تجدید کند.

۳) پایان اولین جلسه دادرسی- دادگاه باید جلسه را تجدید کند

۴) پایان مرحله نخستین- دادگاه می تواند جلسه را تجدید کند.

گزینه «ج» صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۹۸- خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.

۲۳. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: تاخیر جلسه سطح سوال: آسان

نکات:

۱. درخواست و رضایت همه اصحاب دعوا در تاخیر جلسه موضوع ماده ۹۹ ق.آ.د.م ضروری است.

۲. تجدید جلسه به تقاضای یکی از اصحاب دعوا در غیاب طرف دیگر تخلف انتظامی است (منظور همان تاخیر جلسه ماده ۹۹ است)

۳. تاخیر جلسه به جهت رضایت و درخواست اصحاب دعوا تنها برای یکبار مجاز می باشد.

۴. در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین دعوا نباشد وقت رسیدگی حداکثر ظرف دو ماه است.

سوال مشابه

۱. دادگاه می تواند: (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۱ . آزمون وکالت ۷۸ و ۱۳۷۴)

۱) جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تاخیر بیندازد.

۲) جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت متداعیین آن هم حداکثر تا دوبار تجدید نماید.

۳) جلسه دادرسی را به درخواست متداعیین یا وکیل آنان به تاخیر بیندازد.

۴) جلسه دادرسی را به درخواست متداعیین یا وکیل آنان تجدید نماید.

گزینه «۱» صحیح است.

ماده مرتبط:

ماده ۹۹- دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تاخیر بیندازد.

ماده ۱۰۰- هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیک ترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد.

۲۴. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: اخراج اشخاص مغل نظم از دادگاه سطح سوال: ساده

نکات:

۱. دادگاه می تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اخلال نظم جلسه شوند را بدهد یا اینکه حکم حبس آنها را برای مدت ۲۴ ساعت بدهد.

۲. چنانچه اخلال کنندگان از وکلا یا اصحاب دعوا باشند، فقط به حبس از یک تا پنج روز محکوم می شوند.

۳. قسمت اخیر ماده ۱۰۱ از قانون آیین دادرسی مدنی (حبس از یک الی پنج روز) فقط نسبت به وکلا یا اصحاب آنها قابل اجرا می باشد و قابل تسری به نمایندگان حقوقی وزارتخانه ها یا ..... نمی باشد.

۴. جلسه دادگاه به علت حبس به جهات ماده ۱۰۱ از قانون آیین دادرسی مدنی امکان پذیر نمی باشد.

۵. اجرای حکم تا پنج روز حبس مستلزم رعایت قواعد عام آیین دادرسی کیفری است.

۶. اجرای مقررات مربوط به حبس اصحاب دعوا یا اشخاص دیگر راجع به اخلال در نظم رسیدگی به نظر می رسد مربوط و مختص به جلسه دادرسی می باشد که در محل دادگاه تشکیل شده است.

نمونه سوالات مشابه و مرتبط

- ۱- ضمانت اجرای حفظ نظم در جلسه دادگاه، جلسه اجرای قرار تحقیق محلی را در بر ..... و معاینه محل را در بر ..... (آزمون سراسری ۱۳۹۰)
  - ۱) می گیرد - می گیرد
  - ۲) می گیرد - نمی گیرد
  - ۳) نمی گیرد - می گیرد
  - ۴) نمی گیرد - نمی گیرد.
- گزینه ۴ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۱۰۱- دادگاه می تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرای می شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد.

**۲۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: استرداد دعوی یا دادخواست سطح سوال: کمی دشوار**

نکات:

۱. استرداد دادخواست تا اولین جلسه دادرسی بوده است که در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می شود.
۲. استرداد دعوی مادامی که دادرسی تمام نشده است امکان پذیر است که در این صورت قرار رد دعوا صادر می شود.
۳. استرداد دعوا چنانچه پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا باشد، می بایست با رضایت طرف مقابل صورت پذیرد، در غیر این صورت قرار سقوط دعوا صادر می شود.
۴. پس از ختم رسیدگی استرداد دعوا در هیچ صورتی امکان پذیر نمی باشد.
۵. استرداد دادخواست در مرحله واخواهی پیش بینی نشده است لیکن واخواهی مشمول قواعد عام می باشد. بنابراین واخواه می تواند دادخواست خود را مسترد دارد.
۶. انصراف یکی از اصحاب دعوا می تواند نسبت به جزیی از دعوا نیز انجام پذیرد.
۷. هرگاه دعوا استرداد شود، اعمال دادرسی انجام شده منتفی می گردد و مگر اموری که در پرونده محرز شده یا مورد اقرار صورت گرفته است.
۸. استرداد دعوا به معنای اخذ از سوی ولی و حتی قیم صغیر نیز پذیرفته می شود.
۹. استرداد دعوا تنها در صورتی از وکیل پذیرفته می شود که در وکالت نامه وی تصریح شده باشد.

نمونه سوال مشابه یا مرتبط

- ۱- در صورتی که خواهان دعوای خود را کلاً استرداد نماید، دادگاه کدام قرار را صادر می کند؟ (آزمون وکالت ۱۳۷۴)

۱) رد دعوا

۲) عدم استماع دعوا

۳) ابطال دادخواست

۴) سقوط دعوا

گزینه ۴ صحیح است.

- ۲- خواهان قبل از اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کرده است. دادگاه قانون باید کدام قرار را صادر کند؟

۱) ابطال دادخواست

۲) رد دادخواست

۳) رد دعوا

۴) سقوط دعوا

گزینه «۱» صحیح است.

- ۳- پس از اقامه دعوا خواهان ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۰)

۱) فقط تا اولین جلسه دادرسی می تواند دعوای خود را استرداد نماید.

۲) تا زمانی که دادرسی تمام نشده می تواند دعوای خود را مسترد دارد و در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید.

۳) فقط تا پایان جلسه اول دادرسی می تواند دعوای خود را مسترد دارد و در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید.

۴) تا زمانی که دادرسی تمام نشده می تواند دعوای خود را مسترد دارد و در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر می نماید.

گزینه ۲ صحیح است.

- ۴- در استرداد دعوا، قرار سقوط دعوا در صورتی صادر می شود که ..... (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۰ و آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۷۸ و ۷۵ و ۱۳۷۴)

۱) خوانده به استرداد دعوا رضایت دهد

۲) خواهان پیش از رسیدگی دعوا به مرحله صدور حکم، دعوا خود را استرداد کند.

۳) خواهان و خوانده متفقاً استرداد دعوا کنند.

۴) ضمن استرداد دعوا، خواهان به کلی از دعوا خود صرف نظر کند.

گزینه ۴ صحیح است.

- ۵- رایی که براساس انصراف کلی خواهان از دعوا صادر می شود ..... (آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۱۳۸۲)
- ۱) قرار سقوط دعوا خوانده می شود و حتی در صورت قطعیت اعتبار امر قضاوت شده ندارد.
- ۲) قرار سقوط دعوا خوانده می شود و در صورت قطعیت دارای اعتبار امر قضاوت شده است.
- ۳) حکم بر سقوط دعوا خوانده می شود و با صدور آن، اعتبار امر قضاوت شده حاصل می شود.
- ۴) حکم بر سقوط دعوا خوانده می شود و در صورت قطعیت دارای اعتبار امر قضاوت شده است.
- گزینه ۲ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۱۰۷- استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می گیرد: ۱- خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. ب- خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوا یخود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید. ج- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد و یا خواهان از دعوی خود به طور کلی صرف نظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.

۲۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: تامین خواسته سطح سوال: دشوار نکات:

- درخواست تامین خواسته چنانچه قبل از تقدیم دادخواست باشد، الزاماً می بایست روی فرم مخصوص دادخواست تنظیم شود.
- درخواست تامین خواسته چنانچه پس از تقدیم دادخواست باشد، نیازی به تنظیم آن روی فرم دادخواست نمی باشد.
- درخواست تامین خواسته در صورتی پذیرفته می شود که خواسته عین معین یا به میزان معین باشد.
- چنانچه دعوا مستند به سند رسمی باشد، خواهان از سپردن خسارت احتمالی معاف می باشد.
- در مورد اسناد رسمی تفاوتی نمی ماند که سند رسمی لازم الاجرا باشد یا خیر
- اسناد عادی در حکم سند رسمی شامل مورد اخیر الذکر نمی شوند.
- چنانچه خواهان ثابت نماید که خواسته در معرض تضییع یا تفریط است دادگاه بدون اخذ خسارت احتمالی اقدام به صدور قرار تامین خواسته می نماید.
- یکی دیگر از موارد صدور قرار تامین خواسته بدون اخذ خسارت احتمالی، اوراق تجاری وخواست شده می باشد.
- خسارت احتمال تعیین می بایست الزاماً وجه نقد باشد.

سوالات مشابه و مرتبط

- ۱- در دعوی مستند به سفته ای که واخواست نشده باشد، ..... (آزمون کارشناسی ارشد آزاد ۱۳۷۷)
- ۱) درخواست تامین خواسته در صورتی پذیرفته می شود که خواهان تامین دهد یا خواسته در معرض تضییع و تفریط باشد.
- ۲) درخواست تامین خواسته منحصر در صورتی پذیرفته می شود که خواسته در معرض تضییع و تفریط باشد.
- ۳) درخواست تامین خواسته در هر حال باید پذیرفته شود.
- ۴) درخواست تامین خواسته به علت غیرقابل استناد بودن سفته واخواست نشده قابل پذیرش نمی باشد.
- گزینه «۱» صحیح است.
- ۲- دادگاه مکلف به صدور قرار تامین خواسته همراه با دریافت خسارت احتمالی نقدی است در صورتی که ..... (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۴)
- ۱) دعوا مستند به سند رسمی باشد.
- ۲) دعوا در معرض تضییع و یا تفریط باشد.
- ۳) در مواردی که به موجب قانون (مثل اوراق تجاری وخواست شده) دادگاه مکلف به صدور قرار تامین خواسته است.
- ۴) در موارد فوق خسارات احتمالی دریافت نمی شود و دریافت خسارت فقط ناظر به موردی است که ممکن است به طرف مقابل خساراتی وارد آید.
- گزینه ۴ صحیح است.

۳- دعوی راجع به ترکه، در مدت تحریر ترکه، توسط دادگاه توقیف ..... و به درخواست مدعی، قرار تامین خواسته، در صورتی که شرایط موجود باشد ..... صادر می شود. (آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۱۳۸۷)

- ۱) می شود - با گرفتن تامین
  - ۲) می شود - با گرفتن تامین
  - ۳) نمی شود - با گرفتن تامین
  - ۴) نمی شود - بدون گرفتن تامین
- گزینه ۲ صحیح است.

۴- خواهان دعوی اصلی درخواست تامین خواسته نموده و اموال خوانده توقیف شده است. خوانده دعوی متقابل اقامه کرده است. آیا خوانده این دعوا که همان خواهان قبلی است، می تواند علیه خواهان دعوی متقابل درخواست تامین کند؟

- ۱) خیر نمی تواند
- ۲) بله می تواند



۳) به نظر دادگاه است

۴) در دادگاه تجدیدنظر می تواند

گزینه ۲ صحیح است.

۲۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد. موضوع سوال: دعوای ورود ثالث و موارد تفکیک آن از دعوای اصلی سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. هرگاه در دعوای ورود ثالث دادگاه احراز نماید که اقامه دعوای ورود ثالث برای تبانی و یا تاخیر رسیدگی است و یا اینکه اساساً با دعوای اصلی مرتبط نمی باشد دعوای ورود ثالث را از دعوای اصلی تفکیک و به طور جداگانه مورد رسیدگی قرار می دهد.

۲. مورد یاد شده در دعوای ورود ثالث اصلی می باشد چنانچه دعوای ورود ثالث به طور تبعی مطرح شده باشد و موارد اخیر الذکر برای دادگاه محرز شود، دادگاه قرار رد آن را صادر می کند، زیرا امکان رسیدگی جداگانه وجود دارد.

۳. دعوای ورود ثالث مانند سایر دعاوی طاری باید با دعوای اصلی به طور توأمان رسیدگی شود.

سوالات مرتبط و مشابه

۱- هرگاه دادگاه احراز نماید، ..... (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۰)

۱) دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی باشد. دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند.

۲) دعوای ثالث به منظور اطلاع دادرسی و تبانی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی موکول به نتیجه دعوای ثالث نمی باشد. دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه می رسد.

۳) دعوای ثالث به منظور تبانی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی موثر در نتیجه دعوای ثالث می باشد، دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند.

۴) هر سه پاسخ صحیح است.

- گزینه ۴ صحیح است.

۲- هرگاه دعوای ورود ثالث اقامه شود اما شرایط اقامه این دعوا حاصل نباشد، دادگاه، ..... (آزمون کارشناسی ارشد آزاد ۱۳۸۷)

۱) اگر ورود ثالث اصلی باشد قرار رد این دعوا را صادر می کند.

۲) در هر حال قرار رد این دعوا را صادر می کند

۳) اگر ورود ثالث تبعی باشد، قرار رد این دعوا را صادر می کند.

۴) در هر حال دعوای ورود ثالث را از دعوای اصلی تفکیک و به آن جداگانه رسیدگی می کند.

گزینه ۴ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۱۳۳- هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی باشد. دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند.

۲۸. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: شرایط اقامه دعوای متقابل سطح سوال: کمی دشوار

نکات:

۱. دعوای متقابل از جمله دعاوی طاری می باشد.

۲. طرح دعوای متقابل در برابر دعوای اضافی نیز امکان است.

۳. استرداد دادخواست یا دعوا یا ابطال دادخواست و رد دعوا در مورد دعوای اصلی یا متقابل تاثیری بر هم ندارند و دادگاه می بایست به رسیدگی ادامه داده و اقدام به صدور رای نماید.

۴. طرح دعوای متقابل فقط در مرحله بدوی امکان پذیر می باشد.

۵. دعوای متقابل در هر حال به دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی تقدیم می شود.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- دعوا در صورتی متقابل محسوب است که، ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ۱۳۷۶)

۱) از طرف خواننده علیه خواهان حداکثر تا پایان اولین جلسه دادرسی اقامه شود و با دعوای اصلی ناشی از یک منشا بوده یا با آن ارتباط کامل داشته باشد.

۲) از طرف خواننده علیه خواهان حداکثر تا اولین جلسه دادرسی اقامه شود و یا دعوای اصلی ناشی از یک منشا بوده یا با آن ارتباط کامل داشته باشد.

۳) از طرف خواننده علیه خواهان تا قبل از پایان رسیدگی اقامه شود و با دعوای اصلی ناشی از یک منشا بوده و با آن ارتباط کامل داشته باشد.

۴) از طرف خواننده علیه خواهان تا قبل از پایان رسیدگی اقامه شود و با دعوای اصلی ناشی از یک منشا بوده یا با آن ارتباط کامل داشته باشد.

گزینه «۱» صحیح است.

۱- دادگاه تجدیدنظر نمی تواند به ماهیت دعوای ذیل بدون طرح در مرحله بدوی رسیدگی کند. (آزمون استخدام قضات ۱۳۷۹)

۱) دعوای جلب ثالث کحه توسط تجدیدنظر خوانده مطرح می شود.

۲) دعوی تقابل که در مرحله تجدیدنظر اقامه می شود.

۳) دعوی ورود ثالث که در زمان رسیدگی دادگاه تجدیدنظر به تجدیدنظرخواهی نسبت به دعوی اصلی مطرح می شود.

۴) دعوی اعتراض ثالث نسبت به رای تایید شده دادگاه بدوی در دادگاه تجدیدنظر  
گزینه «ب» صحیح است.

۲- طرح دعوی متقابل از جانب اصحاب دعوا علیه وارد ثالث، ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۰)  
۱) در هر حال مجاز است.

۲) در هیچ صورتی مجاز نیست

۳) در صورتی مجاز است که ثالث برای خود مستقلاً حقی قایل شود.

۴) در صورتی مجاز است که جهت ورود ثالث تقویت یکی از اصحاب دعوا باشد.  
گزینه ۳ صحیح است.

ماده مرتبط:

ماده ۱۴۱- خوانده می تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشا بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد، در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد.

۲۹. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: سپردن تامین از سوی تبعه خارجی سطح سوال: دشوار

نکات:

به طور کلی شرایط ذیل در اخذ تامین اتباع بیگانه می بایست احراز شود:

۱. خوانده تبع ایران باشد

۲. خواهان تبعه دولت خارجی باشد.

۳. تبعه خارجی خواهان دعوی اصلی یا وارد ثالث باشد.

۴. درخواست اخذ تامین تا پایان جلسه اول رسیدگی داده شده باشد.

۵. در موارد ذیل اتباع بیگانه حتی با وجود شرایط اخیرالذکر از دادن تامین معاف می باشند؛ ۱. در کشور متبوع خواهان، اتباع ایرانی معاف از سپردن تامین باشند. ۲- دعوی راجع به برات و سفته و چک. ۳- دعوی متقابل، ۴- دعوی مستند به سند رسمی. ۵- دعوی که بر اثر آگاهی رسمی اقامه می شود.

۶. نکته حایز اهمیت این مطلب این می باشد که در دعوی راجع به سفته برات و چک می بایست دعوا مستند به این اسناد تجاری باشد. به عبارتی مطالبه مبلغ این اسناد تجاری صورت پذیرد نه فرض سوال که دعوی استرداد لاشه چک می باشد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- در کدام یک از موارد ذیل اتباع خارجه از دادن تامین معاف می باشند؟ (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۰)

۱) دعوی راجع به برات، سفته و چک، متقابل، مستند به سند رسمی، دعوایی که بر اثر آگاهی رسمی اقامه می شود.

۲) دعوی راجع به اسناد تجاری، ثالث، مستند به سند رسمی و اعتراض به ثبت

۳) دعوی راجع به برات، سفته و چک متقابل، دعوی مستند به حکم دادگاه

۴) هیچکدام

گزینه «۱» صحیح است.

۲- در کدام یک از موارد ذیل اتباع خارج از دادن تامین معاف می باشند؟ (آزمون استخدام قضات ۱۳۷۸)

۱) در دعوی راجع به برات و سفته طلب و چک، دعوایی که بر اثر آگاهی های رسمی اقامه می شود و در دعوی ثالث.

۲) در دعوی متقابل، در دعوایی که مستند به سند رسمی است و در دعوی اسناد تجاری

۳) در دعوی اسناد تجاری، دعوایی که بر اثر آگاهی های رسمی اقامه می شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعوی بر علیه متوقف و غیره و در دعوی ثالث

۴) هیچکدام

گزینه ۲ صحیح است.

۳- نظام حقوقی ایران در انجام فعالیت های اعطایی کشورهای دیگر به محاکم داخلی از چه تئوری تبعیت می کند؟ (آزمون کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد ۱۳۸۹)

۱) حقوق مکتسبه

۲) معامله متقابل

۳) نزاکت بین المللی

۴) تعهد حقوقی

ماده مرتبط:

ماده ۱۴۴- اتباع دولت های خارج، چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند، بنا به درخواست طرف دعوا، برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بپسارند. درخواست اخذ تامین فقط از خوانده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می شود.

ماده ۱۴۵- در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند، از دادن تامین معاف می باشند:

۱- در کشور متبوع وی اتباع ایرانی از دادن چنین تامین معاف باشند.

۲- دعاوی راجع به برات، سفته و چک

۳- دعاوی متقابل

۴- دعاوی که مستند به سند رسمی باشد.

۵- دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعاوی علیه متوقف

۳۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد. موضوع سوال: اظهارنامه سطح سوال: دشوار

نکات:

۱. اظهارنامه وسیله ای برای مطالبه حق از دیگری یا رساندن اظهارات به طور رسمی به طرف مقابل است.

۲. اظهارنامه دارای دو بخش است؛ بخشی که توسط اظهار کننده تنظیم می شود که سند عادی محسوب می شود و بخشی که مامور نحوه ابلاغ را گزارش می دهد سند رسمی محسوب می شود

۳. در برخی از موارد ارسال اظهارنامه اجتناب ناپذیر است که بعداً بیشتر توضیح خواهیم داد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- اظهارنامه توسط کدام یک از مراجع ذیل قابل ابلاغ است؟ (آزمون استخدام قضات ۱۳۸۰)

۱) اجرای ثبت

۲) دفتر دادگاه ها

۳) دفتر اسناد رسمی

۴) دایره قبولی اظهارنامه

۱. گزینه ۲ صحیح است.

۲- مکلف نمودن خوانده (مخاطب) به پاسخ، از آثار ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۷)

۱) دادخواست و اظهارنامه است.

۲) اظهارنامه و دادخواست نیست

۳) اظهارنامه است و دادخواست چنین اثری ندارد

۴) دادخواست است و اظهارنامه چنین اثری ندارد.

۲. گزینه ۴ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۱۵۶- هرکس می تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط بر این که موعد مطالبه رسیده باشد. به طور کلی هر کس حق دارد اظهاراتی که راجع به معاملات و تعهدات خود با دیگری است و بخواهد به طور رسمی به وی برساند، ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید.

اظهارنامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفتر دادگاه ها ابلاغ می شود.

۳۱. گزینه ۳ پاسخ می باشد. موضوع سوال: دعاوی تصرف عدوانی سطح سوال: کمی دشوار

نکات:

۱. در دعاوی تصرف عدوانی خواهان باید ثابت نماید ۱. مال غیر منقول در تصرف وی بوده است، ۲. تصرفات خوانده لاحق است، ۳. تصرفات خوانده عدوانی است.

۲. در دعاوی تصرف عدوانی دادگاه وارد دلایل مالکیت نمی شود.

۳. سند مالکیت در دعاوی تصرف عدوانی منحصراً اماره به حق تصرف است.

۴. لازم نیست مالکانه و مشروع بودن تصرف سابق اثبات شود.

۵. فرض سوال مانع از اقدامات حقوقی شاکی در طرح دعاوی تصرف عدوانی نمی باشد.

سوالات مرتبط و مشابه

۱- هر گاه شخصی به ادعای مالکیت بر ملکی، علیه متصرف، شکایت کیفری تصرف عدوانی مطرح نماید و به علت عدم احراز مالکیت، شکایت او به نتیجه مطلوب نرسد، علیه متصرف ..... (آزمون سراسری ۱۳۸۹)

۱) تنها در صورتی می تواند دعاوی تصرف عدوانی اقامه کند که ملک سابقه ثبتی نداشته باشد.

۲) نمی تواند دعاوی تصرف عدوانی اقامه کند.

۳) تنها در صورتی می تواند دعاوی تصرف عدوانی اقامه کند که جریان ثبتی ملک پایان یافته باشد.

۴) می تواند دعاوی تصرف عدوانی اقامه کند.

۱. گزینه ۴ صحیح است.

۲- در دعوای تصرف عدوانی که مدعی اقامه می نماید مالی که ادعای تصرف عدوانی بر آن شده ..... (آزمون سراسری ۱۳۹۰)

(۱) می تواند منقول باشد اما باید قابلیت تملک خصوصی داشته باشد.

(۲) باید غیرمنقول بوده و قابلیت تملک خصوصی داشته باشد.

(۳) باید غیرمنقول باشد اما لازم نیست قابلیت تملک خصوصی داشته باشد.

(۴) می تواند منقول باشد و لازم نیست قابلیت تملک خصوصی داشته باشد.

۲. گزینه ۲ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۱۵۸- دعوای تصرف عدوانی عبارت است از ادعای متصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می نماید.

۳. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: مال مورد تصرف عدوانی سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. دعوای تصرف عدوانی فقط نسبت به اموال غیر منقول مصادق دارد.

۲. مال غیرمنقول موضوع دعوای تصرف عدوانی می تواند مفروز یا مشاع باشد.

۳. در صورت مشاع بودن مال موضوع تصرف عدوانی دعوای تصرف عدوانی می تواند از سوی یکی از شرکا صورت گیرد.

۴. چنانچه شخص مدعی داشتن حق انتفاع یا ارفاق باشد و منظور از طرح دعوا شناسایی چنین حقی باشد، می بایست دعوای مالکیت مطرح نماید نه تصرف عدوانی

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- مطابق قانون، اقامه دعوا تصرف عدوانی ..... (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

(۱) در مورد اموال منقول امکان پذیر است.

(۲) در مورد اموال غیرمنقول امکان پذیر است.

(۳) در مورد اموال منقول و غیرمنقول امکان پذیر است.

(۴) در مورد اموال منقول و غیرمنقول استیجاری امکان پذیر است.

۱. گزینه ۲ صحیح است.

۲- دعوای تصرف عدوانی تنها در اموال ..... شنیده می شود. (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۷۸)

(۱) منقول

(۲) غیرمنقول

(۳) منقول و همچنین حقوق

(۴) غیرمنقول و همچنین منقول

۲. گزینه ۲ صحیح است.

۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد. موضوع سوال: درخواست ابراز سند سطح سوال: آسان

نکات

۱. در صورتی که به هر دلیل اثبات شود که سند نزد طرف مقابل می باشد در صورت عدم ابراز سند و اعتراف به وجود سند، دادگاه می تواند این موضوع را از جمله قرائن مثبت بداند.

۲. عدم ابراز سند به تنهایی نمی تواند ادعای درخواست کننده را ثابت نماید.

۳. در صورتی که شخص با وجود سند در نزد وی اثبات شده است می تواند با اثبات از بین رفتن یا عدم دسترسی به سند، از ضمانت اجرای پیش بینی شده در ماده ۲۰۹ از ق.ا.د.م. معاف می گردد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- هرگاه طرف مقابل به وجود سندی نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن استنکاف نماید، (آزمون وکالت ۱۳۷۸)

(۱) دادگاه می تواند آن را از جمله قرائن مثبت بداند.

(۲) دادگاه می تواند آن را از جمله دلایل بداند.

(۳) دادگاه طرف را مکلف به ارایه می کند.

(۴) دادگاه سند را از عداد دلایل خارج می کند.

۱. گزینه «۱» صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۲۰۹- هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف، باید آن سند ابراز شود. هر گاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می تواند آن را از جمله قرائن مثبت بداند.



## ۳۴. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: عدم استماع تردید و انکار پس از ادعای جعلیت سطح سوال: آسان

نکات:

۱. هرگاه ادعای جعل نسبت به سند شود و پس از آن انکار یا تردید شود چه قبل از رسیدگی به ادعای جعل یا پس از آن، انکار یا تردید پذیرفته نمی باشد و فقط به ادعای جعل رسیدگی می شود.
۲. هرگاه انکار یا تردید و جعل همزمان مطرح شود، به ادعای جعل رسیدگی می شود.
۳. هرگاه ابتدا انکار یا تردید مطرح و سپس جعل مطرح شود، به ادعای جعل مطرح می شود.
۴. در صورتی که انکار یا تردید مطرح شود، دادگاه به اصلت سند رسیدگی نماید، دیگر در دعوا نمی توان ادعای جعل نمود.
۵. پس از ادعای جعل یا اظهار انکار یا تردید، دفاع ماهوی مسموع نیست.
۶. اگر ادعای جعل تنها نسبت به قسمتی از سند مطرح شده باشد نسبت به سایر قسمت های سند دفاع ماهوی مسموع است.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون استخدام قضات ۱۳۷۷)

- ۱) بعد از ادعای جعل سند، تردید و انکار آن مسموع نیست.
- ۲) در صورت تردید و انکار سند یا ادعای جعل فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد.
- ۳) اظهار تردید یا انکار یا جعلیت نسبت به اسناد باید در اولین جلسه به عمل آید.
- ۴) هر سه گزینه صحیح است.
۱. گزینه ۴ صحیح است.

۲- در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند پذیرفته باشد، .... (آزمون استخدام قضات ۱۳۷۹)

- ۱) ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام تعهد موضوع آن پذیرفته خواهد شد.
- ۲) دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی شود.
- ۳) فقط ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام تعهد آن در حدود مندرجاتی که مصون از تعرض باقیمانده پذیرفته می شود.
- ۴) هیچ کدام
۲. گزینه ۲ صحیح است.

۳- در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، ..... (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

- ۱) دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی شود.
- ۲) ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام تعهد موضوع آن پذیرفته خواهد شد.
- ۳) فقط ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام تعهد موضوع آن در حدود مندرجاتی که مصون از تعرض باقیمانده پذیرفته می شود.
- ۴) هیچ کدام
۳. گزینه «۱» صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۲۲۸- پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن سند پذیرفته نمی شود. ولی چنانچه پس از تردید یا انکار سند، ادعای جعل شود، فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد. در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی شود و چنانچه نسبت به اصلت سند همراه با دعوای پرداخت وجه یا انجام تعهد، تعرض شود، فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصلت قابل رسیدگی نمی باشد.

## ۳۵. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: انتخاب کارشناس مورد تراضی سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. انتخاب کارشناس به تراضی طرفین مانع از حق اعتراض آنها بر نظریه کارشناسی مرضی الطرفین نمی باشد، مگر اینکه حق اعتراض را خود سلب نموده باشد.
۲. کارشناس مورد انتخاب دادگاه علی الاصول از کارشناسان رسمی دادگستری باید باشد مگر در مواردی که در فن معینی کارشناس رسمی نباشد.
۳. حق اصحاب دعوا در انتخاب کارشناس مرضی الطرفین است که حتی می تواند کارشناس رسمی دادگستری نباشد.
۴. انتخاب کارشناس مرضی الطرفین باید قبل از اقدام کارشناس رسمی دادگستری باشد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- هرگاه کارشناس مرضی الطرفین در مهلت های تعیین شده، اظهار نظر ننماید، دادگاه ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۸۴)

- ۱) کارشناسی را از عداد دلایل خارج می کند
- ۲) نمی تواند کارشناس دیگری انتخاب کند حتی اگر اصحاب دعوا توافق کنند.
- ۳) می تواند کارشناس دیگری انتخاب کند و توافق اصحاب دعوا لازم نیست.
- ۴) می تواند کارشناس دیگری انتخاب کند مشروط بر آن که اصحاب دعوا توافق کنند.
۱. گزینه ۳ صحیح است.

(آزمون وکالت ۱۳۸۷)

۲- دادگاه ..... کارشناس غیر رسمی تعیین نماید.

۱) می تواند

۲) نمی تواند

۳) با تراضی طرفین دعوا می تواند

۴) به درخواست یکی از طرفین دعوا می تواند.

۲.گزینه ۳ صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۲۶۸- طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می شود، می توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.

۳۶. گزینه ۳ پاسخ می باشد. موضوع سوال: صدور قرار سوگند استظهاری سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. سوگند استظهاری سوگندی است که خواهان برای بقای حق خود بر حقوقی یاد می نماید.

۲. سوگند استظهاری تنها در دعاوی علیه مرده ادا می شود و ادای آن مستلزم درخواست نمی باشد بلکه دادگاه راسا واگذار می نماید.

۳. در سوگند استظهاری، دلایل خواهان الزاما ناقص نمی باشد.

۴. در صورت خودداری مدعی از ادای سوگند استظهاری حق وی ساقط است.

۵. احکام دادگاه که مستند به سوگند استظهاری باشد از احکام غیرقابل تجدیدنظر و غیرقابل فرجام نمی باشد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- در دعوی بر میت پس از اقامه بینه سوگند خواهان ..... (آزمون استخدام قضات ۱۳۸۲)

۱) باطل است

۲) لازم است

۳) لازم نیست

۴) به اختیار دادگاه است

۱.گزینه ۲ صحیح است

۲- در دعوی بر میت پس از اقامه بینه، ..... (آزمون استخدام قضات ۱۳۸۴)

۱) سوگند وارث در مقابل بینه لازم است و در صورت امتناع از سوگند دادگاه ورثه را محکوم می نماید.

۲) سوگند خواهان نیز لازم است و در صورت امتناع از سوگند حق وی ساقط می شود

۳) سوگند خواهان نیز لازم است و در صورت امتناع وی دادگاه ورثه را سوگند می دهد

۴) سوگند ورثه در مقابل بینه لازم است و در صورت امتناع ایشان دادگاه خواهان را سوگند می دهد.

۲.گزینه ۲ صحیح است.

ماده ۲۷۸- در دعوی بر میت پس از اقامه بینه، سوگند خواهان نیز لازم است و در صورت امتناع از سوگند، حق وی ساقط می شود.

۳۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد. موضوع سوال: نقص رای در مرحله تجدیدنظر سطح سوال: آسان

نکات:

۱. قانونگذار در مرحله تجدیدنظر صرف صدور رای از دادگاه غیر صالح چه ذاتی چه محلی را موجب فسخ رای داشته است.

۲. در مرحله فرجام خواهی رای صادره از مرجع غیر صالح از نظر محلی در صورتی نقض می شود که خوانده در اولین جلسه دادرسی مرحله نخستین ایراد نموده باشد.

۳. دادگاه تجدیدنظر در صورتی رای را به علت عدم صلاحیت ذاتی نقض می نماید که دادگاه صادر کننده را پیش از آن را دیوان عالی کشور تعیین ننموده باشد.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- در صورتی که دادگاه تجدیدنظر مرکز استان دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت نسبی بداند، ..... (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری ۱۳۷۷)

۱) حکم چنانچه اشکال دیگری نداشته باشد تایید و جهت اجرا به دادگاه بدوی می فرستد

۲) حکم را نقض و پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال می کند.

۳) حکم را نقض و پرونده را جهت صدور قرار عدم صلاحیت به دادگاه بدوی ارسال می کند.

۴) پرونده را جهت تعیین مرجع صلاح به دیوان عالی کشور می فرستد.

۱.گزینه ۲ صحیح است.

۲- عدم رعایت صلاحیت محلی دادگاه، ..... (آزمون وکالت ۸۲ و ۱۳۸۱)

۱) موجب نقض رای در مرحله تجدیدنظر و فرجام است حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد.

۲) موجب نقض رای دادگاه در مرحله تجدیدنظر و فرجام نیست مگر اینکه نسبت به آن ایراد شده باشد.

۳) در مرحله تجدیدنظر در صورتی که نسبت به آن ایراد شده باشد و در مرحله فرجام حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد موجب نقض رای دادگاه است.  
 ۴) در مرحله تجدیدنظر موجب نقض رای دادگاه است. حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد در مرحله فرجام وقتی موجب نقض رای است که نسبت به آن ایراد شده باشد.

۲. گزینه ۴ صحیح است.

۱- در صورت عدم رعایت صلاحیت محلی توسط دادگاه بدوی،..... (آزمون وکالت ۱۳۸۷)

۱) دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور راسا رای را نقض نموده و پرونده را به مرجع صالح ارسال می نمایند.  
 ۲) دادگاه تجدیدنظر راسا رای را نقض نموده و پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید اما نقض رای در دیوان عالی کشور، مشروط به ایراد عدم صلاحیت محلی است.  
 ۳) دادگاه تجدیدنظر راسا رای را نقض و رسیدگی نموده تجدیدنظر و دیوان عالی کشور، راسا رای را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می نمایند.  
 ۴) دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور صرفاً اگر ایراد عدم صلاحیت محلی شده باشد، رای را نقض می نماید و بعد از نقض هر دو دادگاه به پرونده می توانند رسیدگی کنند.

۳. گزینه ۲ صحیح است.

ماده ۳۵۲ ق.آ.د.م - هرگاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد، رای را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می دارد.

۳۸. گزینه ۱ پاسخ می باشد. موضوع سوال: فرجام تبعی سطح سوال: آسان

نکات:

۱. فرجام تبعی مستلزم تقدیم دادخواست نمی باشد.  
 ۲. فرجام تبعی مستلزم پرداخت هزینه دادرسی مرحله فرجامی نمی باشد.  
 ۳. فرجام تبعی فقط از فرجام خوانده پذیرفته می شود  
 ۴. فرجام تبعی فرع به فرجام اصلی بوده است.  
 ۵. فرجام تبعی فقط در مقابل فرجام خواه پذیرفته می شود.  
 نمونه سوالات مرتبط و مشابه  
 ۱. حکم قابل فرجامی صادر می شود که جزاً علیه خواهان دعوا و جزاً علیه خوانده دعواست. هر دو طرف ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم به آنها فرجام خواهی می نمایند و سپس خواهان دعوا، دادخواست فرجامی خود را پس می گیرید (استرداد می نماید) در این صورت: (آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ۱۳۷۶)  
 الف) فرجام خواهی خوانده دعوا بلا اثر می گردد.  
 ب) به فرجام خواهی خوانده دعوا باید رسیدگی شود.  
 ج) تنها در دعاوی مالی، فرجام خواهی خوانده دعوا بلا اثر می گردد.  
 د) تنها در دعاوی غیرمالی فرجام خواهی خوانده دعوا بلا اثر می گردد.  
 گزینه «ب» صحیح است.  
 ماده ۴۱۵ - اگر فرجام خواه دادخواست فرجامی خود را استرداد نماید و یا دادخواست او رد شود، حق درخواست فرجام تبعی ساقط می شود و اگر درخواست فرجام تبعی شده باشد، بلا اثر می گردد.

۳۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: تاثیر اعاده دادرسی در اجرای حکم سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. اعاده دادرسی اثر تعلیقی و انتقالی دارد.  
 ۲. صرف قابلیت اعاده دادرسی داشتن یا صرف تقدیم دادخواست اعاده دادرسی موجب توقف اجرای حکم نمی گردد.  
 ۳. پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی چنانچه محکوم به غیرمالی باشد، اجرای حکم متوقف می شود.  
 ۴. پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی چنانچه محکوم به مالی باشد، پس از اخذ تامین مناسب عملیات اجرایی به درخواست محکوم له ادامه می یابد.  
 ۵. میزان تامین به صلاحدید دادگاه گذاشته شده است.  
 ۶. نوع تامین می تواند وجه نقد نباشد.  
 نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱- اعاده دادرسی در چه شرایطی اجرای حکم را به تاخیر می اندازد؟ (آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۷۸ و ۱۳۷۴)

۱) درخواست اعاده دادرسی با دادن تامین عملیات اجرایی را به تاخیر می اندازد.  
 ۲) درخواست اعاده دادرسی به تنهایی عملیات اجرایی را به نهایه به تاخیر می اندازد.  
 ۳) درخواست اعاده دادرسی به هیچ وجه عملیات اجرایی را به تاخیر نمی اندازد.  
 ۴) عملیات اجرایی در صورت قبول دادخواست اعاده دادرسی به تاخیر می افتد.  
 ۱. گزینه ۴ صحیح است.

۲- با درخواست اعاده دادرسی تکلیف حکم مورد اعاده دادرسی چیست؟ (آزمون وکالت ۱۳۷۸)

۱) اجرای حکم به تاخیر می افتد.

۲) اجرای حکمی که مورد اعاده دادرسی است به تاخیر نمی افتد.

۳) در صورت پرداخت خسارت احتمالی اجرای حکم به تاخیر می افتد.

۴) در صورتی که حکم اجرا شده باشد به وضع سابق اعاده می شود.

۲.گزینه ۲ صحیح است.

۳-قرار قبولی اعاده دادرسی چه تاثیری در اجرای حکم دارد؟ (آزمون مشاوران حقوقی ۱۳۸۲)

۱) اجرای حکم متوقف می شود.

۲) چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف می شود.

۳) چنانچه محکوم به مالی باشد، اجرای حکم متوقف می شود.

۴) صدور قرار قبولی اعاده دادرسی تاثیری در توقف اجرای حکم ندارد.

۳.گزینه «۱» صحیح است.

ماده ۴۳۷- با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد:

۱- چنانچه محکوم به غیرمالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد.

ب- چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تامین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تامین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد.

ج- در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای ۱ و ب اقدام می گردد

۴۰. گزینه ۲ پاسخ می باشد. موضوع سوال: مقررات داورى سطح سوال: متوسط

نکات:

۱. داوران ملزم نیستند که کارشناس را از بین این کارشناسان رسمی دادگستری گزینند.

۲. معاینه محلی می تواند از سوی داور صورت پذیرد

۳. تحقیق محلی و استماع شهادت شهود عملاً با مانع قانونی رو به رو می باشد.

۴. رسیدگی داور منوط به درخواست ذی نفع است.

۵. داور نمی تواند درخواست فرستادن اسناد از ادارات دولتی را وفق مقررات ۲۰۳ ق.آیین دادرسی مدنی بنماید.

نمونه سوالات مرتبط و مشابه

۱-اگر ضمن رسیدگی داور به دعوای تمکین، زن مدعی بطلان نکاح شود، داور ..... (آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۱۳۷۸)

۱) هر دو دعوا را برای رسیدگی به دادگاه ارسال می دارد.

۲) به هر دو دعوا رسیدگی می کند.

۳) دعوای بطلان نکاح را به دادگاه خانواده ارجاع و رسیدگی به دعوای تمکین را ادامه می دهد.

۴) رسیدگی به دعوای تمکین را تا صدور حکم قطعی از دادگاه نسبت به اصل نکاح توقف می سازد.

گزینه «د» صحیح است.

ماده مرتبط

ماده ۴۷۶- طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر

کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.

ماده ۴۷۷- داوران در رسیدگی و رای تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط ره داورى را رعایت کنند.

«حقوق تجارت»

۴۱. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:

۱-هرچند صدور چک عمل تجاری ذاتی محسوب نمی شود ولی اگر برای رفع نیازهای تجاری تاجر صادر شود، به استناد ماده ۵ و بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت، تجاری

تبعی محسوب خواهد شد.

۲-به استناد ماده ۴ قانون تجارت معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی شود ولی اگر توسط شرکت تجاری ساختمان سازی واقع شوند تجاری محسوب خواهند شد

زیرا باتوجه به ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها این گونه شرکتهای که برای ساختمان سازی ایجاد می گردند غیر از ساختمان سازی و فروش و اجاره آن نمی توانند فعالیت

دیگری انجام دهند.از طرف دیگر براساس بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت،همه معاملات شرکتهای تجاری تجارتی محسوب می شوند.لذا شرکتی که برای ساختمان سازی

دایر گردیده همه معاملاتش از جمله معاملات غیرمنقول تجاری محسوب می گردد.

۳-به استناد بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت، صدور برات عملی تجاری است هرچند که توسط غیر تاجر صادر گردد.

نکته نخست: معاملات تجاری ذاتی آن دسته از معاملاتی است که اگر شخص انجام آنها را شغل معمولی خودش قرار دهد، باعث می گردد تا آن شخص تاجر تلقی

گردد.

نکته دوم: معاملات تجاری تبعی آن معاملاتی است که تاجر برای رفع نیازهای تجاری خود آنها را انجام می دهد.

تهران -



#### ۴۲. پاسخ می تواند گزینه «۱» باشد زیرا:

۱- براساس ماده ۱۴ قانون تجارت، دفتر تاجر در هر وضعیتی می تواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد حتی اگر مطابق قانون تنظیم نشده باشد. ولی در وضعیتی که مطابق قانون تنظیم نباشد فقط می تواند بر علیه تاجر مستند قرار گیرد.

۲- برای اینکه دفتر تجاری بتواند به نفع تاجر مستند قرار گیرد باید اولاً طرف مقابل تاجر باشد و ثانیاً دعوا ناشی از معاملات تجاری باشد ثالثاً دفتر مرتب باشد و مطابق قانون تنظیم شده باشد رابعاً توسط مأمور ثبت (رسمی) برگشماری و امضا شده باشد.

#### ۴۳. پاسخ می تواند گزینه «۳» باشد زیرا:

۱- به استناد ماده ۳۳۹ قانون تجارت دلال نسبت به اسنادی که در ضمن معامله به او تحویل می گردد ضامن تلف و ضایع شدن آنها است. وقانونگذار در این باره برای تاجر فرض مسئولیت کرده است.

۲- براساس ماده ۳۴۱ قانون، دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های گوناگون دلالی کند.

۳- اگر دلال اعتبار یکی از طرفین معامله را تضمین کند نسبت به اعتبار آن طرف ضامن است ولی بدون تضمین مذکور، دلال ضامن اعتبار طرفی که برای او دلالی می کند نیست.

۴- دلال مسئول اجرای تعهدات ناشی از معامله نیست زیرا او وظیفه دارد طرفین معامله را به یکدیگر معرفی نماید و واسطه در انجام معامله باشد. و اختیارات او بیشتر از این نیست. مگر این اجازه به او داده شده باشد.

#### ۴۴. پاسخ می تواند گزینه «۲» باشد زیرا:

۱- به استناد ماده ۳۵۷ قانون تجارت، حق العملکار، معامله را به نام خود واقع می کند و خود او نیز آن معامله را اجرا می نماید و آنچه را که از اجرای معامله دریافت می کند می تواند نزد خود نگه دارد تا مطالبات خود را از آمر وصول کند. قانونگذار این حالت را به عنوان حق حبس برای حق العملکار در ماده ۳۷۱ قانون، پیش بینی کرده است.

۲- بنابر اصل نسبی بودن قراردادهای حق العملکار در برابر طرف معامله مسئول اجرای قرارداد می باشد و حتی اثبات اینکه معامله برای آمر است حق العملکار را از اجرای معامله معاف نمی گرداند.

#### ۴۵. پاسخ می تواند گزینه «۱» باشد زیرا:

به استناد ماده ۳۸۶ قانون تجارت، طرفین (متصدی حمل و نقل و ارسال کننده) می توانند برای میزان خسارت تلف کالا یا گم شدن آن مبلغی کمتر یا بیشتر از قیمت واقعی کالا معین نمایند. بنابراین قرارداد خصوصی آنها می تواند برای جبران خسارت مبلغی را معین کنند.

#### ۴۶. پاسخ می تواند گزینه «۲» باشد زیرا:

۱- براساس ماده ۱۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت، شرکت سهامی عام پس از تشکیل مجمع عمومی مؤسس تشکیل می گردد.

۲- ثبت شرکت، شرط تشکیل شرکت سهامی نمی باشد.

۳- در مجمع عمومی مؤسس اساسنامه شرکت تصویب می شود زیرا پیش از تصویب در قالب طرح اساسنامه می باشد. همچنین پذیره نویسی واقع شده را احراز و تصویب می نماید. و نیز اولین مدیران و بازرسان شرکت انتخاب می شوند و قبولی آنها بصورت کتبی گرفته می شود.

#### ۴۷. پاسخ گزینه «۳» می باشد زیرا:

۱- به استناد ماده ۲۸ لایحه اصلاحی، پیش از ثبت شرکت، صدور گواهینامه موقت سهام ممنوع می باشد.

۲- به موجب ماده ۳۰ لایحه، برای اینکه شرکت بتواند گواهینامه موقت بی نام صادر نماید باید تمامی مبلغ اسمی سهام پرداخت گردد.

#### ۴۸. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:

۱- براساس تبصره ماده ۷۵ لایحه اصلاحی، در مجمع عمومی مؤسس هر سهم دارای یک رأی می باشد لذا اگر کسی ۱۰۰ سهم داشته باشد در جلسه مجمع برای تصمیم گیری ۱۰۰ رأی خواهد داشت.

۲- به موجب ماده ۸۲ لایحه، در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست بلکه اختیاری است لذا این شرکتها با اینکه الزام و اجباری به تشکیل آن ندارند ولی اگر مایل باشند و نیاز باشد می توانند نسبت به تشکیل مجمع عمومی مؤسس اقدام نمایند.

۳- به استناد ماده ۸۴ لایحه، ممکن است همه سهام در مجمع عمومی فوق العاده حق رأی نداشته باشند.

۴- باتوجه به ماده ۸۷ لایحه، در مجمع عمومی عادی نیز ممکن است برخی از سهام حق رأی نداشته باشد.

#### ۴۹. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:

۱- براساس ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی، مدیرانی که به سمت هیأت مدیره انتخاب می شوند باید تعداد سهامی را که اساسنامه مقرر می دارد را برای وثیقه دارا باشند.

۲- به موجب ماده ۱۱۵ لایحه، اگر مدیری تعداد سهام لازم را برای وثیقه نداشته باشد یک مهلت دارد تا آن را تهیه نماید و به صندوق شرکت بسپارد و الا مستعفی محسوب می گردد.

#### ۵۰. پاسخ می تواند گزینه «۳» باشد زیرا:

۱- به استناد ماده ۱۵۸ لایحه اصلاحی، تبدیل مطالبات نقدی به سهام جدید و انتقال سود تقسیم نشده به سرمایه شرکت از جمله راه های افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید میباشد.

۲- براساس تبصره ماده ۱۵۸ لایحه، انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت ممنوع می باشد.

**۵۱. پاسخ می تواند گزینه «۲» باشد زیرا:**

به موجب ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی، اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم باشد، مدیر تصفیه می تواند بنابر حکم قانون، آن معاملات را انجام دهد و برای انجام آن نیازی به اجازه سهامداران یا دادستان نمی باشد.

**۵۲. پاسخ می تواند گزینه «۱» می باشد زیرا:**

۱- براساس ماده ۱۰۳ قانون تجارت انتقال سهم الشرکه شرکت بامسئولیت محدود نیازمند تنظیم سند رسمی می باشد و بدون ثبت در دفتر اسناد رسمی انتقال محقق نمی شود.

۲- تنظیم سند رسمی شرط صحت انتقال می باشد یعنی تا هنگامی که سند تنظیم نشود انتقالی صورت نمی گیرد و انتقال موکول و معلق بر تنظیم سند رسمی می باشد. لذا علاوه بر ایجاب و قبول طرفین تنظیم سند رسمی هم لازم است.

۳- به استناد ماده ۱۰۲ قانون تجارت برای انتقال سهم الشرکه، علاوه بر تنظیم سند رسمی موافقت دارندگان لاقل سه چهارم سرمایه شرکت که اکثریت عددی را نیز داشته باشند لازم است. بنابراین تا زمانی که این اکثریت ها نباشد انتقال صورت نمی گیرد.

۴- شرط بنایی یعنی شرطی که پیش از انعقاد عقد بین طرفین مقرر می شود و عقد بر مبنای آن واقع می گردد ولی در عقد ذکر نمی شود.

**۵۳. پاسخ می تواند گزینه «۲» باشد زیرا:**

۱- به استناد ماده ۱۳۶ قانون تجارت، یکی از شرکا می تواند شرکت را فسخ کند.

۲- براساس ماده ۱۳۷ قانون، شریک باید برای فسخ شرکت دلیل داشته باشد تا به قصد اضرار تلقی نشود.

۳- به موجب ماده بیان شده شریک در صورتی می تواند شرکت را فسخ کند که این حق از او سلب نشده باشد.

**۵۴. پاسخ می تواند گزینه «۳» باشد زیرا:**

باتوجه به ماده ۱۶۱ قانون تجارت، ورشکستگی شریک با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی گردد.

**۵۵. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:**

براساس ماده ۱۶۵ قانون تجارت، هر شرکت مختلط سهامی باید دارای هیأت نظار باشد. این هیأت مرکب از لاقل سه نفر می باشد و اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب می شوند ولی از آن پس انتخاب هیأت مطابق اساسنامه خواهد بود.

**۵۶. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:**

۱- به استناد ماده ۲۰ قانون تجارت، شرکت تعاونی یکی از اقسام شرکت های تجاری است.

۲- به موجب ماده ۱۹۰ قانون تجارت، شرکت تعاونی تولید موضوع فعالیتش تولید کالا و فروش آنها می باشد.

۳- براساس ماده ۱۹۲ قانون، موضوع فعالیت شرکت تعاونی مصرف، فروش اجناس لازم برای مصارف زندگی می باشد.

**۵۷. پاسخ می تواند گزینه «۴» باشد زیرا:**

۱- باتوجه به ماده به ماده ۲۸۹ قانون تجارت، ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت های مقرر، از دست دادن حق مراجعه به ظهرنویس می باشد.

۲- به استناد ماده ۲۳۰ قانون تجارت، مدیون اصلی در برات قبول کننده (براتگیر) می باشد.

**۵۸. پاسخ می تواند گزینه «۲» باشد زیرا:**

۱- براساس ماده ۱۷ قانون صدور چک، اگر چک در دست صادرکننده آن باشد به این معنی است که صادرکننده وجه آن را پرداخت نموده و کسی از وی شاکی نمی باشد.

۲- اماره قضایی یعنی اوضاع و احوالی که در نزد قاضی حکایت از امری نماید.

۳- اما در اماره قانونی، این اوضاع و احوال را قانونگذار بیان می کند.

**۵۹. پاسخ می تواند گزینه «۱» باشد زیرا:**

براساس ماده ۴۷۳ قانون تجارت، قانونگذار برای طلبکارانی که در موعد مقرر برای تشخیص طلب خود در دفتر دادگاه یا اداره تصفیه حاضر نمی گردند ضمانت اجرا در نظر گرفته است که بموجب آن چنانچه قبل از ورود آنها برای تقسیم مال تصمیم گیری شده باشد نمی توانند نسبت به آن تصمیم اعتراض نمایند و از آن مال حصه ای نخواهند برد.

**۶۰. پاسخ می تواند گزینه «۳» باشد زیرا:**

به استناد ماده ۴۸۰ قانون تجارت برای انعقاد قرارداد ارفاقی موافقت و رضایت لاقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارانی که لاقل سه چهارم از مطالباتی که تشخیص شده یا موقتاً قبول شده است را دارا باشند.

نکته: برای مؤثر واقع شدن قرارداد ارفاقی، علاوه بر رضایت و موافقت طلبکاران، تصدیق دادگاه نیز ضروری است.

**«اصول فقه»****۶۱. گزینه ۱ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۱: چنانچه بواسطه اصل استصحاب، حالت سابقه ای اثبات شود، نمی توان با استفاده از آن، آثار و لوازم عقلی مستصحب (اعم از حکم یا موضوع) را ثابت نمود.

پند اصولی ۲: استصحابی که آثار و لوازم عقلی احکام یا موضوعات ثابت شده را ثابت نماید اصل مثبت می گویند که حجت نیست.

پند اصولی ۳: در مثال مذکور نیز چنانچه به هنگام شک در وجود غایب مفقود الاثر، وجود او استصحاب شود و حکم به بقای رابطه زوجیت او و همسرش شود، نمی توان بر این اساس، رابطه نامشروع مرد دیگر با این زن را رابطه با زن شوهر دار تلقی کرد.

#### ۶۲. گزینه صحیح می باشد.

پند اصولی ۴: یکی از انواع قیاس، قیاس جلی است که عبارت است از قیاسی که قطعاً بدانیم جهت افتراق اصل و فرع تاثیری در حکم ندارد.

پند اصولی ۵: در ماده ۶۸۸ موضوع، ضمان است و در فرع، موضوع کفالت است اما این افتراق باعث تاثیر در حکم نمیشود و میتوان حکم را بر فرع جاری کرد

پند اصولی ۶: قیاس اولویت نوعی قیاس جلی است.

#### ۶۳. گزینه ۱ صحیح می باشد.

پند اصولی ۷: حکمی که قانونگذار بیان می کند یا واقعی است و یا ظاهری.

پند اصولی ۸: حکم واقعی حکمی است که قانونگذار بدون اینکه به علم و جهل مکلف توجهی داشته باشد آن را برای چیزی با توجه به اینکه فعلی از افعال است صادر می کند مثل وجوب نماز. دلیلی که چنین حکمی را ثابت می کند دلیل اجتهادی نام دارد.

پند اصولی ۹: حکم ظاهری نیز حکمی است که برای اموری که حکم واقعی آنها را مکلفین نمی دانند ثابت می شود مثلاً وقتی در مالکیت کسی نسبت به مالی تردید داری و با استصحاب او را مالک می دانیم، حکم ظاهری خواهد بود. یعنی شارع یا قانون گذار با توجه به اینکه مکلف اطلاعی از واقع ندارد چنین حکمی را برای او جعل می کند که از سرگردانی خارج شود. دلیلی که این حکم را ثابت می کند دلیل فقهاتی نام دارد.

در مثال مذکور در ماده ۳۳۱ ق.م نیز قانونگذار بدون توجه به علم و جهل مکلفین می گوید هرکس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بپردازد.

#### ۶۴. گزینه ۳ صحیح می باشد.

پند اصولی ۱۰: دلالت الفاظ بر معانی دو منشا می تواند داشته باشد.

گاهی منشاء آن جعل و تخصیص واضح است که به آن وضع تعیینی می گویند یعنی واضح این لفظ را برای این معنا تعیین کرده است که در مثال مذکور در ماده نیز چنین است یعنی لفظ شرکت سهامی توسط قانونگذار برای معنای مد نظرش تعیین و وضع شده است.

پند اصولی ۱۱: گاهی منشاء دلالت لفظ بر معنا، کثرت استعمال است که در این حالت لفظ برای معنا متعین می گردد، یعنی اراده شخص خاص برای دلالت لفظ بر معنا وجود ندارد.

#### ۶۵. گزینه ۲ صحیح است.

پند اصولی ۱۲: استعمال لفظ مشتق به دو صورت حقیقت و مجاز قابل تصور است. منفسخ وصفی است که بر معامله حمل شده است و چنانچه این لفظ در هنگامیکه معامله منفسخ شده است استعمال شود، استعمال حقیقی است اما اگر معامله هنوز منفسخ نشده باشد و به اعتبار آینده به آن منفسخ گویند این استعمال مجازی است چون در حال حاضر معامله هنوز منفسخ نشده است و به این اعتبار که در آینده منفسخ خواهد شد به آن منفسخ گفته شده است.

#### ۶۶. گزینه ۲ صحیح می باشد.

پند اصولی ۱۳: استصحاب از جهت شک لاحق، به ۳ قسم مقتضی و رافع و رافعیّت موجود میشود. در شک در مقتضی نمی دانیم قابلیت بقاء موضوع تا چه حد است

پند اصولی ۱۴: در این فرض سؤال، تردید در این است که خیار سابق اقتضای بقا برای بیش از دو روز دارد یا خیر.

پند اصولی ۱۵: اگر شک داشته باشیم که الف آن را اسقاط کرده یا خیر شک در رافع بود.

پند اصولی ۱۶: استصحاب شک در مقتضی حجت نیست و نمیتوان به آن استناد کرد

#### ۶۷. گزینه ۴ صحیح می باشد.

پند اصولی ۱۷: احکام تکلیفی احکامی هستند که مستقیماً به افعال مکلفین مربوط می شوند و عبارتند از وجوب، حرمت، اباحه، استحباب و کراهت.

پند اصولی ۱۸: احکام وضعی به طور غیر مستقیم به افعال مربوط می شوند و صرفاً بیان کننده وضعیتی هستند که از سوی شارع یا قانونگذار تعیین شده است. مثل جایز بودن عقد عاریه.

#### ۶۸. گزینه ۴ صحیح می باشد.

پند اصولی ۱۹: واجب نفسی واجبی است که خودش مقصود قانونگذار بوده است اما غیری واجبی است که برای انجام دادن واجب دیگری واجب شده است و خودش به خودی خود مصلحت ندارد. در ماده مذکور رد مثل مقدمه انجام واجب دیگری نیست بلکه خودش مقصود قانونگذار است.

پند اصولی ۲۰: واجب عینی واجبی است که متعلق به تمام مکلفین است و با انجام یکی یا بعضی از آنها از عهده دیگران ساقط نمی شود.

پند اصولی ۲۱: واجب تخییری نیز در جایی است که قانونگذار چندین امر را در کنار یکدیگر نموده باشد و او را در انجام هریک از آنها مخیر گذاشته باشد، در حالیکه در ماده مذکور وجوب رد مثل جایگزین دیگری ندارد.

#### ۶۹. گزینه ۳ صحیح می باشد.

پند اصولی ۲۲: جمله شرطیه به دو صورت قابل تصور است یکی اینکه مقدم (جمله شرطیه) خود موضوع حکم باشد یعنی به صورتی است که اگر حکم موجود در تالی (جزا) بخواهد محقق شود بایستی مقدم (شرط) محقق شده باشد به صورتی که تحقق تالی بدون تحقق مقدم امکان پذیر نیست مثلاً اگر خدا فرزندی به تو داد او را ختنه کن. در آن فرض ختنه کردن منوط به تولد فرزند است و بدون تولد او ختنه اش امکان پذیر نیست.

صورت دوم جمله شرطیه این است که حتی بدون تحقق شرط، جزا قابل تصور است مثلاً اگر حسن نفر اول کلاس شد به او هدیه می دهیم. در این نوع جمله شرطیه هدیه دادن به حسن عقلاً مترتب به نفر اول شدن او در کلاس نیست، بلکه حتی اگر نفر آخر شود نیز باز هم می توان به او هدیه داد. پس از توضیح دو قسم شرط باید

گفت محل نزاع مفهوم شرط همین قسم دوم است. چون در قسم اول چنانچه شرط محقق نشود عقلاً امکان اجرای جزا (تالی) وجود ندارد و جایی برای این باقی نمی ماند که بگوییم آیا چنین جمله شرطیه ای مفهوم دارد یا نه. چون موضوعی باقی نمانده است که حکم جزا روی آن اجرا شود، پس دو گزینه اول صحیح نیست. اما دو گزینه دوم قابل فرض صحت است و باید به مثال های آن توجه نمود که آیا در صورت عدم تحقق شرط بازم موضوع باقی می ماند که جزا قابل اجرا باشد یا نه. در ماده ۳۳۵ ق.م. در صورت عدم تصادم عقلاً موضوعی برای انتساب مسئولیت وجود ندارد اما در ماده ۳۷۹ ق.م. چه مشتری ملزم به ارائه ضامن باشد یا نباشد تحقق فسخ برای بایع، محال عقلی نیست پس گزینه سوم صحیح است.

#### ۷۰. گزینه ۳ صحیح می باشد.

پند اصولی ۲۳: خروج تخصصی یعنی موضوعی واقعا از ابتدا از موضوع حکم عام خارج باشد.

پند اصولی ۲۴: در این سوال موضوع اصل ۷۷ قراردادهای بین المللی است در حالی که در نظریه شورای نگهبان قراردادها بین المللی فرض نشده و نیاز به تصویب مجلس ندارد. لذا موضوع آنها متفاوت و متباین است و موضوع نظریه خارج از موضوع اصل ۷۷ است

#### ۷۱. گزینه ۲ صحیح است.

پند اصولی ۲۵: هرگاه صحت کلام مقتضی و متوقف بر این باشد که کلمه ای در تقدیر گرفته شود، چنین دلالتی را اقتضاء می گویند. مثلاً اگر شخصی به دیگری بگوید (پشت اتومبیل من بنشین و رانندگی کن) که صحت این کلام مقتضی در تقدیر گرفتن کلمه فرمان است یعنی (پشت فرمان اتومبیل من بنشین و رانندگی کن) پند اصولی ۲۶: جملات در یک تقسیم بندی دو قسم هستند اخباری و انشایی. جملات اخباری جملاتی هستند که حکایت از واقعیت ها می کنند و قابل صدق و کذب هستند مثل علی آمد. جملات انشایی جملاتی هستند که معنای جدیدی ایجاد می کنند و حکایتی از واقعیتها ندارند و قابل صدق و کذب نیستند مثل: بزن، زن، به امید دیدار، چه خوب ...، چه بد...، چقد بزرگ!

پند اصولی ۲۷: گزینه یک و چهار غلط است. چون واسئل القریه جمله انشایی است در حالیکه در گزینه اول جمله خبریه قلمداد شده است و ماده ۸۲۱ ق.م. نیز جمله خبری است در حالیکه در گزینه چهارم جمله انشایی قلمداد شده است  
گزینه سوم نیز غلط است چون دلالت اقتضاء ارتباطی به قیود مفید علت حکم ندارد بلکه اگر کلام دارای قیودی باشد که تصور شود آن قیود علت حکم است، چنین دلالتی را تنبیه و ایماء گویند نه دلالت اقتضاء.

#### ۷۲. گزینه ۱ صحیح می باشد.

پند اصولی ۲۸: عام دارای سه قسم افرادی مجموعی و بدلی است.  
افرادی یا استغراقی: حکمی که به او تعلق گرفته، مستقلاً به هریک از افراد تعلق می گیرد و به هر میزان امتثال شود همان مقدار از عام امتثال شده فرض می گردد و نیازی به امتثال دوباره ندارد. مثل از مهمانان پذیرایی کن.

مجموعی: حکمی که به عام تعلق گرفته است فقط در صورتی امتثال شده فرض می شود که تمام افراد آن یکپارچه امتثال شود و امتثال جزئی از آن ارزشی ندارد، مثل ایمان به ولایت دوازده امام معصوم علیهم السلام، یا تعهد به مبادله همه اسیران که یک تعهد است.

بدلی: حکمی که به موضوع تعلق گرفته به نحوی است که منظور یک فرد غیر معین از همه افراد عام است و به محض اینکه یکی از افراد مورد حکم را اجرا کند و یا حکم راجع به او اجرا شود، حکم عام امتثال شده است.

با این توضیح گزینه چهارم عام استغراقی (افرادی) است، گزینه سوم عام مجموعی است و گزینه اول و دوم عام بدلی است، اما استدلال گزینه دوم غلط است.

#### ۷۳. گزینه ۳ صحیح می باشد.

پند اصولی ۲۹: هرگاه بین عموم لفظی و مفهوم عبارت دیگری تعارض شود باید کدام یک مقدم گردد؟ باید دانست که مفهوم دو قسم است: یک. موافق: قضیه ای که حکم آن نفیا و اثباتاً موافق حکم منطوق است. دو. مخالف: قضیه ای که حکم آن نفیا و اثباتاً مخالف حکم منطوق است.

پند اصولی ۳۰: مفهوم موافق (نسبت به منطوق) به طریق اولی توانایی تخصیص زدن عام را دارد ولی در مفهوم مخالف اختلاف نظر است که برخی اصولیون معتقد به عدم امکان تخصیص عام به مفهوم مخالف هستند اما اکثر اصولیون معتقد به امکان تخصیص عام به مفهوم مخالفند چون مفهوم مخالف هم مانند عام دلیل و حجت است.

#### ۷۴. گزینه ۴ صحیح می باشد.

پند اصولی ۳۱: مفهوم دو قسم موافق و مخالف دارد (سوال قبل). مفهوم موافق نیز دارای دو قسم اولویت و مساوات است.

پند اصولی ۳۲: در مفهوم اولویت: علت حکمی در مفهوم قویتر و شدیدتر از علت حکم در منطوق باشد، مانند گزینه ۱ و ۲.

پند اصولی ۳۳: در مفهوم مساوات: علت حکم در مفهوم شدیدتر نیست، بلکه یکسان است و مفهوم گیری تنها با یک قیاس ساده اصولی یا تمثیل منطقی است، مانند گزینه آخر. گزینه ۳، قیاس مع الفارق است.

#### ۷۵. گزینه ۲ صحیح می باشد.

پند اصولی ۳۴: خبر واحد دارای اقسامی است که یکی از آنها خبر ضعیف است، یعنی خبری که یک یا همه راویان آن واجد تمام یا برخی از شرایط لازم برای راوی نباشند و توثیق هم نشده باشند که چنین خبری حجت نیست و فقیه در مقام استدلال و استنباط نمیتواند بر آن تکیه کند مگر اینکه مشهور باشد که به آن مقبول می گویند.

پند اصولی ۳۵: به کارگیری خبر واحد توسط فقها جبران کننده ضعف احتمالی آن است، اما به کارگیری فقهای متأخر اعتباری ندارد بلکه به کارگیری فقهای متقدم شرط است زیرا که شاید توثیقاتی از راوی به دست فقیهان آن زمان رسیده باشد و بر آن اساس روایت را پذیرفته باشند.



**۷۶. گزینه ۴ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۳۶: دلیل عقلی دو قسم است. یکی آنکه مستقلاً عقل حکم به چیزی نماید، یعنی بدون آنکه نیاز به کمک شرع داشته باشد، خودش حکمی را صادر می نماید مثل اینکه ظلم بد است و عدالت خوب است. در امثال این موارد عقل مستقلاً توانایی صدور حکم را دارد.

قسم دوم از دلیل عقلی: غیر مستقلات عقلی یا استلزامات عقلی است، که عقل در این موارد به تنهایی توانایی صدور حکم را ندارد بلکه به کمک مقدمه دیگری چنین حکمی را صادر می کند، که گزینه های یک تا سه چنین است و تنها گزینه چهارم از مستقلات عقلی است.

**۷۷. گزینه ۲ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۳۷: مقدمه به حسب چگونگی وابستگی ذی المقدمه به آن به چهار دسته تقسیم می شود:

یک. مقدمه وجوب: هرگاه چیزی مقدمه تعلق حکم وجوب به چیز دیگری باشد.

دو. مقدمه وجود: هرگاه وجود واجب منوط به تحقق این مقدمه باشد.

سه. مقدمه صحت: هرگاه صحت ذی المقدمه منوط به تحقق این مقدمه باشد، مانند گزینه سوم.

چهار. مقدمه علم: هرگاه آگاهی یافتن به تحقق واجب منوط به انجام این مقدمه باشد.

قسمت اول گزینه اول نیز مصداق مقدمه وجوب است ولی دلیلی که در ادامه آمده است دلیل بر وجود است نه وجوب، پس گزینه دوم صحیح است که وجوب انفاق از سوی منفق مشروط به تمکن مالی است، یعنی تمکن مالی مقدمه واجب شدن انفاق است.

**۷۸. گزینه ۲ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۳۸: دلالت کلام بر معنای خود یا مطابقی است یا تضمین و یا التزام.

پند اصولی ۳۹: دلالت لفظ بر تمام معنای خود را مطابقی میگویند. از آنجا که بیع تماماً در برابر تملیک عین به عوض معلوم قرار گرفته و بر تمام معنا دلالت میکند از نوع مطابقی می باشد.

**۷۹. گزینه ۱ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۴۰: عناصر استصحاب شش چیز است که دوتای آنها عبارتند از وحدت متیقن و مشکوک، تعدد زمان متیقن و مشکوک.

بنابر این گزینه دو و چهار غلط است و گزینه یک و سه باقی می ماند که قسمت اول هر دو صحیح است و باید مثال ها را بررسی کرد که آیا مثال ها نیز صحیح هستند یا خیر؟ گزینه اول متیقن و مشکوک همان موضوع استصحاب هستند یعنی همان چیزی که مورد یقین بوده است و هم اکنون مورد شک واقع شود که در مثال گزینه اول چنین است، چون راجع به همان سربازی که یقین به زنده بودن او داشته ایم و به جبهه اعزام شده است هم اکنون شک داریم که آیا کشته شده است یا خیر؟ اما گزینه سوم هر چند که قسمت اول آن صحیح است اما مثال مربوط به آن صحیح نیست زیرا زمان متیقن و مشکوک یکی است چون شک ما در همان زمان اعزام است که آیا زنده بوده است یا نه!

**۸۰. گزینه ۴ صحیح می باشد.**

پند اصولی ۴۱: امر وضعاً نه دلالت بر مره دارد نه بر تکرار. همچنین امر وضعاً نه بر فور دلالت دارد نه بر تراخی.

پند اصولی ۴۲: اما به حکم عقل امر دلالت بر مره دلالت دارد.

پند اصولی ۴۳: به حکم عقل نهی بر تکرار و فور دلالت دارد.

**«حقوق جزای عمومی و اختصاصی»****۸۱. پاسخ گزینه ۱ است.**

نکته ۱: به موجب ماده ۸ قانون مجازات اسلامی، در صورتیکه جرمی علیه اشخاص ایرانی یا علیه کشور ایران واقع شود دادگاه ایران صالح به رسیدگی است مشروط به.....

نکته ۲: البته در خصوص صلاحیت ناشی از تابعیت منفعل یا بزه دیده شرط یافت شدن در ایران، یا اعاده ی متهم به ایران برای ایجاد صلاحیت ضروری است.

نکته ۳: طبق اصل صلاحیت سرزمینی، در مقام تردید، باید دادگاه کشور محل وقوع جرم را (یعنی: ترکیه)، صالح به رسیدگی دانست.

نکته ۴: بر خلاف صلاحیت شخصی بزهکار در مورد صلاحیت شخصی بزه دیده لازم است که در جرائم تعزیری عمل علاوه بر این که در ایران جرم است در کشور محل وقوع نیز جرم باشد.

نکته ۵: در خصوص صلاحیت شخصی (بزهکار-بزه دیده) اگر مجازات جرم ارتكابی در کشور خارجی تعزیری باشد و مجازات اجرا شده باشد، حتی اجرای بخشی از مجازات مانع رسیدگی مجدد در ایران است. بر خلاف صلاحیت واقعی که اجرای بخشی از مجازات مانع رسیدگی مجدد در ایران نمی باشد بلکه فقط میزان مجازات اجرا شده محاسبه می شود.

**۸۲. پاسخ گزینه ۳ می باشد.**

نکته ۱: استثنائات اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین: ۱ - قوانین تفسیری به معنای توضیحی ۲ - قوانین شرعی ۳ - قوانین شکلی (تشکیلات و صلاحیت - ادله اثبات - شیوه ی دادرسی- مرور زمان) ۴ - قوانین مخففه (قانون جرم زدا - قانون کاهنده - تبدیل مجازات به اقدامات تأمینی و تربیتی)

نکته ۲: قانون جدید که حداکثر مجازات حبس را افزایش می دهد، مشدده محسوب می شود. (صرف نظر از تقلیل یا افزایش حداقل مجازات حبس).

نکته ۳: قانون شکلی عطف به ما سبق نمی شود مگر اینکه حق مکتسبه ای برای متهم ایجاد شده باشد.

**۸۳. پاسخ گزینه ۱ می باشد.**

نکته ۱: بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا مطالعه شود.

نکته ۲: واخواهی ویژه ی احکام غیابی است.

نکته ۳: دقت فرمایید قاضی اجرای احکام در صورت تخفیف مجازات به موجب قانون لاحق موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند.

۸۴. پاسخ گزینه ۲ می باشد.

نکته ۱: نتایج اصل قانونی بودن ۲ مورد است: ۱- عطف به ما سبق نشدن ، ۲- تفسیر مضیق قوانین جزائی.

نکته ۲: اصل فردی کردن = اصل شخصی کردن.

نکته ۳: اصل فردی بودن = اصل شخصی بودن.

نکته ۴: اصل قانونی بودن در مورد اقدامات تأمینی و تربیتی نیز اعمال می شود.

۸۵. گزینه (۴) پاسخ می باشد.

نکته ۱: سه گزینه اول بشرح آتی صحیح می باشند با مطالعه “صد نکته” در مورد تخفیف همراه ما باشید.. برای شروع دقت کنید که در بند «ت» امکان تبدیل سایر تعزیرات (غیر از حبس و مصادره اموال و انفصال دائم) به یک یا دو درجه پایین تر از همان نوع یا انواع دیگر پیش بینی شده است پس گزینه یک صحیح می باشد.

نکته ۲: تخفیف اختیاری است.

نکته ۳: تخفیف ماده ۳۷ فقط در مورد مجازات تعزیری است.

نکته ۴: تقلیل یا تبدیل لذا تقلیل و تبدیل با هم قابل جمع نیستند.

نکته ۵: قید جهت تخفیف در دادنامه ضروری است.

نکته ۶: حتی در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه الزامی به تخفیف ندارد.

نکته ۷: تخفیف ماده ۳۷ در حین صدور حکم اعمال می شود.

نکته ۸: مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم یکی از جهات مخففه است.

نکته ۹: دقت نمایید جهات مخففه متفاوت از میزان تخفیف می باشند.

نکته ۱۰: به یک جهت امکان دو بار تخفیف وجود ندارد.

نکته ۱۱: تخفیف قضائی و تخفیف قانونی به دو جهت منع نشده است.

نکته ۱۲: تخفیف ماده ۳۷ و ۳۸ تخفیف قضائی است تخفیف قانونی همانند تبصره ۲ ماده ۷۱۸ (کتاب پنجم).

نکته ۱۳: تفاوت های تخفیف قانونی و قضائی را بنویسید.

نکته ۱۴: اگر جهات مخففه وجود داشته باشد و راننده از کمک به مصدوم خودداری یا فرار نماید امکان تخفیف وجود ندارد.

نکته ۱۵: برای معافیت از کیفر در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ وجود شرایط ذیل ضروری است:

۱) احراز جهات مخففه

۲) فقدان سابقه کیفری موثر

۳) گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن.

نکته ۱۶: شاکی به چه کسی می گویند؟ مدعی خصوصی به چه کسی است؟ (بند الف ماده ۳۸)

نکته ۱۷: تخفیف یعنی کاهش مجازات و معافیت یعنی سقوط مجازات، لذا معافیت با تخفیف متفاوت می باشد.

نکته ۱۸: اعمال ماده ۶ قانون فوق در حدود و قصاص و دیات ممنوع است و فقط در محکومیت های جنحه ای (تعزیرات) امکانپذیر است.

نکته ۱۹: مطابق ماده ۳۷ تبدیل حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف ممکن نیست. چرا؟

**نکته ۲۰: هدف از طرح نکات بصورت سوالی و بعضاً خلاصه ایجاد درگیری ذهنی برای داوطلب به منظور تثبیت مطالب و کشف نکات جدید است.**

نکته ۲۱: تخفیف ماده ۳۷ ویژه مجازات است و اقدامات تأمین و تربیت را در بر نمی گیرد (به نکته ۲۳ مراجعه کنید).

نکته ۲۲: تخفیف هم در تعدد جرم و هم در تکرار جرم امکان پذیر است. (تبصره ۳ ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹)

نکته ۲۳: تخفیف مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۱۹۳ امکانپذیر است.

نکته ۲۴: جهات تخفیف در مورد جرایم نظامیان همان جهات تخفیف در قانون مجازات اسلامی است (ماده ۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح)

نکته ۲۵: جهت مطالعه سایر نکات (صد نکته در مورد تخفیف) به سایت داداستان مراجعه کنید.

۸۶. گزینه (۱) پاسخ می باشد.

نکته ۱: مجازات های اشخاص حقوقی ۷ مورد است که در ماده ۲۰ آمده است.

نکته ۲: ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی و ممنوعیت از افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت ۵ سال می باشد در حالیکه ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت ۵ سال می باشد.

نکته ۳: شخص حقوقی زمانی مسئول است که نماینده وی بنام وی یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود.

نکته ۴: مرگ شخص حقوقی (انحلال آن) تنها زمانی ممکن است که یا شخص حقوقی برای ارتکاب جرم بوجود آمده باشد یا شخص حقوقی با انحراف از هدف مشروع نخستین منحصراً فعالیت خود را در جهت ارتکاب جرم قرار داده باشد.

**۸۷. گزینه (۳) پاسخ می باشد.**

نکته ۱: مجازات تکمیلی فقط در محکومیت به حد، قصاص یا تعزیر درجه یک تا شش وجود دارد.

نکته ۲: مجازات تکمیلی هم در مورد جرایم عمدی و هم غیر عمدی وجود دارد.

نکته ۳: مجازات تکمیلی ماده ۲۳ اختیاری می باشد.

نکته ۴: مصادیق مجازات های تکمیلی ۱۵ مورد می باشد که در ماده ۲۳ آمده است از جمله منع از داشتن دسته چک یا اصدار اسناد تجاری، الزام به خدمات عمومی، الزام به تحصیل، انتشار حکم محکومیت قطعی.

نکته ۵: مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در موارد خاص مانند ماده ۷۱۸ کتاب پنجم.

نکته ۶: اگر محکوم از اجرای مفاد حکم مجازات تکمیلی تبعیت نکند در اینصورت چه برخوردی با وی می شود؟

**۸۸. گزینه (۲) پاسخ می باشد.**

نکته ۱: محرومیت از حقوق اجتماعی مجازات تبعی مذکور در مواد ۲۵ و ۲۶ فقط در مورد جرایم عمدی اعمال می شوند.

نکته ۲: در صورتیکه قصاص عضو در مورد عضوی باشد که دیه جنایت آن نصف دیه مبنی علیه (تفاوتی میان زن و مرد نیست) باشد در این صورت مرتکب تا دو سال پس از اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می شود که در فرض سوال چون در سال ۱۳۹۴ حکم اجرا شده است پس تا دو سال بعد یعنی تا سال ۱۳۹۶ محرومیت از حقوق اجتماعی وجود دارد.

نکته ۳: در آزادی مشروط اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از اتمام آزادی مشروط وضع می شود.

**۸۹. گزینه (۴) پاسخ می باشد.**

نکته ۱: بموجب ماده ۳۷ تخفیف در مجازات تعزیری ممکن است.

نکته ۲: بموجب ماده ۴۰ تعویق صدور حکم در مجازات تعزیری درجه شش تا هشت ممکن است.

نکته ۳: بموجب ماده ۴۶ تعلیق اجرای حکم در مورد مجازات های تعزیری درجه سه تا هشت ممکن است.

نکته ۴: بموجب ماده ۲۳ مجازات تکمیلی در مورد محکومیت های درجه یک تا شش ممکن است.

نکته ۵: بموجب ماده ۵۷ نظام نیمه آزادی در مورد مجازات های درجه پنج تا هفت ممکن است.

نکته ۶: بموجب ماده ۱۱۵ توبه در مجازات های تعزیری درجه شش تا هشت مورد پذیرش است.

نکته ۷: بموجب ماده ۳۹ معافیت از مجازات در مورد مجازات های تعزیری درجه هفت و هشت امکانپذیر است.

نکته ۸: بموجب ماده ۲۵ مجازات تبعی فقط در مورد حبس های تا درجه پنج وجود دارد.

نکته ۹: بموجب مواد ۱۰۵ و ۱۰۷ کلیه محکومیت های تعزیری از درجه یک تا هشت مشمول مرور زمان می شود غیر از تعزیرات مخصوص شرعی که بموجب تبصره

۲ ماده ۱۱۵ در مورد آنها مرور زمان تعقیب و تحقیق وجود ندارد (ماده ۱۰۵) اما مرور زمان اجرا (ماده ۱۰۷) وجود دارد.

نکته ۱۰: بموجب ماده ۱۲۲ شروع به جرم در مورد جرایم تعزیری پیش بینی شده است که حبس تعزیری درجه یک تا درجه پنج مجازات قانونی آنها می باشد.

نکته ۱۱: بموجب تبصره ۴ ماده ۱۳۴ مقررات تعدد جرم فقط در مورد تعزیرات درجه ۱ تا ۶ اعمال می شود.

نکته ۱۲: مقررات تکرار جرم بموجب ماده ۱۳۷ فقط در مورد تعزیرات درجه ۱ تا ۶ اعمال می شود.

نکته ۱۳: باز هم شما نکته بیابید و به «محشای من» منتقل کنید.

**۹۰. پاسخ گزینه ۴ می باشد.**

نکته ۱: به استناد ماده ۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۲۱ شهریورماه ۱۳۹۴

نکته ۲: نکات مهم این قانون در طرح آراء در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

این قانون جدید را در مباحث درس جزا قرار دهید.

**۹۱. گزینه (۴) پاسخ می باشد.**

نکته ۱: از آنجایی که «الف» به منظور حفظ نفس خود هنگام بروز بیماری مرتکب این رفتار شده است لذا عمل وی می تواند مشمول ماده ۱۵۲ قرار گیرد لکن عمل وی مشمول دفاع مشروع قرار نمی گیرد زیرا در برابر آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری دفاع مشروع مصداق ندارد و در برابر موارد مذکور اضطرار مطرح می شود.

نکته ۲: در ماده ۱۵۲ بیماری هم می تواند از موجبات تحقق اضطرار باشد.

نکته ۳: مصادیق مذکور در ماده ۱۵۲ تمثیلی است.

نکته ۴: اضطرار در دکتربین بعنوان اسباب عینی عدم مسئولیت یا اسباب اباحه شناخته می شود.

نکته ۵: در قانون مجازات جدید علل موجهه و عوامل رافع مسئولیت کیفری مجموعاً تحت عنوان «موانع مسئولیت کیفری» آمده اند.

**۹۲. گزینه "۳" پاسخ می باشد.**

نکته ۱: طبق ماده ۲۴۸ قانون تجارت، هرگاه ظهنویس تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.

نکته ۲: مزور به معنای جاعل می باشد.

نکته ۳: این ماده قانون تجارت از جمله مواردی است که در صورت عدم تصریح مقنن، جعل محسوب کردن آن با توجه به اصول کلی، ممکن نیست. زیرا در این حالت خود فرد نسبت به درج تاریخ مقدم اقدام کرده است و از شرط انتساب به غیر در آن عمل خبری نیست. (صفحه ۳۵۹ جلد سوم (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی) دکتر میرمحمدصادقی)

روبروی دانشکده پرستاری -

نکته ۴: سند مورد نظر دروغی راجع به خود و تنظیم کننده ی خود نمی گوید. پس از لحاظ اصول کلی جعل نیست.

نکته ۵: جعل یک جرم غیر قابل گذشت می باشد. (طبق ماده ۱۰۳ ق.م.ا ۱۳۹۲)

نکته ۶: در قانون ایران، تعریفی از جرم جعل ارائه نشده است بلکه احکام راجع به انواع مختلف آن طی ماده ۵۲۳ الی ۵۲۴ در فصل پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قوانین گوناگون دیگر آورده شده است.

#### ۹۳. پاسخ گزینه "۴" می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۱۲ قانون طبابت مصوب ۱۲۹۰، طبیبی که از نسخه رمز استفاده کند به ۴ ماه حبس محکوم می شود. منظور از نسخه رمز، نسخه ای بوده که به صورت کد بین یک طبیب و یک داروخانه خاص قابلیت رد و بدل کردن داشته و اگر آن نسخه را نزد داروخانه دیگری ببرد داروخانه نمی توانسته آن نسخه را تحویل دهد.

نکته ۲: صدور گواهی نامه خلاف واقع در مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ پیش بینی شده است. که در آن ها ارائه تصدیق نامه خلاف واقع توسط پزشک یا دیگران جرم و قابل مجازات شناخته شده است.

نکته ۳: طبق ماده ۵۳۹ اگر طبیب تصدیق نامه خلاف واقع برای معاف شدن دیگری از خدمت در ادارات رسمی و یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد، عملش جرم و قابل مجازات می باشد.

نکته ۴: اعمال مجازات طبیب منوط به استفاده طرف از گواهی نمی باشد.

نکته ۵: صرف صدور گواه از سوی طبیب، جرم نبوده و باید آن گواهی غیر واقع را ارائه دهد به شخصی که این قصد را دارد.

نکته ۶: طبق ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات، اطبا، جراحان، ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرا می شوند. هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند. به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا جزای نقدی محکوم می شوند.

#### ۹۴. پاسخ گزینه "۱" می باشد.

نکته ۱: استفاده از حجم اینترنتی دیگری بطور غیر مجاز عنوان جرم کلاهبرداری رایانه ای را دارد، در کلاهبرداری رایانه ای علاوه بر مال، خدمات، امتیازات و... نیز برده میشود. (ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه ای)

نکته ۲: در کلاهبرداری رایانه ای تقلب شرط نیست برخلاف کلاهبرداری سنتی

نکته ۳: دسترسی غیر مجاز به داده های متعلق به دیگری در صورتی جرم است که سیستم رایانه ای با تدابیر امنیتی محافظت شده باشد و این تدابیر نقض شود. لذا دسترسی غیر مجاز به داده های متعلق به دیگری بدون نقض تدابیر امنیتی جرم نیست.

نکته ۴: استفاده از vpn (فیلتر شکن) جرم نیست.

نکته ۵: ارائه دادن vpn (فیلتر شکن) در صورتی که به قصد دسترسی دیگران به محتوای مستهجن و مبتذل باشد جرم است والا جرم نیست.

#### ۹۵. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۲۶۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ سرقت ربودن مال متعلق به غیر می باشد. در این تعریف به ربایش مال اشاره شده. دکتترین حقوق مال را بدین گونه تعریف کرده اند که مال آن چیزی است که پرداخت پول یا یک کالای بارزش دیگر در مقابل آن، هم از نظر عرف و هم از نظر شرع جایز شناخته شود.

نکته ۲: طبق قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ ربایس آثار ادبی مورد جرم انگاری قرار گرفته و ماده ۲۳ این قانون از حقوق معنوی و آثار ادبی و ... حمایت کرده است و نه قانون مجازات ۱۳۷۵ (تعزیرات)

نکته ۳: مجازات این جرم طبق ماده ۲۳ ق حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان ۶ ماه تا ۳ سال می باشد.

نکته ۴: طبق ماده ۲۴ این قانون چاپ و پخش و نشر ترجمه دیگری به نام خود یا دیگری نیز جرم بوده و مجازات ۳ ماه تا یکسال حبس خواهد داشت.

نکته ۵: مواد ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰ و ۲۳ این قانون با دقت مطالعه شود.

#### ۹۶. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد و املاک هرگاه کسی خود را متصرف ملکی قلمداد نماید که در تصرف دیگری است و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می شود.

نکته ۲: قانونگذار صرف تقاضای ثبت ملک را کلاهبرداری محسوب کرده در حالی که متقاضی در زمان تقاضای ثبت هنوز در مرحله شروع به جرم قرار دارد.

نکته ۳: طبق اصول کلی چون هنوز مالی برده نشده پس کلاهبرداری نبوده و طبق قانون ثبت اسناد و املاک در حکم کلاهبرداری می باشد.

نکته ۴: طبق ماده ۱۱۱ قانون ثبت اسناد و املاک، تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی می باشد، که این جرم را دارای جنبه خصوصی کرده است.

#### ۹۷. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

نکته ۱: ماده ۵۴۷: هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم میشود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد."

نکته ۲: عنوان مجرمانه این ماده فرار از زندان به همراه تخریب عمدی می باشد.

ماده ۵۴۷ قانون مجازات شامل دو قسمت می شود:

قسمت اول: جرم فرار از زندان

قسمت دوم: جرم فرار از زندان همراه با تخریب درب زندان و... که هر دو مجازات را دارد و به نظر می رسد قسمت دوم ماده نوعی جرم مرکب باشد زیرا عنصر مادی آن از دو بخش تخریب و فرار تشکیل شده است که عنوان خاص داشته و شامل تعدد مادی نمی شود.

نکته ۳: گزینه ۲ ایراد نگارشی دارد زیرا این جرم صورت خاص فرار از زندان همراه با شکستن درب زندان است و نه جرم خاص تخریب و فرار از زندان (مشابه این تست

از جمله سوالات اختلافی آزمون وکالت ۹۴ می باشد که آن سوال اشکال داشته و گزینه های متفاوت با این سوال می باشد پس بهتر است حذف شود.)



نکته ۴: شروع به فرار نیست زیرا بیرون از محوطه زندان دستگیر شده و عمل مادی فرار انجام شده است.

#### ۹۸. پاسخ گزینه "۲" می باشد.

نکته ۱: طبق قانون پولی و بانکی کشور پول رایج کشور اعم است از اسکناس و سکه های فلزی

نکته ۲: طبق همین قانون امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است.

نکته ۳: طبق ماده ۵۱۸ و ماده ۵۲۰ ساخت سکه تقلبی طلا و نقره و غیر طلا و نقره جرم انگاری شده است.

نکته ۴: اما در مورد مخدوش کردن سکه تنها در مورد سکه های طلا و نقره قانونگذار جرم انگاری نموده است. مطابق ماده ۵۱۹

نکته ۵: قانونگذار طبق ماده ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰ تنهادر داخل کردن سکه قلب یا مخدوش را مورد جرم انگاری قرار داده است و درمورد خارج کردن سکه تقلبی و مخدوش ساکت است.

#### ۹۹. پاسخ گزینه "۴" می باشد.

نکته ۱: گزینه یک صحیح بوده و اگر کشیدن بخیه منجر به ایراد جنایت عمدی بر کودک شده باشد طبق قانون مجازات این عمل جرم بوده و دیه یا ارش دارد

نکته ۲: گزینه ۲ نیز صحیح میباشد چرا که بند ۲ ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدوم و رفع مخاطرات جانی مصوب سال ۱۳۵۴ مقرر میدارد:

۲- هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند، به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

براساس این ماده افراد حسب وظیفه و قانون مکلفند که به اشخاص آسیب دیده یا کسانی که در معرض خطر جانی هستند، کمک نمایند و هرگاه کسی از کمک به آنها خودداری کند به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم خواهند شد. که در این مساله هم دکتر دستور دهنده و هم پرستار هردو از این تکلیف سرباز زده اند.

نکته ۳: قید کلمه تنها در این گزینه ایراد دارد زیرا این عمل علاوه بر تخلف انتظامی جرم بوده و قابل مجازات می باشد.

همچنین طبق آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته این عمل تخلف بوده و محرومیت و توبیخ نیز دارد.

ماده ۳ آیین نامه: شاغلان حرفه های پزشکی باید طبق موازین علمی، شرعی و قانونی، صنفی و حرفه ای انجام وظیفه کرده و از ارتکاب کارهایی که موجب هتک حرمت جامعه پزشکی میشود خودداری کنند.

ماده ۶ آیین نامه- انجام امور خلاف شوون پزشکی توسط شاغلان حرفه های پزشکی ممنوع است

ماده ۱۹ آیین نامه: پزشک معالج مسئول ادامه درمان بیمار خود است مگر اینکه بیمار یا بستگان او مایل نباشند

ماده ۳۴ آیین نامه: مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی شاغلان حرفه های پزشکی در هر شهرستان هیأت بدوی انتظامی نظام پزشکی آن شهرستان است.

هر پزشک مکلف است بیمار خود را تا زمان بهبودی تحت معالجه و درمان قرار دهد و در این خصوص تفاوتی نمیکند که مسئولیت پزشک ناشی از قرارداد باشد یا خارج از آن اصل بر این است که بیمار به منظور معالجه و بهبودی کامل به پزشک مراجعه مینماید مگر اینکه برخلاف آن شرط شده باشد و یا اینکه بیمار و بستگان او از ادامه معالجه و درمان منصرف گردند.

ماده ۱۸ آیین نامه انتظامی: رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرفه های پزشکی و وابسته در این خصوص مقرر میدارد:

پزشک معالج، مسئول ادامه درمان بیمار خود در حد توانایی و تخصص به استثنای موارد ضروری است، مگر اینکه بیمار یا بستگان او مایل نباشند.

تبصره: موارد اورژانسی از شمول این ماده مستثنی است و پزشک، مکلف به انجام هرگونه اقدام درمانی، بدون توجه به نظر و اذن بیمار و با همراهان او می باشد.

منظور از،، ادامه درمان،، الزاما به معنی حصول نتیجه عالی از معالجه و عمل جراحی نیست، چه بسا بیمارانی که علیرغم تلاشهای پیگیر و مستمر پزشک معالج و با وجود بهره مندی از آخرین دستاوردهای علمی و تخصصی، از بهبودی کامل بازمانند و کاملاً درمان و معالجه نشوند، بلکه منظور این است که پزشک معالج میبایست بیمار خود را تا حد توانایی و تخصص تا دستیابی به نتیجه مطلوب و متعارف تحت معالجه داشته باشد و معیار آنهم عرف رایج پزشکی است.

مجازات نقض ماده ۱۸ آیین نامه ذکر شده بر اساس بندهای زیر قابل اعمال است:

اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی محل.

توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل.

محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب تخلف.

فلذا در پایان اعلام میدارد، پزشک با توجه به ماهیت تعهدی که در قبال جان بیمار دارد، تا پایان پروسه درمان مسؤول می باشد.

#### ۱۰۰. گزینه (۴) پاسخ می باشد.

نکته ۱: به موجب ماده ۱۴۶ افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

نکته ۲: به موجب ماده ۱۴۸ در مورد افراد نابالغ اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می شود.

نکته ۳: به موجب ماده ۸۸ دادگاه فقط در مورد اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ ساله، یکی از تصمیمات را اتخاذ می کند و اطفال زیر ۹ سال در جرایم تعزیری اقدامات تأمینی و تربیتی ندارند.

نکته ۴: نکات مطروحه در آمایش یک و دو را جهت مطالعه درس جزا روزانه مرور نمایید.

## «آیین دادرسی کیفری»

۱۰۱. گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: اصلاح ماده ۶۶ و حذف حق تجدیدنظرخواهی سازمان های مردم نهاد»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۴۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۳۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۳۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال ۱۰۱ آزمون وکالت ۱۳۹۴ از ماده ۶۶ اصلاحی ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده بود. ماده ای که چندبار مورد طرح سوال و تاکید ما در آزمون های مفهومی - مهارتی داداستان قرار گرفته بود.

نکته ۲: ماده ۶۶ اصلاحی و تبصره های آن را به همراه مواد مذکور در قسمت تحلیل سریع مطالعه و محشای ماده ۴۳۳ را اصلاح یا تکمیل کنید. توجه داشته باشید متن این ماده در طرح اصلاح ۹۴/۳/۲۴ اصلاح شده است تنها تغییر اساسی این ماده سلب حق اعتراض به آراء برای این سازمانهاست علت طرح سوال از این ماده فراموش کردن مطالب سابق در این ماده است.

نکته ۳: متن اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نیز اصلاحات ۹۴/۳/۲۴ آن را از سایت موسسه دانلود کنید.

نکته ۴: یک تبصره هم به این ماده ۶۶ الحاق شده است که بیان می کند «تبصره ۴ (الحاقی ۹۴/۳/۲۴): اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرایم منافی عفت، سازمان های مردم نهاد موضوع این ماده می توانند با رعایت ماده ۱۰۲ این قانون و تبصره های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مرجع قضایی ارایه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند»

نکته ۵: اصل ۱۶۵ قانون اساسی هم بیان نموده: محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

نکته ۶: نتیجه اینکه این سازمانها، اولاً، فقط حق طرح شکایت یا شرکت مطابق اساسنامه خود و محدوده فعالیت خود را دارند نه در همه موارد.

ثانیاً در موارد منافی عفت فقط حق اعلام جرم دارند نه شرکت در جلسات دادرسی

ثالثاً در صورت تشخیص دادگاه مبنی بر غیر علنی بودن مطابق اصل ۱۶۵ یا تقاضای طرفین در دعاوی خصوصی برای غیر علنی بودن هم حق شرکت در جلسه دادرسی را ندارند. (سطح پرسش: متوسط)

قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش: شاید باور نکنید که تلقین چه اثری روی روح و روان فرد دارد. امروزه ثابت شده است اگر فردی با تمام وجود، توجه خود را به موضوعی خاص معطوف کند و بر روی آن موضوع به تمرکزی کانونی دست یابد کم کم آن جنبه از موضوع موردنظر برای او به صورت عینی و ملموس درمی آید. مولوی به شیوه استاد قاضی زاده!! به شما گفته: «این نکته رمز اگر بدانی، دانی هر چیز که در جستن آنی، آنی» اما باید بدانید که تلقین باید ممتد و تکرارشونده باشد. هیچ تلقینی در یک یا دو روز اثر نمی کند بلکه هر تغییر نیازمند حداقل تلقین حدود ۲۱ روز است. زمانی که می خواهید میخی را به دیوار بکوبید چکش را چندین بار بر میخ می نوازید با هر ضربه میخ بیشتر به داخل دیوار فرو می شود در ابتدا به آسانی می توان میخ را از دیوار جدا نمود اما سرانجام به حدی می رسیم که دیگر میخ در دیوار ثابت شده و به آسانی بیرون نمی آید. تلقین اعتمادبه نفس نیز چنین است که در مرحله هشتم قرار دارد.

۱۰۲. گزینه ۱ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: ممنوعیت های رسیدگی مستقیم در دادگاه کیفری یک و ممدشون»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۳۸۳ و بند ب ۳۸۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: نحوه رسیدگی مستقیم در دادگاه کیفری یک و ممدشون!! یعنی دادگاه های که رعایت مقررات مربوط به دادرسی دادگاه کیفری یک در آنها ضروری است) ماده ۵۸۳ در مورد نظامی یک، ماده ۳۱۵ در مورد دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان و ماده ۲۹۷ در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی) در ماده ۳۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. ضمناً ماده ۲۹۷ در دادگاه انقلاب با تعدد قاضی که موضوع سوال ۱۱۲ آزمون وکالت ۱۳۹۴ بود.

نکته ۲: مشابه این مقررات در دادگاه کیفری دو و ممدشون (دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه نظامی دو و انقلاب با وحدت قاضی) در ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. با مقایسه این دو ماده به نکات مهمی دست می یابید. سؤال از متن ماده اخیرالذکر طرح شده است.

نکته ۳: نحوه رسیدگی در جلسه مقدماتی در دادگاه کیفری دو و ممدشون در ماده ۳۴۱ و در دادگاه کیفری یک در ماده ۳۸۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. با مقایسه این دو ماده نیز به نکات مهمی دست می یابید. (سطح پرسش: ساده)

**قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش:** "وقتی خدا بخواهد برای شما هدیه ای بفرستد آن را در مشکلی می پیچد. هرچه مشکل بزرگتر باشد، هدیه هم بزرگتر است مشکلات فعلی شما هدیه بزرگی به دنبال دارد. قبولی در آزمون وکالت ۱۳۹۵ اما باید بدانید که: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»  
۱۰۳. گزینه ۳ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: شرایط قانونی صدور قرار تعلیق تعقیب»

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها**

الف) گزینه ۱ درست است زیرا موافق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

ب) گزینه ۲ درست است زیرا موافق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ نادرست است زیرا مخالف ماده ۸۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا موافق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: قرار بایگانی پرونده در قسمت اختیارات دادستان آمده است اما مربوط به جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ است و مستقیم در صلاحیت دادگاه کیفری دو و ممدشون است. برخلاف قرار تعلیق تعقیب، قرار بایگانی در درجه ۶ تعزیری نداریم.  
**قسمت سوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است امکان صدور قرار تعلیق تعقیب است. پس اگر جرمی قابل تعلیق نباشد حتی اگر درجه شش تا هشت هم باشد قابل تعلیق تعقیب نیست.

**نکته ۲:** منتهی با توجه به ماده ۳۴۰ و تبصره ۵ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲، در جرایم تعزیری ۷ و ۸، قرار تعلیق تعقیب را قاضی دادگاه کیفری و در جرایم تعزیری درجه ۶، دادستان صادر می کند.

**نکته ۳:** برای صدور قرار تعلیق تعقیب باید شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود البته این بدین معناست که حصول هر یک از این موارد دلیلی است برای تعلیق تعقیب و صرفاً گذشت شاکی یا عدم وجود شاکی بر خلاف سابق انحصاری نیست و پرداخت خسارت کامل هم حتی اگر شاکی گذشت نکرده باشد یکی از شرایط تعلیق است. بنابراین لازم نیست جرم غیرقابل گذشت باشد و جبران خسارت شاکی در جرم قابل گذشت کافی است.

**نکته ۴:** متهم باید فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، و برای صدور قرار تعلیق تعقیب موافقت وی جلب شود و حسب ضرورت ممکن است که تامین هم اخذ شود.

**نکته ۵:** تعلیق تعقیب ممکن است یک تعلیق تعقیب ساده یا مراقبتی باشد و مدت آن شش ماه تا دو سال است و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ هم قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

**نکته ۶:** در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجرا نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند.

**نکته ۷:** لغو قرار تعلیق تعقیب توسط مرجع صادر کننده در صورتی است در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می شود. که بدین معناست که اگر برای متهمی قرار تعلیق صادر شود و مدت تعلیق را سپری کند بعد متوجه شوند که وی دارای سابقه محکومیت مؤثر کیفری بوده امکان لغو قرار نیست.

**نکته ۸:** مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان در هیچ یک از موارد فوق محسوب نمی شود.

**نکته ۹:** بازپرس راساً حق صدور قرار تعلیق تعقیب را ندارد و باید از دادستان تقاضای آن را بنماید.

**نکته ۱۰:** در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، یعنی در ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲، دادگاه می تواند مقررات قرار تعلیق تعقیب را مطابق شرایط فوق اعمال کند. جالب اینکه قانونگذار در خصوص قرار ترک تعقیب در خصوص جرائمی که مستقیم در دادگاه مطرح می شود کاملاً از آن فراموش کرده اما به این امر در خصوص تعلیق تعقیب توجه داشته است. **نکته ۱۱:** اگر از مواد ق.آ.د.ک. ۷۹، ۸۶ یک سوال طرح نشود، حتماً در گزینه های سوالات دیگر به آنها برخورد خواهد خورد. گزینه ۴ سوال ۱۱۷ آزمون وکالت ۱۳۹۴ از قرار تعلیق تعقیب نام می برد و پاسخگویی درست به آن سوال، مستلزم تسلط به این مواد مهم و سوال برانگیز و نوآورانه و جدید است. (سطح پرسش: متوسط)

**قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش:** اعتمادبه نفس بالا و بجا (بدون غرور کاذب) شما را در دستیابی به اهدافتان کمک می کند و به شما جرأت ابراز وجود و نه گفتن می دهد و دیگران را به تحسین شما و می دارد. اولین شرط اعتمادبه نفس آن است که هرگز خود را با دیگران مقایسه نکنید. چون شما همه چیز را درباره همه کس نمی دانید و حسب ظاهر قضاوت نادرست می کنید و نسبت به افراد پایین دست دچار غرور کاذب و نسبت به افراد بالادست، دچار یاس مخرب می شوید. از قدیم گفتن پنج تا انگشت یک دست یک آدم هم مثل هم نیستند چه رسد به دو تا آدم.

۱۰۴. گزینه ۴ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان»

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها**

الف) گزینه ۱ مطابق متن ماده ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

ب) گزینه ۲ مطابق متن ماده ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

ج) گزینه ۳ مطابق متن ماده ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

د) گزینه ۴ مطابق متن ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ نادرست است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: کلیه جرایم عمومی طفل چه مشمول ۳۰۲ باشد چه نباشد، طبق ماده ۳۰۴ و ۳۱۵، بجای دادگاه کیفری یک یا دو، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.

نکته ۲: کلیه جرایم انقلاب طفل چه مشمول ۳۰۲ باشد چه نباشد، طبق ماده ۳۰۴ و ۳۱۵، بجای دادگاه انقلاب یک یا دو، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.

نکته ۳: کلیه جرایم نظامی طفل چه مشمول ۳۰۲ باشد چه نباشد، طبق ماده ۵۹۹ ناظر بر مواد ۳۰۴ و ۳۱۵، بجای دادگاه اطفال و نوجوانان در دادگاه نظامی دو رسیدگی می شود.

نکته ۳: طبق ماده ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ به جرایم عمومی نوجوان اگر مشمول ۳۰۲ باشد بجای دادگاه کیفری یک در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان و اگر مشمول ماده ۳۰۲ نباشد، یا بجای دادگاه کیفری دو، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.

نکته ۴: طبق ماده ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ به جرایم انقلاب نوجوان اگر مشمول ۳۰۲ باشد بجای دادگاه انقلاب یک در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان و اگر مشمول ماده ۳۰۲ نباشد، یا بجای دادگاه انقلاب دو، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.

نکته ۶: طبق ماده ۵۹۹ ناظر بر مواد ۳۰۴ و ۳۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ به جرایم نظامی نوجوان اگر مشمول ۳۰۲ باشد بجای دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، در دادگاه نظامی یک و اگر مشمول ماده ۳۰۲ نباشد، یا بجای دادگاه اطفال و نوجوانان، در دادگاه نظامی دو رسیدگی می شود.

نکته ۷: اگر رمز «ممدشون» را بلد باشید، این ۶ نکته در ۲ جمله خلاصه می شود. با مطالعه نکات ۶۰ تا ۶۲ و ۸۰ درسنامه سوال ۱۰۱ را مرور کنید. موفق باشید.

(سطح سوال : متوسط)

قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش: بدترین کاغذ کاهی از حافظه بهترین و باهوش ترین افراد، در ثبت و یادآوری دقیق و جزءبه جزء مطالب، بهتر و مفیدتر است.

شکر داشتن حافظه و استعداد خدادادی، مغرور شدن به آن نیست. درست استفاده کردن از آن است. «محشای من» را از همین بدو شروع مطالعات مستمر خود جدی بگیرید.

۱۰۵. گزینه ۱ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تفاوت تشخیص خلاف شرع بودن رای توسط دادستان کل کشور در ماده ۲۹۳ اصلاحی ۲۴/۳/۹۴ با تشخیص رئیس قوه قضائیه در ماده ۴۷۷»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ درست است زیرا مطابق ماده ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ اصلاحی ۲۴/۳/۹۴ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ اصلاحی ۲۴/۳/۹۴ است.

ج) گزینه ۳ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ اصلاحی ۲۴/۳/۹۴ است. این گزینه برگرفته از ماده ۲۹۳ قبل از اصلاح است.

د) گزینه ۴ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ اصلاحی ۲۴/۳/۹۴ است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: تشخیص خلاف شرع بودن رای در قانون جدید دو ماده مهم و سوال برانگیز دارد. ۲۹۳ و ۴۷۷. این دو ماده را هم اکنون با هم بخوانید و مقایسه کنید و تشابه و تفاوت های آن را به محشای من منتقل کنید.

نکته ۲: در ماده ۴۷۷ تشخیص خلاف بین شرع رئیس قوه قضائیه، طبق تبصره ۱ همان ماده هر رای قطعی را در بر می گیرد: «آرای قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه های تجدید نظر و بدوی، دادرها و شوراهای حل اختلاف می- باشند».

نکته ۳: اما چنین تشخیصی در مورد دادستان کل کشور در ماده ۲۹۳ صرفاً در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالایر بی سرپرست منشأ اثر قانونی است.

نکته ۴: تفاوت دوم آن است که در ماده ۴۷۷ تشخیص رئیس قوه قضائیه، بمنزله تجویز اعاده دادرسی است اما در ماده ۲۹۳ اصلاحی ۹۴ مقن می گوید: «دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین یا قانون تشخیص دهد به طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه قضائیه اعلام می کند».

نکته ۵: پس در ماده ۲۹۳ «خلاف شرع یا قانون» بودن رای ملاک است اما در ماده ۴۷۷ فقط «خلاف شرع بین بودن رای» ملاک است. بقیه تفاوت ها و شباهت ها را خود به محشای من منتقل کنید. (سطح سوال : ساده)

قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش: قرآن مجید می فرماید: ای کسانی که به خود ظلم کرده اید، از رحمت خدا نومید مباشید. خدا همه اشتباهات شما را می بخشد. به بطالت گذاردن عمر گناه و اشتباه بزرگی است اما هر جا با دانش آموزی جلوی آن را بگیرید، برنده اید. امروز بهتر از فرداست. معطل نکنید و مطمئن باشید هیچ وقت برای علم آموزی دیر نیست.

قسمت چهارم: مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه دادستان در خصوص موضوع این سؤال:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ و تبصره های آن طرح شده است. تمام نکاتی که بولد شده اند، مهم و سوال بر انگیز هستند.



نکته ۲: ماده ۴۷۷: «در صورتیکه رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص همان شعب تشخیص سابق که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. رسیدگی ماهوی دیوانعالی!!! شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی بعمل می آورند و رأی مقتضی صادر می نمایند.

تبصره ۱- آرای قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای [۱] دیوان عالی کشور، [۲] سازمان قضایی نیروهای مسلح، [۳] دادگاه های تجدید نظر و [۴] بدوی، [۵] دادسراها و [۶] شوراهای حل اختلاف می باشند.

تبصره ۲- [۷] آرای شعب دیوان عالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و نیز [۸] دستورهای موقت دادگاه ها، اگر توسط رییس قوه قضاییه خلاف شرع بین تشخیص داده شود، مشمول احکام این ماده می باشند.

تبصره ۳- در صورتی که [۱] رییس دیوان عالی کشور، [۲] دادستان کل کشور، [۳] رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا [۴] رییس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می توانند با ذکر مستندات از رییس قوه قضاییه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این تبصره فقط برای یک بار قابل اعمال است مگر اینکه خلاف شرع بین آن به جهت دیگری باشد.

۱۰۶. گزینه ۳ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: موارد تعیین وکیل تسخیری»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) در گزینه ۱ مطابق ماده ۵۸۳ ناظر بر مواد ۳۴۸ و ۳۸۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ تعیین وکیل تسخیری الزامی است.

ب) در گزینه ۲ مطابق ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ تعیین وکیل تسخیری الزامی است.

ج) در گزینه ۳ طبق ماده ۳۴۸ و ۳۸۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ تعیین وکیل تسخیری الزامی نیست و مقامات ۳۰۷ و ۳۰۸ تأثیری در این موضوع ندارند.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

قسمت دوم: نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش: در جرم سیاسی و مطبوعاتی چه مرتکب از مقامات ۳۰۷ و ۳۰۸ اعم از روحانی یا غیرروحانی باشد چه نباشد، تعیین وکیل تسخیری نه در دادسرا و نه در دادگاه الزامی نیست.

قسمت سوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: موارد تعیین وکیل تسخیری در تبصره ۲ ماده ۱۳ و ۱۹۰ در مرحله دادسرا و ماده ۳۴۸ و ۳۸۴ در دادگاه کیفری یک و دو و ماده ۴۱۵ در دادگاه اطفال و نوجوان در ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است.

نکته ۲: با ملاحظه این مواد نکات تشابه و افتراق را به محشای خود منتقل کنید. ضمناً سوال ۱۰۸ امون وکالت ۹۴ از تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ طرح شده است. (سطح پرسش: متوسط)

قسمت چهارم: مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال:

نکته ۱: مشابه این سؤال در آزمون وکالت سال ۱۳۷۹ آمده است.

نکته ۲: توجه کنید تعیین وکیل تسخیری در مورد طفل برخلاف سایر بزهکاران اختصاص به جرائم مذکور در ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ ندارد. این ماده در مورد تعیین وکیل تسخیری برای متهم بالای ۱۸ سال می گوید: «در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می شود.»

نکته ۳: اما در مورد اطفال تعیین وکیل تسخیری در سه دسته از جرائم است:

۱- جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یعنی جرائم ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲.

۲- جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است.

۳- در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر یعنی درجه ۱ تا ۶.

نکته ۴: در این سه مورد طبق ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «... دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می شود.»

نکته ۵: توجه شود که در این سه حالت مذکور در ماده ۴۱۵، تعیین وکیل تسخیری برای طفل یا نوجوان متهم، حتی در مرحله دادسرا هم الزامی باشد. این یک نوآوری است. نکته ۶: ماده ۴۱۵ در مورد جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ مقرر می دارد: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می تواند از خود دفاع کند.»

نکته ۷: احتمال طرح سؤال از مواد مربوط به وکالت در قانون جدید زیاد است زیرا نسبت به قانون سابق تغییرات مهمی انجام شده است. پس خوب آنها را فرا بگیرید. نکته ۸: ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در خصوص تعیین وکیل بیان نموده است «در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. لذا در دادگاه، اولاً تعدد وکیل هست. ثانیاً تعداد آن در تبصره ماده ۳۴۶ و ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است. ثالثاً معرفی وکیل تعیینی محدودیت عددی دارد اما همراه داشتن همه وکلای تعیینی بلامانع است.

**نکته ۹:** در تبصره این ماده آمده: «در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند.» بحث معرفی وکیل غیر از بحث به همراه داشتن وکیل است. معرفی وکیل یعنی همان داشتن وکیل که تعداد آن محدود شده است. درحالی که در قانون قبل محدودیت تعداد نبود بلکه محدودیت در همراه داشتن وکیل آن هم در دادسرا بود که در قانون فعلی بحث همراه داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به همان یک نفر اکتفا شده است اما در مرحله دادگاه از نظر معرفی وکیل تعیینی، تعداد آن ها حسب مورد در دادگاه کیفری دو «دو نفر» و در دادگاه کیفری یک «سه نفر» محدود شده است.

**نکته ۱۰: ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲** بیان می نماید «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. .... و در تبصره یک که مهم و حاوی نوآوری است بیان می کند «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می شود.»

**نکته ۱۱: در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ آمده است** «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس در این مرحله برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند.» پس تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی در صورت عدم تعیین از سوی متهم ضروری است. موارد تعیین وکیل تسخیری در دادگاه بیشتر است. ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ را در این خصوص با این تبصره مقایسه کنید.

**نکته ۱۲:** تعدد وکیل فقط در مورد وکیل تعیینی طرفین است و الا وکیل معاضدتی موضوع ماده ۳۴۷ و وکیل تسخیری موضوع ماده ۳۴۸، در هر صورت و در هر مرحله از دادرسی کیفری، فقط یک نفر است.

**نکته ۱۳:** در ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در مورد دادگاه کیفری یک آمده است «هر یک از طرفین می تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استعفاء وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی شود.»

**نکته ۱۴:** پس نتیجه اینکه تعدد وکیل در قانون جدید محدود شده که حسب مورد دو یا سه وکیل است و بر حسب نوع اتهام نیز و اینکه در صلاحیت کیفری یک یا دو باشد این محدودیت معرفی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز وجود دارد یعنی در رسیدگی به اتهام متهمی که حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دو باشد تعدد وکیل معرفی شده از سوی متهم نیز حسب مورد حداکثر دو یا سه است ولی در مرحله تحقیق یک وکیل می تواند همراه او باشد.

**نکته ۱۵:** محدودیت وکیل تعیینی از نظر تعداد به دو یا سه وکیل حسب مورد، در دادسراها هم به طریق اولی وجود دارد. علاوه بر آن محدودیت به همراه داشتن وکیل هم در دادسرا هست که در دادگاه نیست.

**۱۰۷. گزینه ۴ پاسخ است.** «موضوع اصلی پرسش: اخذ تامین از اطفال و نوجوانان در سازمان قضایی»

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها**

(الف) گزینه ۱ درست است زیرا موافق متن ماده ۵۹۹ ناظر بر ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

(ب) گزینه ۲ درست است زیرا موافق متن ماده ۵۹۹ ناظر بر ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

(ج) گزینه ۳ درست است زیرا موافق متن ماده ۵۹۹ ناظر بر ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

(د) گزینه ۴ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۵۹۹ ناظر بر ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

**قسمت دوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** مقنن در ماده ۵۹۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ ضمن نفی اعمال صلاحیت شخصی در سازمان قضایی، رسیدگی سازمان قضایی به اتهام متهمان طفل و نوجوان را منوط به رعایت مقررات مربوط به دادرسی خاص آنان نموده است.

**نکته ۲:** مقررات مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان عبارت است از ۳۱، ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷، ۲۹۸ و ۳۰۴ و ۳۱۵، ۴۰۸ تا ۴۱۷ و ۴۴۴ تا ۴۴۷ و ۵۲۵ تا ۵۲۸ ق.آ.د.ک. ۹۲.

**نکته ۳:** ماده ۲۸۷ یکی از این مقررات است که مورد سؤال بود. به عبارت دیگر مقنن در ماده ۵۹۹ می گوید تمام تشریفات دادرسی جرائم اطفال و نوجوان در سازمان قضایی همان است که در مقررات فوق بیان شد و از این حیث تفاوتی ندارد.

**نکته ۴:** از این مقررات سؤالات زیادی طرح شده است. آن ها را یک بار باهم بخوانید و نکاتی که از این جمع خوانی به دست آوردید را به محشای من منتقل کنید. **جالب توجه باینکه سوال ۱۰۶ آزمون وکالت ۱۳۹۴ از ماده ۲۸۶ یکی از مواد مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان طرح شده است.** پس مواد مذکور در درس نامه هر سوال را جدی بگیرید که احتمال طرح سوال از آنها بعید نیست.

**قسمت سوم:** مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه دادستان در خصوص موضوع این سؤال:

**نکته ۱:** بازپرس برای دسترسی به متهم و مطابق ماده ۲۱۷ این قانون پس از تفهیم اتهام در صورت وجود دلایل کافی مکلف به صدور قرار تامین است.

**نکته ۲:** مطابق تبصره یک ماده ۲۴۷ «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.» پس الزامی به عدم صدور قرار تامین ندارد و این بدان معناست که می توان قرار تامین در این مورد صادر نکرد اما این امر شرایطی دارد که آن ارائه تضمین لازم جهت جبران خسارت است. پس گزینه ۱ و ۴ صحیح نیست.

**نکته ۳:** ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ نیز بیان نموده است «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند.» که این نه به معنای صدور تامین بلکه صرفاً تحویل افراد فوق به شخص

ثالث و التزام آن‌ها به معرفی طفل یا نوجوان است و در ادامه بیان کرده است «افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند.» که این به معنای همان قرار التزام البته بدون تعیین وجه التزام است پس در مورد افراد ذکر شده فوق امکان قرار تامین التزام رأساً وجود دارد.

نکته ۴: در ادامه ماده مذکور آمده است «در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند.» پس به این معناست که امکان اخذ قرار تامین کفالت، وثیقه و قرار نگهداری موقت فقط در مورد نوجوانان بالای ۱۵ سال وجود دارد.

نکته ۵: طبق ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ تحقیقات مقدماتی جرائم منافی عفت اعم از حدی و تعزیری با هر میزان از مجازات، با خود دادگاه صالح است و دادسرا و مقامات آن حق تحقیقات و به تبع آن حق صدور قرار تامین ندارند.

نکته ۶: طبق ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ تحقیقات مقدماتی جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، با خود دادگاه صالح است و دادسرا و مقامات آن حق تحقیقات و به تبع آن حق صدور قرار تامین ندارند.

نکته ۷: طبق ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به‌عمل می‌آید.» فرد ۱۵ ساله فردی است که ۱۴ سال تمام شمسی دارد و وارد سال ۱۵ زندگی خود شده است و فرد ۱۸ سال فردی است که ۱۸ سال تمام شمسی دارد.

نکته ۸: در نتیجه تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال شمسی یعنی تا اتمام ۱۴ سال تمام شمسی، با خود دادگاه اطفال و نوجوانان است و دادسرا و مقامات آن حق تحقیقات و به تبع آن حق صدور قرار تامین ندارند. کسی که ۱۵ سال تمام قمری دارد، بالغ و نوجوان است و چون ۱۵ سال تمام قمری بیشتر از ۱۴ سال تمام شمسی است، تحقیقات آن با دادسرای اطفال است و در نتیجه بازپرس حق و تکلیف صدور قرار تامین وفق قانون را دارد. (سطح پرسش: ساده)

**قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش:** تبویب و دسته‌بندی مطالب به شما در به یادآوری مطالب به‌طور منظم و دقیق و سریع کمک می‌کند. مرور قوانین و محشا نویسی دو شاه‌کلید اصلی موفقیت در آزمون وکالت ۱۳۹۵ است. در این خصوص با مشاورات موسسه تماس بگیرید یا به سایت یا نمایندگی نزدیک خود مراجعه کنید. موفق باشید.

**۱۰۸. گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: هزینه دادرسی کیفری»**

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها**

الف) گزینه ۱ طبق متن ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

ب) گزینه ۲ طبق متن ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ نادرست است.

ج) گزینه ۳ طبق متن ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

د) گزینه ۴ طبق متن ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است.

**قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:**

**نکته ۱:** بطور معمول، مباحث متفرقه قانون آیین دادرسی کیفری مانند ادله اثبات، هزینه دادرسی یا دادرسی الکترونیکی، مواعد، وکالت و غیره هر کدام حداکثر یک سوال و مجموعاً دو تا سه سوال در آزمون وکالت هر سال خواهند داشت. در آزمون وکالت ۹۴ نیز سوال ۱۰۶ و ۱۰۸ و ۱۱۳ از این مباحث متفرقه طرح شده بود.

**نکته ۱ مکرر:** مطابق بخشنامه ۱۰۰/۱۹۵۳/۹۰۰ مورخه ۱۳۹۳/۱۱/۱۷ ریاست محترم قوه قضاییه هزینه شکایت کیفری به قرار ذیل است:

الف) درخواست تعقیب کیفری (اعم از دادسرا، دادگاه و شورای حل اختلاف) به مراجع قضایی علاوه بر حقوق مقرر ۵۰ هزار ریال

ب) هزینه شکایت کیفری چک به شرح ذیل می‌باشد:

|                                                      |                |
|------------------------------------------------------|----------------|
| تا مبلغ یک میلیون ریال (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال              | ریال (۵۰/۰۰۰)  |
| نسبت به مازاد تا ده میلیون ریال (۱۰/۰۰۰/۰۰۰)         | ریال (۲۰۰/۰۰۰) |
| نسبت به مازاد تا یکصد میلیون ریال (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال | ریال (۲۰۰/۰۰۰) |
| مازاد بر یکصد میلیون ریال (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال         | یک در هزار     |

پ) هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر از احکام کیفری ۱۰۰ هزار ریال

**نکته ۲:** عبارت "مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به‌میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار گردد" در لایحه مصوب مجلس وجود نداشت و حسب ایراد شورای نگهبان می‌بایست به تبصره ماده اضافه می‌شود که در ذیل ماده آمده بود و مطابق اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ مجلس این عبارت از ذیل ماده حذف و به تبصره ماده فوق اضافه شد.

**نکته ۳.** هر چند در این ماده ضابطه ای جهت تشخیص اعسار بیان نشده است اما می توان از ملاک مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص ارئه استشهاده یا شهادت شهود استفاده کرد اما در هر حال تشخیص این موضوع بر عهده دادگاه یا دادستان است و احراز اعسار از پرداخت هزینه دادرسی منحصر به موارد بیان شده در قانون آیین دادرسی مدنی نیست و می توان از طرق دیگر نیز آن را احراز کرد.

**نکته ۴.** بنظر برخی، عدم پرداخت هزینه دادرسی توسط شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی اعم از اینکه موضوع شکایت از جرائم قابل گذشت باشد یا از جرائم غیر قابل گذشت فاقد ضمانت اجراست اما چنانچه حکم به رد مال یا جبران ضرر و زیان به نفع شاکی صادر شود، می توان با رعایت شرایط بیان شده در ذیل ماده اقدام به اخذ هزینه شکایت از محل اجرای حکم به رد مال یا ضرر و زیان اخذ شده از محکوم علیه نمود.

**نکته ۵.** اما این نظر ناشی از تفسیر نادرست این ماده است. مقنن در ماده ۱۰ می گوید «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می شود.» بنابراین موضوع شکایت شاکی با موضوع دعوای ضرر و زیان مدعی خصوصی یکسان نیست.

**نکته ۶.** بنابراین، موضوع شکایت بزه دیده تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم بمنظور محکومیت مرتکب به کیفر است (مواد ۸ تا ۱۲) و موضوع دعوای ضرر و زیان بزه دیده، مطالبه خسارات مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول به تبع دعوای عمومی ناشی از جرم (مواد ۱۴ تا ۲۰) است.

**نکته ۷.** مقنن در این ماده همان سلف مغفول مانده آن تصریح می کند: «رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت.» یعنی رسیدگی به شکایت شاکی در مورد دعوای عمومی ناشی از جرم را نباید به علت عدم پرداخت هزینه دعوای خصوصی ناشی از جرم وفق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۱۵) به تأخیر انداخت.

**نکته ۸.** به عبارت دیگر مقنن حکیم در صدر ماده بزه دیده را به پرداخت هزینه امر کیفری (شکایت) مکلف نموده است همان طور که بزه دیده را در ماده ۱۵ به پرداخت هزینه امر حقوقی (دادخواست ضرر و زیان) مکلف نموده است و به حکم قاعده کلی ماده ۲۰، عدم پرداخت هزینه دادرسی امر کیفری در رسیدگی به امر حقوقی و بالعکس نباید تاثیر داشته باشد که ندارد و این جمله در ماده ۵۵۹ تکرار قاعده کلی ماده ۲۰ است و بس.

**نکته ۹.** اما دو سوال مهم باقی است. ۱) شکایت کیفری چیست که شاکی باید هزینه آن را بپردازد؟ ۲) در صورت عدم پرداخت هزینه شکایت، تکلیف قاضی نسبت به رسیدگی به شکایت بزه دیده (در فرض تمکن مالی و عدم معافیت وی) چیست؟

**نکته ۱۰.** پاسخ سوال اول اگرچه بدیهی بنظر می آید، اما مهم و متأسفانه مغفول است و همان طور که در بخشنامه ۱۰۰/۱۹۵۳/۹۰۰ مورخه ۱۳۹۳/۱/۱۷ ریاست محترم قوه قضاییه در مورد هزینه شکایت کیفری آمده است: هزینه «درخواست تعقیب کیفری (اعم از دادسرا، دادگاه و شورای حل اختلاف) به مراجع قضایی علاوه بر حقوق مقرر ۵۰ هزار ریال» است.

**نکته ۱۱.** بنابراین طبق مواد ۸ تا ۱۲ همین قانون: «شکایت یعنی درخواست بزه دیده ای که از وقوع جرم متحمل نوعی ضرر و زیان شده درخواست تعقیب کیفری مرتکب را بمنظور محکومیت به کیفر از مقام تعقیب می نماید.» و ریاست محترم قوه نیز برای همین درخواست تعقیب کیفری مرتکب، تعیین تعرفه نموده است.

**نکته ۱۲.** ایراد مهم آن است که در رویه قضایی به این ماده اساساً توجه نمی شود و بجای شکایت، هزینه از شکوائیه اخذ می شود و در عمل اگر فردی از چند متهم برای چندین عنوان مختلف در یک شکوائیه، طرح دعوی کیفری نماید، فقط یک هزینه پرداخت می کند. در حالیکه همین فرد در مقام تقدیم دادخواست ضرر و زیان علیه هر مرتکب و به تعداد هر خواسته مکلف به تأدیه هزینه است.

**نکته ۱۳.** این رویه مستند به هیچ مبنای مستدل و مستندی جز نادیده گرفتن مواد پایانی قانون سابق و فعلی نیست. این دعوی که تعقیب امر کیفری بر عده قوه قضائیه است و اساساً باید مجانی باشد، با صدر این ماده که آن را منوط به تأدیه هزینه کیفری می کند رد می شود. همچنین اینکه، بی تردید بین شکایت و شکوائیه فرق است و این دوازه مترادف نیستند و طبق بند ب ماده ۶۸ یکی از ارکان شکوائیه، درج موضوع شکایت در شکوائیه است.

**نکته ۱۴.** در ثانی اگر شکایت و شکوائیه امری واحد باشند و هزینه شکایت همان هزینه تقدیم یک شکوائیه است، برای شکایت شفاهی که توسط ضابط (ماده ۳۷) یا قاضی (ماده ۶۹) صورتجلس می شود، نباید هزینه گرفته می شد که می شود. برای فهم بهتر باید شکایت را مترادف خواسته و شکوائیه را مترادف دادخواست بدانیم. منتهی شکایت مربوط به دعوای عمومی ناشی از جرم است و دعوای ضرر و زیان مربوط به دعوای خصوصی ناشی از جرم است.

**نکته ۱۵.** البته در جرایم بدون بزه دیده، اگر غیرقابل گذشت و غیرمنافی عفت باشند، مقام تعقیب مکلف به تعقیب دعوای عمومی به هزینه قوه قضائیه است اما این تکلیف منافاتی با پرداخت هزینه احقاق حق دسترسی به عدالت برای بزه دیده ندارد. مضافاً اینکه آنقدر این هزینه ناچیز است که عملاً مجانی باید بحساب آورد.

**نکته ۱۶.** در پاسخ به سوال دوم باید بین جرم قابل گذشت و غیرقابل گذشت فرق نهاد. اگر مقنن را حکیم بدانیم باید ضمانت اجرایی برای تکالیفی که وی در قانون برای طرفین مقرر داشته است نیز قائل باشیم و الا اگر مقنن تکلیفی وضع کند و در عمل اجرا یا عدم اجرای آن تکلیف یکسان و فاقد ضمانت اجرا باشد، وضع آن با حکمت قانون گذار یا مجری قانون ناسازگار است.

**نکته ۱۷.** با توجه به اینکه یکی از موانع تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم عدم شکایت بزه دیده در جرایم قابل گذشت است؛ عدم تأدیه هزینه شکایت، سبب عدم استماع شکایت و در نتیجه صدور قرار موقوفی تعقیب است.

**نکته ۱۸.** اما اگر جرم غیرقابل گذشت باشد، مقام تعقیب مکلف به تعقیب دعوای عمومی است. گویی که اعلام جرم توسط ثالث انجام شده باشد. اما بزه دیده تا تأدیه هزینه نکند، از حقوق شاکی در دادرسی کیفری برخوردار نیست و با وی همانند اعلام کننده جرم یا گزارش دهنده برخورد می شود. از جمله حق اعتراض ندارد و صدور حکم به رد مال در حق وی نیز منتفی است چون وی هزینه امر کیفری را نداده است.

**نکته ۱۹.** بنابراین روشن شد که هزینه شکایت کیفری چیست و عدم تأدیه آن چه ثمری دارد و عدم تأدیه هزینه دعوای خصوصی ناشی از جرم، ربطی به امر کیفری ندارد و بالعکس. (سطح پرسش: ساده)



**قسمت پنجم: تحلیل روانی پرسش:** سوالی که پاسخ آن در یک ماده قانونی باشد، مانند این سوال که از متن ماده ۵۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده است، از نظر طراحان آزمون، ساده محسوب می شود. با قبول ضعف خود در عدم تسلط لازم و کافی به قانون، مسئولیت اقدامات خود را پذیرا باشید و عدم پاسخگویی به هر سوالی را به دشوار بودن یا نادرست یا زیاد بودن متن گزینه ها و کمی وقت یا غیراستاندارد بودنش حمل نکنید. زیرا در آزمون وکالت هر سوال مشابه همین سوالات را باید پاسخ بدهید و قبولی را به بها می دهند نه به بهانه. اگر هم پاسخ درست داده اید، مواظب باشید غرورتان مانع مرورتان نشود. صبور و پرتلاش باشید.

۱۰۹. - گزینه ۳ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تمیز قرارهای قطعی و غیرقطعی در دادگاه»

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها**

الف) گزینه ۱ غیرقطعی است زیرا مطابق متن تبصره ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ غیرقطعی است زیرا مطابق متن ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ قطعی است زیرا منطبق بر متن تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ غیرقطعی است زیرا برخلاف متن تبصره ماده ۲۴۷ و ۲۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ و تبصره ماده ۸۰ الحاقی ۲۴/۳/۹۴ است.

**قسمت دوم:** نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش: کلیه قرارهای اعدادی تحقیقاتی (کارشناسی، معاینه و تحقیق محلی و...) قطعی هستند. کلیه قرارهای اعدادی تکمیلی (تامین خواسته و نظارت قضایی) غیرقطعی هستند. قرارهای تامین مضر به حق متهم حقیقی غیرقطعی و بقیه قطعی هستند. مصادیق در نمودار قرارهای امهات و جدول قرارهای دادسرا آمده است. اما نکته جدید کلیه قرارهای تامین متهم حقوقی غیرقطعی است.

**قسمت سوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** بعد از صلاحیت، بیشترین سوالات آزمون وکالت از مبحث قرارهاست. در آزمون امسال وکالت سوال ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۵ و ۱۱۷ از مبحث قرارها طرح شده است. یعنی یک سوال کمتر از مبحث صلاحیت و یک سوال بیشتر از مبحث وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان ه در سوالات بعدی آمار آنها را خواهید دید. بنابراین اگر داوطلبی قوی باشد و جزء برتران موسسه در آزمون هاباشد، فقط با شرکت در دوره امهات که به بررسی قرارها، صلاحیت و نحوه رسیدگی دادگاه های بدوی و تجدیدنظر و اختیارات دادستان و بازپرس می پردازیم، قادر است به بیش از کتاب ۵ ق.م.ا. ۷۵ درصد سوالات آزمون مسلط شود.

**نکته ۲:** طبق تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی در جرائم تعزیری درجه ۸ و دیه کمتر از ۱۰ درصد قطعی و در سایر موارد، قابل تجدیدنظر است.

**نکته ۳:** اما اگر به همین تبصره دقت کنید، می بینید قرار رد درخواست فرجام نیامده است؛ زیرا هیچ جرم قابل فرجامی نیست که غیرقطعی نباشد و لذا قرار رد درخواست فرجام کلاً غیرقطعی است.

**نکته ۴:** کلیه قرارهای تامین اشخاص حقوقی در ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ غیرقطعی است.

**نکته ۵:** اگر دقت کنید هر گزینه این سوال حاوی نکته ای در باب یک نوع از قرارهای دادگاه است که ممکن است هرگزینۀ جداگانه خود مورد سوال باشد و چون تعداد آزمون ها محدود و تعداد نکات بسیار زیاد است، شیوه ما در داداستان بر آن است که بر خلاف آزمون وکالت، در آزمون های مفهومی - مهارتی سوالات گزینه پرت نداشته باشند و هرگزینۀ حاوی یک یا چند نکته باشد.

**نکته ۶:** برای مثال سوال ۱۰۵ در مورد قرارهای نظارت قضایی با گزینه ۴ این سوال و سوال ۱۱۵ در مورد قرارهای تامین اشخاص حقوقی با گزینه ۲ این سوال و در یک سوال طرح شده است. لذا اگر داوطلب نکات و مواد مقرر در درس نامه این سوال را مسلط می بود، به دو سوال آزمون وکالت ۹۴ به راحتی و به درستی پاسخ می داد. (سطح پرسش: متوسط)

**قسمت چهارم:** مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال:

**نکته ۱:** در مواردیکه تحقیقات مقدماتی مستقیماً بر عهده دادگاه است (مواد ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۰۶ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲)، صدور قرارهای مربوط به تحقیقات مقدماتی از جمله قرارعدم دسترسی شاکی یا متهم به پرونده وفق تبصره ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ هم طبعاً با دادگاه است و این دو قرار مستقلاً از رأی نهایی قابل تجدیدنظر است ولو اصل رأی قابل تجدیدنظر نباشد چون یک مورد خاص است که تجدیدنظر آن در ماده ۱۹۱ مشخص شده و نه در ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲.

**نکته ۲:** قرار عدم دسترسی به پرونده هم در مورد شاکی صادر می شود که در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است و هم در مورد متهم که در ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ آمده است. این دو ماده را با هم قیاس و نکات مشابه و متفاوت را به محشای من منتقل کنید. تفاوت در جهات صدور قرار در ماده ۱۹۱ است که بیشتر از تبصره ۱ ماده ۱۰۰ است.

**نکته ۳:** در دادسرا طبق تبصره ماده ۲۷۰: «مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض، برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است.» اما هر دو قرار عدم دسترسی (شاکی یا متهم) حضوراً ابلاغ می شود و مهلت اعتراض به آن سه روز است و حسب مورد قابل رسیدگی در دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل موضوع کیفری را دارد. لذا تشریفات اعتراض به این قرار از عموماً اعتراض به قرارهای دادسرا (مواد ۲۶۹ تا ۲۷۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲) و آرای دادگاه ها (ماده ۴۲۶ تا ۴۲۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲) خارج است.

**نکته ۴:** ماده ۴۲۷ مربوط به آرای قابل تجدیدنظر و فرجام دادگاه های کیفری است و ارتباطی به قرارهای قابل اعتراض دادسراها ندارد.

**نکته ۵:** قابل اعتراض بودن قرارهای دادسرا را باید در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ جستجو کرد و این ماده مختص به دادسراست و ربطی به دادگاه های کیفری ندارد.

نکته ۶: دادستان دیگر حق اعتراض به هیچ یک از قرارهای دادسرا را ندارد و فقط می تواند به قرارهای دادگاه در جرائم منتهی به کیفرخواست اعم از کتبی (۲۷۹) یا شفاهی (ماده ۸۶) اعتراض کند.

نکته ۷: ماده ۲۷۰ می گوید: «علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:»

نکته ۸: نکته مهم شناسایی آن مواردی است که قابل اعتراض بودن قرار در مواد دیگر این قانون آمده است. از جمله ماده ۸۰ و ۸۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲. قرار ترک تعقیب نه در ماده ۷۹ و نه در ماده ۲۷۰ از قرارهای قابل اعتراض در دادسرا نیست.

نکته ۹: اما در دادگاه با توجه به اصل عدم قطعیت آرای دادگاه های کیفری، قرار ترک تعقیب در صورتی که مجازات قانونی جرم ارتكابی مشمول بند الف یا ب ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ بشود، قطعی است و الا غیرقطعی است.

نکته ۱۰: مطابق ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ اصل بر قطعیت آرای دادگاه های کیفری دو و دادگاه انقلاب است مگر الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارض، در صورتی که میزان یا جمع آن ها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد. البته در متن ماده صراحتاً دادگاه کیفری دو یا انقلاب قید نشده اما آراء دادگاه کیفری یک هم قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان نیست چه اینکه از جمع مواد ۳۰۲ و ۴۲۸ و ۲۹۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ به این نتیجه می رسیم که آراء کیفری یک یا آرای که دادگاه انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی می کنند فقط قابل فرجام هستند.

نکته ۱۱: در مورد مجازات های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است. یعنی اگر به جای مجازات حبس قاضی اقدام به صدور محکومیت به مجازات جایگزین نماید ملاک تجدیدنظر همان مجازات قانونی حبس است نه جایگزین حبس.

نکته ۱۲: آرای قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. توجه داشته باشید این قسمت از تبصره ماده ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در مورد قابلیت تجدیدنظر از قرار اناطه دادگاه است که سابقاً طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مستقلاً غیرقطعی بود.

نکته ۱۳: قرار رد درخواست و اخواهی یا تجدیدنظرخواهی، نیز در صورتی که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

نکته ۱۴: و یک نوآوری در قانون جدید: مطابق ماده ۴۲۹ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ «در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارض یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است.» تجدیدنظر تبعی در مورد دیه و ارض غلط و لکن نوآوری است.

نکته ۱۵: در صورت توافق طرفین مبنی بر اسقاط حق تجدیدنظر یا فرجام دیگر تجدیدنظر یا فرجام آن ها جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی، مسموع نیست.

۱۱۰. گزینه ۴ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تعریف قانونی جرائم منافی عفت»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا برخلاف تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ الحاقی ۱۳۹۴ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ الحاقی ۱۳۹۴ است.

ج) گزینه ۳ نادرست است زیرا برخلاف تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ الحاقی ۱۳۹۴ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا برگرفته از تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ الحاقی ۱۳۹۴ است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: به گزینه ۲ دوباره و در شرایط بدون استرس آزمون نگاه کنید. «جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند مساحقه و تفخیز» آیا مساحقه و تفخیز حدی هستند یا تعزیری؟ پاسخ اشتباه شما یعنی شما سؤال و گزینه ها را نخوانده یا درست نفهمیده و بدتر آن که شاید متن گزینه ها را به دقت و درست ندیده اید.

نکته ۲: گزینه ۳ را هم دوباره ببینید. آیا تقبیل و مضاحقه حدی هستند؟

نکته ۳: اگر شما تبصره الحاقی ماده ۳۰۶ مصوب ۹۴/۳/۲۴ را هم ندیده باشید با توجه به دانسته های خود از حقوق جزا باید به این سوال پاسخ درست می دادید. «محشای من» به شما این امکان را می دهد که شبکه داده های آیین دادرسی کیفری خود را به شبکه داده های قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین و مقررات مربوط متصل و تسلط خود را روز بروز زیاد و زیاده تر کنید. (سطح پرسش: ساده)

قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش: «این مع العسر یسراً فان مع العسر یسراً» در همان حال که برای موفقیت در آزمون وکالت ۹۵ تلاش می کنید، درواقع دارید یک به یک خشت های برج موفقیت خود را روی هم قرار می دهید و قبولی در آزمون، آخرین خشت آن برج است. موفق باشید.

۱۱۱. گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: اصلاح ماده ۶۶ و حذف حق تجدیدنظرخواهی سازمان های مردم نهاد»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها

الف) گزینه ۱ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۴۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۳۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق متن ماده ۳۳۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: مکرراً در سال گذشت به داوطلبان تذکر داده شد که مواد اصلاحی ق.آ.د.ک. ۹۲ به نسبت دیگر مواد از احتمال طرح سوال بیشتری برخوردارند. تحقق این

پیش بینی را در سوالات ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷ و ۱۰۸ از مون وکالت ۹۴ ملاحظه نمودید یعنی یک پنجم از سوالات از این مواد اصلاحی بود. علیرغم اینکه تعداد مواد اصلاحیه قانون (۳۶) به کل قانون (۶۹۹) بدون احتساب تبصره ای قانون و مقررات خاص، حدود یک نوزدهم است.

**نکته ۲:** نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری جدید در زمینه موسسات مردم نهاد و پذیرش شکایت آنها در ماده ۶۶ آمده است. ماده ۶۶ اصلاحی و تبصره های آن را به همراه مواد ۴۳۳ و مواد مذکور در قسمت تحلیل سریع مطالعه و محشای ماده ۴۳۳ را اصلاح یا تکمیل کنید.

**نکته ۳:** موارد مذکور در ماده ۶۶ اگرچه گستره وسیعی دارند ولی با توجه به موارد ماده و تبصره ۳ آن که بیان نموده اسامی این موسسات هر سال اعلام می گردد، انحصاری است. و آن این است: «**فحش از ابن مطلب = سم**» است. تشریح این رموز که قدرت تسلط به مواد قانونی را می دهد در کلاس ها بیان می شود.

**نکته ۴:** این موسسات با شرایط خاص مقرر در این ماده و تبصره های آن، می توانند هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرایم غیر قابل گذشت در محدوده فعالیت قید شده در اساسنامه خود به عنوان شاکی ورود پیدا کنند و حتی در مرحله رسیدگی شرکت کنند اما با اصلاحات انجام شده در سال ۱۳۹۴، دیگر نمی توانند به حکم مراجع قضایی اعتراض نمایند.

**نکته ۵:** در جرائمی که بزه دیده خصوصی داشته باشد حسب مورد جلب رضایت بزه دیده، ولی یا قیم وی و یا مواردی که خود ولی مرتکب جرم شده، رضایت قیم اتفاقی یا تایید دادستان جهت ارائه کمک و تعقیب ضروری است. لذا گزینه یک که قید نموده با رعایت شرایط قانونی صحیح است.

**نکته ۶:** گزارشهایی که فاقد هویت گزارش دهنده هستند مطلقاً رد نمی شود و چنانچه مقرون به یک ی از شرایط زیر باشد برای شروع به تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم کافی هستند:

الف: دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است.

ب: همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم کفایت می کند. لذا اطلاق گزینه ۲ صحیح نیست. (ماده ۶۷)

**نکته ۷:** برای شروع به تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم در جرائمی که شاکی خصوصی دارد موارد زیر حائز اهمیت است.

۱. نگاه قانونگذار تا حد توان استفاده از اوراق متحدالشکل برای طرح شکایت است. اگر چه باز هم عدم استفاده از این اوراق مانع استماع شکایت نیست.

۲. اصل بر کتبی بودن شکایت است چه اینکه حتی اگر شکایت نزد دادستان شفاهی هم باشد باید در صورت مجلس قید شود. (مواد ۶۹ و ۶۸)

**نکته ۹:** برای طرح شکایت کیفری شاکی باید اهلیت داشته باشد یعنی محجور نباشد که شامل غیر رشید، سفیه صغیر و مجنون می شود.

**نکته ۱۰:** محدودیت سفیه در طرح شکایت کیفری شامل قسمت مالی دعوای کیفری است بدین معنا که اگر جرمی نتیجه آن امر مالی باشد مثل دیه طرح شکایت از جانب خود سفیه پذیرفته نمی شود و یا اگر جرمی واجد دو جنبه مالی و غیر مالی باشد صرفاً در قسمت غیر مالی آن رسیدگی می شود و قبول شکایت سفیه منوط به رعایت شرایط ماده ۷۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در صورت عدم وجود قیم است.

**نکته ۱۱:** حال وقت آن فرا رسیده که مواد ۶۶ تا ۷۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ را مجدداً و با دقت مرور کنید. زیرا در دو سوال گذشته هر سال یک سوال از مبحث مربوط به شروع به تعقیب دعوای عمومی طرح شده است. سوال ۱۱۱ آزمون وکالت ۹۴ از همین مبحث آمده است. (سطح پرسش: متوسط)

**قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش:** تأثیر یکبار یادداشت کردن در به حافظه سپردن مطالب و یادگیری آنها، برابر با ۷۰ بار خواندن همان مطالب است. «**محشای من**» را جدی بگیرید. برای آشنایی با محشای من و نحوه تنظیم آن باید در امایش های موسسه شرکت یا فایل آن را دانلود کنید. برای آشنایی بیشتر با یکی از نمایندگی های موسسه تماس بگیرید یا به سایت دادستان رجوع کنید.

**۱۱۲. گزینه ۱ پاسخ است.** «موضوع اصلی پرسش: شناسایی مقامات قضایی دیوان عالی کشور»

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها**

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا برخلاف مواد ۴۶۲ و ۴۶۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست.

ب) گزینه ۲ درست است زیرا مطابق مواد ۴۲۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا موافق متن ماده ۴۶۷ و ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق ماده ۴۶۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست.

**قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:**

**نکته ۱:** بحث وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری نیز سهم مهمی در آزمون وکالت دارد و بعد از صلاحیت و قرارها، بیشترین سوالات از این مبحث طرح می شود. در آزمون وکالت امسال نیز سوالات ۱۰۲ و ۱۰۷ و ۱۱۶ مربوط به این بحث بود.

**نکته ۲:** پست یا مقام رئیس شعبه در همه دادگاه های بدوی اعم از یک نفره و سه نفره و دادگاه های تجدیدنظر و دیوان عالی وجود دارد و بنابراین در همه آنها مشترک است.

**نکته ۳:** دادرس علی البدل اصولاً مخصوص دادگاه های بدوی یک نفره است اما در دادگاه های بدوی سه نفره هم به تصریح تبصره ۲ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادرس علی البدل می تواند جانشین رئیس یا مستشار شود.

**نکته ۴:** مستشار هم اصولاً مخصوص مراجع قضایی سه نفره اعم از درجه یک یا بدوی و درجه دو است اما به تصریح مقنن در ماده ۲۹۷ در دادگاه های بدوی یک نفره هم وجود دارد.

**نکته ۵:** عضو معاون (م ۴۶۳) و عضو ممیز که همان مستشار یا عضو معاون دیوان عالی است که به دستور رئیس شعبه مأمور تهیه گزارش پرونده می شود (۴۶۷) و (۴۶۹) فقط و فقط مخصوص دیوان عالی کشور است.

**نکته ۶:** مستشار تجدیدنظر استان می تواند در دادگاه های بدوی کار کند اما قضات دادگاه های بدوی اعم از رئیس و دادرسی علی البدل و مستشار نمی توانند در دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کار کنند.

**نکته ۷:** تمام مقامات فوق الذکر در دادسرا وجود ندارد. در دادسرا مقام تحقیق داریم که بازپرس است (م ۸۹) و مقام تعقیب که دادستان و معاون و دادیار است. (م ۸۸)

**نکته ۸:** درک سمت های قضایی مستلزم اشنایی به چارت قضایی کشور ماست که در کلاس به آن می پردازیم. (سطح پرسش: ساده)

**قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش:** مطمئن باشید با آورده را باد می برد. این فکر غلط است که داوطلب می تواند با قرص و آمپول هایی که انتظار می رود مؤسسات آموزشی به او ارایه بدهد، بدون تلاش برای استفاده بهینه از آن ها برای مداوای نقاط ضعف و آسیب پذیر خود و تقویت مفاهیم و مهارت خود، در آزمون وکالت موفق شود. داشتن قرص و آمپول مهم نیست، مهم آن است که بدانیم هر دارویی را کجا و برای چه مشکلی باید بکار ببریم. این خاصیت که ما آن را مرحله تسلط به قانون می نامیم، فقط به مدد مطالعه حقوق به «روش شبکه ای» محقق می شود که از امتیازات اختصاصی این موسسه است.

**۱۱۳. گزینه ۴ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تعدد اتهام با صلاحیت ذاتی یکسان»**

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها**

(الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا خلاف متن ماده ۳۱۳ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

(ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا خلاف متن ماده ۳۱۳ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

(ج) گزینه ۳ نادرست است زیرا خلاف متن ماده ۳۱۳ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

(د) گزینه ۴ درست است زیرا موافق متن ماده ۳۱۳ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** در آزمون وکالت در قسمت صلاحیت درس آیین دادرسی کیفری معمولاً یک یا چند سوال طرح می شود. در آخرین آزمون وکالت بر اساس قانون سابق ۹ سوال از ۲۰ سوال یعنی ۴۵ درصد سوالات از صلاحیت بود. سال قبل ۴ سال و امسال هم سوالات ۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ از بحث صلاحیت بود. مطمئن باشید در آزمون وکالت ۹۵ تعداد سوالات صلاحیت کیفری اگر بیشتر از این شش سوال نشود، کمتر هم نخواهد بود و این یعنی یک سوم سوالات.

**نکته ۲:** در این سوال آدم ربایی که ۵ تا ۱۵ سال حبس در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. دارد، جرم اهم و کلید حل سوال است.

**نکته ۳:** نکات ۸۸ تا ۹۵ سوال ۱۲۰ را در این خصوص مطالعه کنید. جهت دسترسی به فایل مربوط به سایت یا انتشارات موسسه مراجعه کنید. (سطح پرسش: دشوار)

**قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش:** از امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: به آن چه که امید نداری امیدوار باش تا به چیزی که امیدوار آن هستی.

موسی بن عمران (علیه السلام) از نزد اهلش بیرون شد تا برای آن ها آتش فراهم سازد در اثر این کار خداوند با او سخن گفت و به عنوان پیامبری به نزد اهلش برگشت و ملکه سبا از خانه اش بیرون شد و در نتیجه در دست سلیمان (علیه السلام) مسلمان شد و جادوگران فرعون برای عزت و غلبه فرعون دست بکار شد ولیکن سرانجام از او دست برداشتند و مؤمن شدند.

**۱۱۴. گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: شناسایی تشکیلات دادگاه های کیفری و ویژه روحانیت»**

**قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها**

(الف) گزینه ۱ درست است زیرا موافق متن ماده ۲۹۴ و ۲۹۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

(ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف ماده ۹ آ.و.ر است.

(ج) گزینه ۳ درست است زیرا موافق متن ماده ۲۹۴ و ۲۹۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

(د) گزینه ۴ درست است زیرا موافق متن ماده ۲۹۴ و ۵۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش: دادگاه ویژه روحانیت مصداق «دادگاه های کیفری» ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست و فقط در ۱۱ مرکز استان تشکیل می شود.

**قسمت سوم:** مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه دادستان در خصوص موضوع این سؤال:

**نکته ۱:** مصداق دادگاه های کیفری در ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. دادگاه ویژه روحانیت جزء آنها نیست.

**نکته ۲:** در ماده ۹ آ.و.ر حوزه صلاحیت محلی، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به ۱۱ حوزه چند استانی تقسیم شده است. لذا این مراجع فقط در ۱۱ شهرستان مرکز استان مستقر هستند نه در ۳۲ مرکز استان.

**نکته ۳:** هر ساله از مقررات خاص یک یا دو سوال داریم و معمولاً یا از صلاحیت های خاص دادگاه انقلاب در قانون قاچاق کالا و ارز و رابطه آن با سازمان تعزیرات است یا آیین نامه ویژه روحانیت. در آزمون ۹۳ از آ.و.ر و امسال از قانون قاچاق کالا و ارز دو سوال طرح شده است. این دو مقرر را باید جدی بگیرید. (سطح پرسش: ساده)

**قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش:** وقتی به خودتان اعتماد و به درستی کار و هدفتون اعتقاد دارید، دیگه مهم نیست بقیه چی فکر بکنند یا چی بگویند. مهم شماست که باید با عزم راسخ آن کار درست را در راستای دستیابی به هدف درستان انجام دهید. به همین سادگی و این رمز مهمی در موفقیت شماست. موفق باشید.

**۱۱۵. گزینه ۱ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: نظارت استانی دادستان شهرستان مرکز استان»**



### قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ درست است زیرا مطابق متن ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: در دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اطفال و نوجوانان، دادرسی عمومی و انقلاب داریم که شهرستانی است و دادرسی استانی نداریم. اما دادرسی نظامی استانی و دادرسی ویژه روحانیت چند استانی و دادرسی دیوان عالی کشور، کشوری است. باین‌حال، دادستان شهرستان‌های مرکز استان، وظایف استانی دارد.

**قسمت سوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ را دوباره به دقت بخوانید. دادستان شهرستان مرکز استان، دادستان استان نیست و نظارت بر دادرسی‌های استان هم دیگر بر عهده رئیس کل دادگستری استان نیست. مشابه ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ در تبصره ۱ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مورد نظارت استانی دادستان نظامی آمده است.

**نکته ۲:** دادستان‌های عمومی و انقلاب در سراسر کشور، که در شهرستان‌ها مستقرند، دادستان شهرستان هستند. (ماده ۲۲ و ۲۷ ق.آ.د.ک. ۹۲)

**نکته ۳:** دادستان‌های نظامی، دادستان‌های استان هستند چون صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، استانی است. ماده ۵۷۸ و دو تبصره اول آن را مرور می‌کنیم: «در مرکز هر استان، سازمان قضائی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادرسی نظامی ناحیه تشکیل می‌شود. حوزه قضائی دادرسی نظامی نواحی به تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۱- دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادرسی نظامی ناحیه از حیث وظایفی که برعهده دارند، نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

تبصره ۲- رئیس دادرسی نظامی ناحیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است، علاوه بر نظارت قضائی، بر امور اداری نیز ریاست دارد. »

**نکته ۴:** اگرچه دادرسی نظامی ناحیه، در برخی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود، اما رئیس آن دادستان نظامی استان نیست، بلکه معاون اوست.

**نکته ۵:** دادستان ویژه روحانیت، دادستان چند استانی است چون صلاحیت آن دادسرا در ماده ۹ آور. به ۱۱ حوزه چند استانی تقسیم شده است.

**نکته ۶:** طبق مواد ۲۸۸ تا ۲۹۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ صلاحیت دادستان کل کشور، کل کشور است. (سطح پرسش: ساده)

**قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش:** تحسین مخلوق به خاطر ویژگی‌های خوبی که دارد و شکر خالق به خاطر نعمت‌هایی که به او بخشیده، فراموش نشود. این دو اقدام نیز اعتماد به نفس شما را با توکل به مبدأ و معاد عزت و لطف و رحمت لایزال روزافزون می‌کند.

۱۱۶. گزینه ۳ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: جهات رد دادرسی»

### قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ و رای وحدت رویه ۵۱۷ دیوان عالی کشور است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا مطابق متن ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: برخلاف قرار جلب به دادرسی دادسرا که یک اظهار نظر ماهوی است، قرار جلب به دادرسی دادگاه یک تصمیم شکلی است دال بر نقض قرار منع تعقیب دادسرا و دستور ارسال پرونده برای رسیدگی ماهوی به دادگاه. در واقع دارای آثار کیفرخواست و جایگزین آن است.

**قسمت سوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** توضیحات کامل در خصوص این سوال در نکات ۲۶ تا ۴۰ درس نامه سوال ۱۲۰ نکته ای موسسه آمده است. شما می‌توانید این سوال را از انتشارات موسسه یا سایت موسسه دریافت کنید. آنها را چندبار مرور کنید. (سطح پرسش: ساده)

۱۱۷. گزینه ۱ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تشریفات احضار متهم در دادسرا»

### قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا طبق ماده ۱۷۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ این فرصت حداقل ۵ روز است نه سه روز.

ب) گزینه ۲ درست است زیرا موافق متن ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا موافق متن ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا موافق متن ماده ۱۷۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

**قسمت دوم:** نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

**نکته ۱:** مقررات احضار در مواد ۱۶۸ تا ۱۷۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است.

**نکته ۲:** احضار متهم در قانون جدید به سه طریق ممکن است که عبارتند از:

۱) احضار به کتبی دو نسخه ای (ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲)

۲) احضار از طریق نشر آگهی (ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲)

۳) احضار از طریق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی (ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲)

نکته ۳: علاوه بر برگ جلب، طبق ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ احضاریه متهم باید به امضای بازپرس یا دیگر مقامات قضایی احضار کننده متهم برسد. این تکلیف در مورد احضار دیگر افراد مانند شاکی، شهود و کارشناس و غیره وجود ندارد.

نکته ۴: در ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ بر خلاف ماده ۱۱۴ قانون سابق در مورد اشخاص بیسواد، نیازی به ابلاغ اوراق قضایی در حضور دو شاهد نیست.

نکته ۵: با مطالعه و مقایسه این مواد، سایر نکات را به محشای من منتقل کنید. (سطح سوال: متوسط)

قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش: لیاقت هر داوطلب پرتلاش بهترین نتایج است. پس هیچ گاه نگذارید به آن درجه از ناامیدی برسید که به خیلی کمتر از آنچه لیاقت دارید رضایت دهید.

۱۱۸. گزینه ۳ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تفاوت نپذیرفتن کفیل متهم با وثیقه ارایه شده متهم»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ نادرست است زیرا موافق متن ماده ۲۲۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست. در هیچ موردی نظر بازپرس برای دادستان الزامی نیست.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا موافق متن ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ مربوط به نپذیرفتن کفالت است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا موافق متن ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ نادرست است زیرا موافق متن ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ نیست.

قسمت دوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: پرسش از ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ است. مهمترین مواد قانون آیین دادرسی کیفری مواد ۲۱۷ تا ۳۱۷ آن است. در بین این مواد بحث قراردادهای تامین و قراردادهای نهایی و صلاحیت آمده است که تقریباً نیمی از سوالات آزمون وکالت ۹۴ از این مواد است. از مبحث قراردادهای تامین سوال ۱۰۹ و ۱۱۵ طرح شده است.

نکته ۲: ماده ۲۶۹ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ دو قاعده بسیار مهم و پرکاربرد در قانون جدید است. یکی اینکه در همه موارد، اصل را بر استقلال بازپرس نسبت به دادستان و عدم لزوم تبعیت بازپرس از دادستان و حق بازپرس به اصرار بر نظر خود و اختلاف با دادستان را دارد. دیگر اینکه در هیچ حالتی در قانون دادستان مکلف به تبعیت از نظر بازپرس نیست.

نکته ۳: اما در مواردی که مربوط به اختیارات قضایی بازپرس نیست و موضوع، اداری است مانند ارجاع پرونده به بازپرس به طور کامل یا ناقص برای تحقیقات، رفع نقص تحقیقات، امور اداری مانند حضور و غیاب و تصدی بلا تصدی و امثال آن‌ها، نظر دادستان بر بازپرس الزامی است و بازپرس نمی‌تواند درباره ارجاع پرونده، نحوه تحقیقات و رفع نقص آن، با دادستان مخالفت کند.

نکته ۴: همچنین به طور کلی هر جا در قانون گفته شده بازپرس با موافقت دادستان دست به اقدامی می‌تواند بزند، اگرچه این به معنی لزوم تبعیت بازپرس از دادستان نیست اما مفهوم آن این است که بدون موافقت دادستان، در عمل بازپرس نمی‌تواند آن اقدام مورد تقاضا را انجام بدهد. از جمله ماده ۹۶ و ۱۰۴ و ۱۲۲. در این سه ماده یا موافقت دادستان اخذ و اقدام می‌شود یا بدون موافقت وی اقدام نمی‌شود و از شمول ماده ۲۹۶ و اختلاف و حل اختلاف خارج است.

نکته ۵: طبق یک قاعده در دکتربین، در مواردی که مربوط به حقوق دفاعی متهم است و نظر مقام تحقیق به ضرر متهم و نظر مقام تعقیب به نفع متهم است، بازپرس مکلف به تبعیت است زیرا مقام تعقیب که خود مکلف به تعقیب متهم است، نظر به نفع متهم دارد و بازپرس که قاضی بیطرف است، به طریق اولی باید نظر به نفع متهم داشته باشد.

نکته ۶: یکی از مصادیق این قاعده، ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که بازپرس مخالف ملائت کفیل و قبول کفالت وی است اما دادستان اگر مخالفت کرد، یعنی نظر بر قبول کفالت کفیل داشته باشد، بازپرس مکلف به تبعیت از دادستان است. بنابراین از موارد حل اختلاف دادستان و بازپرس نمی‌باشد.

نکته ۷: متأسفانه بر خلاف قانون سابق، در مورد بازداشت موقت مقنن در ماده ۲۴۰ و ۲۴۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲، درست عکس این قاعده رفتار کرده است و این نقض قواعد است که یادگیری آیین دادرسی کیفری را دشوار می‌سازد. به هر حال چاره‌ای جز تحمل این نوع قانونگذاری نداریم و باید از آزمون وکالت به سلامتی عبور کنیم.

نکته ۸: حق اعتراض به عدم قبولی کفیل یا وثیقه مطابق ماده ۲۳۶ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ با متهم است نه کفیل.

نکته ۹: برخلاف درجات تعزیر در ماده ۱۹ که مجازات درجه ۱ شدیدترین است در ماده ۱۳ قانون نحوه نظارت بر رفتار قضات؛ مجازاتهای انتظامی قضات ۱۳ درجه‌است که درجه ۱۳ شدیدترین است و برعکس قانون مجازات است.

نکته ۱۰: در دو مورد مقنن شدیدترین مجازاتهای انتظامی را به قضات تذکر داده و هر دو مربوط به تامین است. یکی ماده ۲۲۲ در مورد نپذیرفتن بی دلیل وثیقه و دیگری در ماده ۲۵۰ در مورد صدور قرار تامین نامتناسب. با مطالعه و مقایسه این مواد، سایر نکات را در این خصوص به محشای من منتقل کنید. (سطح پرسش: متوسط)

قسمت سوم: تحلیل روانی پرسش: با خودتان مثل دایه مهربان‌تر از مادر باشید که اگر زمین خوردید دست شما را می‌گیرد و بلندتان می‌کند نه تنبیه و سرزنش. بدترین کار در هنگام شکست و اشتباه که ذاتی انسان‌هاست، «دستگیری خودتان» است بجای «دستگیری از خودتان». آیا می‌دانید میانگین کشوری پاسخ گویی برتران داوطلبان دادستان به سوالات آیین دادرسی کیفری در آزمون‌های مفهومی-مهارتی موسسه ۴۰ درصد و در آزمون اصلی وکالت بالای ۸۰ درصد بوده است؟ بنظر یکی از رموز موفقیتشان، همین «دست گیری» از خودشان با ترمیم نقاط ضعفشان بوده است. این طور نیست!

۱۱۹. گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه‌های نظامی»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ درست است زیرا مطابق متن ماده ۵۷۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ب) گزینه ۲ نادرست است زیرا برخلاف متن ماده ۵۷۵ و ۵۷۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

ج) گزینه ۳ درست است زیرا مطابق متن تبصره ۲ ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ است.

د) گزینه ۴ درست است زیرا مطابق متن ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ است

قسمت دوم: نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: در قانون جدید، هیچ‌کس از دادن دادخواست ضرر و زیان و پرداخت هزینه دادرسی دعوی ضرر و زیان در دادگاه کیفری بدوی معاف نیست جز یگان متضرر از جرم آن‌هم در دادگاه نظامی. لذا گزینه دو نادرست است. موارد معافیت از دادن دادخواست یا پرداخت هزینه تجدیدنظر ویا فرجام خواهی در مواد ۴۳۶ تا ۴۳۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ را با این مورد اشتباه نگیرید.

قسمت سوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: مقررات مربوط به دعوی عمومی و خصوصی ناشی از جرم همواره یکی از سوالات آزمون وکالت را به خود اختصاص داده اند. این مقررات در مواد ۸ تا ۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مورد دادگاه‌های غیرنظامی و در دو ماده ۵۷۵ و ۵۷۶ در مورد دادگاه‌های نظامی متمرکز شده اند. امسال نیز سوال ۱۰۳ آزمون وکالت از این میحث طرح شده است. برای «تطبیق مستند» کافی است ۵ آزمون جامع آخر داداستان را ببینید و اگر دسترسی ندارید به قسمت پنجم این سوال مراجعه کنید که متضمن مهمترین نکات صلاحیت‌های جرایم مذکور در قوانین خاص در دادگاه انقلاب است.

نکته ۲: هنگام مطالعه مواد ۸ تا ۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مورد دعوی عمومی و خصوصی ناشی از جرم باید مواد ۵۷۵ تا ۵۷۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ را هم مطالعه و به موارد اختلاف آن‌ها خوب توجه کنید. همچنین باید بدانید مواد ۸ تا ۲۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ در دادرسی نیروهای مسلح نیز وفق ماده ۵۶۸ و ۶۴۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ لازم‌الرعایه هستند.

نکته ۳: هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، (۱) یگان مربوط مکلف است تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. (۲) مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است (۳) اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی از سوی آن یگان متضرر ندارد. به سه نکته بالا که از ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ گرفته شده است، خوب دقت کنید.

نکته ۴: برای عدم انجام تکلیف تقدیم دادخواست ضرر و زیان در ماده ۵۷۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ مجازات کیفری انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته شده است که به حکم دادگاه نظامی تعیین می‌شود. پس یعنی یک مجازات است.

نکته ۵: مطابق ماده ۵۷۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ «رسیدگی به دعوی خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.» این امر با توجه به ماده قبل آن که فقط یگان نظامی را از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌کند به این معناست که افراد مذکور در این ماده مکلف به پرداخت هزینه دادرسی هستند.

نکته ۶: طبق تبصره ۲ ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲: «یگان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست.»

نکته ۷: طبق تبصره ۱ ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ دعوی اعسار از پرداخت محکوم به ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه‌های نظامی، باید به طرفیت یگان محکوم له دعوی اصلی اقامه شود نه مثلاً سپاه یا ارتش به صورت کلی.

قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش: قدر لحظه‌ها را بدان زمانی می‌رسد که تو دیگر قادر نیستی بگویی "جبران می‌کنم" ما شیعیان همان مولایی هستیم که می‌فرماید: «فرصت به مانند ابر گذرا می‌گذرد، پس فرصت‌های نیک را غنیمت دانید»

قسمت پنجم: مرور برخی نکات مهم سابق آزمون‌های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال (ویرایش شده با اصلاحات جدید قانون):

نکته ۱: طبق ماده ۱۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکي» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.»

نکته ۲: طبق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکي یا مدعی خصوصی است.»

نکته ۳: طبق ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «شاکي می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.» در تبصره ۱ و ۲ این ماده زیان معنوی و منافع ممکن‌الحصول تعریف شده‌اند. تبصره ۲ این ماده می‌گوید: «منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.»

نکته ۴: طبق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «پس از آن‌که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.»

نکته ۵: طبق ماده ۱۶ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن‌که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه

کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.»

نکته ۶: «ختم تحقیقات» مخصوص دادرسی بوده و اصولاً دادرسی مجاز به رسیدگی دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم نمی باشد.

نکته ۷: منظور از «ختم دادرسی یا رسیدگی» همان ختم رسیدگی دادگاه بدوی است.

نکته ۸: رأی وحدت رویه ۶۴۹ مورخ ۷۹/۷/۵ که در حال حاضر متن ماده ۲۰ قانون جدید نیز بیان نموده «سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.»

نکته ۹: یکی از نوآوری های قانون جدید اختصاص ماده ای در خصوص رد مال جرائم است این امر در ماده ۱۹ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ بدین شرح است: «دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

تبصره- در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.»

نکته ۹ مکرر: وجود ماده مذکور در قسمت فصل دعوای عمومی و خصوصی نباید ما را به این اشتباه سوق دهد که دادگاه در تمامی جرائم می تواند حکم به رد مال بدهد. موارد رد مال در هریک از جرائم موردنظر قانون گذار مثل سرقت و کلاهبرداری به صراحت قید شده است. لذا در متن ماده نیز صرفاً تکلیف دادگاه را محدود می کند به «در مواردی» که معنای آن همان موارد قانونی است.

نکته ۱۰: البته طبق ماده ۲۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ دادگاه در کلیه جرایم در مورد ۴ دسته از اموال باید تعیین تکلیف در حد استرداد به مالک یا ضبط به نفع دولت یا معدوم شدن آن را بنماید. این ماده می گوید: «..... در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید. ...» مورد سؤال مشمول این ماده است.

نکته ۱۱: رد مال ناشی از جرم؛ نیاز به دادخواست و هزینه دادرسی ندارد و با درخواست کتبی یا شفاهی شاکی خصوصی در مواردی که قانون مقرر بدارد، دادگاه مذکور باید حکم به رد عین مال بدهد.

نکته ۱۲: توجه داشته باشید در خصوص رد مال نیز در جرائمی که قانون گذار رد مال را نیز به عنوان قسمتی از حکم در نظر گرفته، وجود عین مال در ید متهم حین دستگیری طبق ماده ۲۱۴ و ۲۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ شرط است و چنانچه به هر دلیلی قبل از دستگیری از ید متهم خارج شده باشد حکم به رد مال صحیح نبوده و مدعی باید در این خصوص ضمن طرح پرونده کیفری دادخواست ضرر و زیان نیز بدهد.

نکته ۱۳: این نکته بسیار مهم است و دکتر خالقی نیز در کتاب خود به درستی این امر را متذکر شده اند، هرچند اکثریت رویه قضایی خلاف نظر ایشان عمل می کند. و تفاوتی بین وجود یا عدم آن در ید متهم نمی گذارد اما پاسخ درست آزمون وکالت، در چنین مواردی نظر دکتر خالقی است. ایشان در کتاب خود تحت عنوان «رد مال تحصیل شده از جرم» بیان نموده است: «بنابراین در صورتی که مال تحصیل شده در اثر ارتکاب جرم کشف نگردیده باشد، اعم از اینکه پس از ارتکاب جرم به دیگری فروخته شده ... و یا مال تلف شده باشد و یا مرتکب از اعلام محل مخفی نمودن آن خودداری ورزد؛ و یا حتی مال مزبور کشف ولی بعداً تلف گردیده باشد، حکم مندرج در ماده ۲۱۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ قابل اجراء نبوده و شاکی خصوصی باید به استناد سایر مواد قانونی [ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲]، مالی را که در اثر ارتکاب جرم از دست داده است، مطالبه کند. اگر مال مزبور پس از کشف به هر دلیل مفقود و یا تلف شود، دادگاه حکم به رد آن یا پرداخت مثل یا قیمت به مال باخته نخواهد داد.»

نکته ۱۴: پس مهم ترین شرط تکلیف دادگاه به صدور حکم به رد مال، کشف عین مال در ید متهم در جریان تحقیقات و رسیدگی است و لاغیر. در سایر موارد باید شاکی دادخواست مطالبه مال خود را بدهد.

نکته ۱۵: مهلت طرح دادخواست ضرر و زیان حسب ماده ۱۵ «تا زمان اعلام ختم دادرسی در اولین مرحله رسیدگی در دادگاه بدوی» است.

نکته ۱۶: با توجه به اینکه اصل در مسئولیت بر تساوی است و مسئولیت تضامنی خلاف اصل و محتاج دلیل است، تا قانون تصریحی بر مسئولیت تضامنی مانند ماده ۱۹ قانون صدور چک نکند، مسئولیت شرکای جرم در رد مال، مساوی یا نسبی یا بالمناصفه است. البته در جزای نقدی، هر کس باید جزای نقدی مورد حکم خود را بپردازد و این امر تابع رأی دادگاه است و ممکن است جزای نقدی شرکای جرم متفاوت باشد. اما رد مال، کلاً بالمناصفه خواهد بود و سهم شرکای جرم یکسان است. سایر نکات در سؤال بعدی می آید

نکته ۱۷: مراد از رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی جهت مطالبه خسارات مدعی خصوصی در ماده ۱۵ ق آ د ک ۱۳۹۲، تقدیم دادخواست کامل و ضمایم و پرداخت هزینه دادرسی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در طرح و رسیدگی به آن دعوی حقوقی است. این امر استثنائاتی در مورد یگان نظامی متضرر از جرم دارد.

نکته ۱۸: تنها مواردی مانند سرقت و کلاهبرداری که قانون گذار علاوه بر رد مال، حکم به تعیین مجازات نموده است، نیازی به رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی نیست. اما در این موارد هم اصل مطالبه مال در عرض شکایت کیفری الزامی است. فقط نیازی نیست که در قالب دادخواست باشد.

نکته ۱۹: البته در این موارد نیز حکم به رد عین (ماده ۶۶۷ ق.م.ا.) نیاز به دادخواست ندارد. ولی مطالبه سایر خسارات وارده از جمله مطالبه مثل یا قیمت مال، به نظر درست دکتر خالقی، مستلزم تقدیم دادخواست.

نکته ۲۰: طبق ماده ۲۰ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «... اسقاط حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی شود.» عکس این مطلب هم درست است. یعنی اسقاط حقوق خصوصی یا عدم اقدام مدعی خصوصی برای احقاق حق خود، مانع از رسیدگی به دعوای عمومی ناشی از جرم نمی باشد. حتی در جرائم قابل گذشت، مثلاً تخريب، اسقاط حقوق خصوصی مثلاً استرداد دادخواست ضرر و زیان، سقوط دعوای عمومی ناشی از جرم تخريب را در پی ندارد.



نکته ۲۱: نکته جالب توجه در ماده ۱۶ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ امکان عدم پرداخت هزینه دادرسی مجدد در خصوص دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در صورت استرداد دعوی و طرح دعوی در دادگاه حقوقی یا کیفری است.

۱۲۰. گزینه ۴ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تشکیلات دادگاه انقلاب»

قسمت اول: تحلیل سریع گزینه‌ها

الف) گزینه ۱ با توجه به ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ درست است.

ب) گزینه ۲ با توجه به ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ درست است.

ج) گزینه ۳ با توجه به ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ درست است.

د) گزینه ۴ با توجه به تبصره ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ ناقص و نادرست است.

قسمت دوم: نکته‌ای درباره مهارت تست‌زنی در این پرسش: دادگاه انقلاب یک یعنی دادگاه انقلاب با تعدد قاضی ممد دادگاه کیفری یک است نه دادگاه انقلاب به‌طور مطلق. دادگاه انقلاب با وحدت قاضی یا انقلاب ۲ ممد کیفری دو است. این تست با رمز ممدشون!! به راحتی پاسخ داده می‌شود.

قسمت سوم: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: ماده ۲۹۷ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ یکی از مواد اصلاح‌شده قانون است و مواد اصلاحی به طراحان بیشتر چشمک می‌زنند. در آزمون وکالت ۱۳۹۴ نیز چند سوال از قسمت‌های اصلاحی قانون داده شده بود. سوال ۱۱۲ آزمون وکالت ۹۴ مربوط به تشکیلات و صلاحیت‌های دادگاه انقلاب نیز موضوع سوال ۱۲۰ آزمون امسال بود و هر دوی آنها بارها مورد سوال قرار گرفته بودند. برای «تطبیق مستند» کافی است ۵ آزمون جامع آخر داداستان را ببینید و اگر دسترسی ندارید به قسمت پنجم این سوال مراجعه کنید که متضمن مهمترین نکات صلاحیت‌های جرایم مذکور در قوانین خاص در دادگاه انقلاب است.

نکته ۲: دادگاه انقلاب هم اگرچه در قانون تصریح نشده است اما همانند دادگاه نظامی و کیفری یک و دو، به انقلاب یک و دو تقسیم می‌شود. منتهی مقنن از لفظ «انقلاب با تعدد قاضی» بجای انقلاب یک استفاده می‌کند و از «انقلاب با یک قاضی» بجای انقلاب دو استفاده کرده است. در این خصوص در کلاس‌ها و دوره‌های امهات توضیحات مفصل تری داده خواهد شد.

نکته ۳: در تبصره ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ مقنن تصریح می‌کند که از حیث صلاحیت و تشکیلات و نحوه رسیدگی و صدور رأی و اعتراض و مرجع اعتراض انقلاب یک، ممد کیفری یک است و مفهوم این تبصره هم آن است که انقلاب دو ممد کیفری دو است. (سطح پرسش: ساده)

قسمت چهارم: تحلیل روانی پرسش: از انجام دادن کارهایی که از عهده و توان خودتان خارج است، خودداری کنید. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون خواب و استراحت کافی به‌طور مداوم و ۲۴ ساعته مطالعه مفید داشته باشد. برنامه‌های سنگین درسی برای خودتان ننویسید که بعد مجبور بشوید وسط کار آن‌ها را رها کنید. این کار احساس بدی به شما می‌دهد. همیشه برنامه‌ای در حد ۹۰ درصد توانمندی‌تان بریزید که اضافه‌کاری ۱۰ درصدی احتمالی، انگیزه شما را مضاعف کند. این هم‌قدم پنجم خودباوری است.

قسمت پنجم: مرور برخی نکات مهم سابق آزمون‌های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال

نکته ۱: حسب ماده ۷۰۳ کتاب پنجم ق.ا.م. ۱۳۷۵ اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲ رسیدگی به جرم قاچاق مشروبات الکلی «در صلاحیت محاکم عمومی است.» این ماده به شرح نکته ۸ در این قسمت، منسوخ است.

نکته ۲: طبق ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ «کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر» در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته بود و در آخر مورد که در مورد دادگاه صالح حرفی زده نشده است؛ دادگاه انقلاب در مورد هر نوع جرم قاچاق از جمله قاچاق انسان (قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۴)، علی‌الاصول صالح بود اما الآن فقط به قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان و اسلحه و مهمات و اقلام تحت کنترل صالح است نه هر جرم قاچاق. صلاحیت دادگاه انقلاب در حال حاضر به شرح ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ است

نکته ۳: بنابراین الآن دیگر کلیه جرائم مربوط به قاچاق در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست مگر در قانون خاص مربوط تصریح کند. فهرست اقلام تحت کنترل در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰ آمده است.

نکته ۴: یکی از این مصادیق بند ت ماده ۳۰۳، در ماده ۲۲ و ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳ آمده است.

نکته ۵: طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳ مشروبات الکلی مصادقی از «کالاهای ممنوع» می‌باشند.

نکته ۶: طبق بند ث ماده ۱ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳: کالای ممنوع: کالایی است که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است.

نکته ۷: طبق ماده ۴۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳ که مهم‌ترین ماده این قانون در بحث صلاحیت است، رسیدگی به جرائمی از جمله قاچاق کالاهای ممنوع در صلاحیت دادگاه انقلاب است و سازمان تعزیرات اساساً صلاحیت رسیدگی به این جرائم را ندارد. لذا این ماده در قسمت قاچاق مشروبات الکلی ناسخ ماده ۷۰۳ کتاب پنجم ق.ا.م. ۱۳۷۵ است. اما در مورد حمل و نگهداری، کماکان دادگاه‌های عمومی که در حال حاضر طبق ماده ۲۹۴ به کیفری یک و دو تقسیم می‌شوند، صلاحیت رسیدگی دارند.

نکته ۸: با توجه به تعریف متفاوت ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۲۳ از قاچاق اسلحه به وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات از کشور و تعیین مجازات جداگانه برای قاچاق اسلحه و مهمات در ماده ۵ و اینکه برای نگهداری، حمل، خرید و تعمیر و غیره آن‌ها در دیگر مواد مجازات جداگانه در نظر گرفته شده است، باید بین صلاحیت دادگاه برای قاچاق اسلحه و حمل و نگهداری و غیره آن فرق قائل شد. لذا با توجه به ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ رسیدگی به جرم قاچاق اسلحه و مهمات در صلاحیت دادگاه انقلاب و رسیدگی به سایر جرائم مذکور در قانون موصوف از جمله حمل، خرید،

فروش، نگهداری، تعمیر و توزیع در صلاحیت دادگاه عمومی است که حسب نوع و میزان مجازات، دادگاه کیفری یک یا دو صالح خواهد بود. رأی وحدت رویه ۷۲۷ نیز همین را می گوید.

## "روانشناسی"

مرد جوانی درحال فارغ التحصیل شدن از دانشکده بود. ماه‌ها بود که ماشین اسپرت زیبایی، پشت شیشه یک نمایشگاه اتومبیل به شدت توجه‌اش را جلب کرده بود و از ته دل آرزو می کرد که روزی صاحب آن ماشین شود. او می دانست که پدر توانایی خرید آن را دارد، به همین خاطر از پدرش خواسته بود که برای هدیه فارغ التحصیلی، آن ماشین را برایش بخرد. بالاخره روز فارغ التحصیلی فرا رسید و پدرش او را به اتاق مطالعه خصوصی‌اش فرا خواند و به او گفت: من از داشتن پسر خوبی مثل تو بی نهایت مغرور و شاد هستم و تو را بیش از هر کس دیگری در دنیا دوست دارم. سپس یک جعبه به دست او داد. پسر، کنجکاو ولی ناامید، جعبه را گشود و در آن یک انجیل زیبا یافت که روی آن نامش طلاکوب شده بود. با عصبانیت فریادی برسر پدر کشید و گفت: با تمام مال و دارایی که داری، یک انجیل به من می دهی؟ کتاب مقدس را روی میز گذاشت و پدر را ترک کرد، سال‌ها گذشت و مرد جوان در کار و تجارت موفق شد. خانه‌ای زیبا و خانواده‌ای فوق العاده داشت. یک روز به این فکر افتاد که پدرش، حتماً خیلی پیر شده و باید سری به او بزند؛ از روز فارغ التحصیلی دیگر او را ندیده بود! اما قبل از اینکه اقدامی بکند، تلگرافی به دستش رسید که خبر فوت پدرش بود و حاکی از این بود که پدر تمامی اموال خود را به او بخشیده است. بنابراین لازم بود فوراً خود را به خانه پدرش برساند و به امور رسیدگی نماید. هنگامی که به خانه پدر رسید، در قلبش احساس غم و پشیمانی کرد... اوراق و کاغذهای مهم پدر را گشت و آنها را بررسی نمود و در آنجا، همان انجیل قدیمی را دوباره یافت. در حالی که اشک می ریخت، انجیل را باز کرد و صفحات آن را ورق زد و کلید یک ماشین را پشت جلد آن پیدا کرد. در کنار آن، یک برچسب با نام همان نمایشگاه که ماشین موردنظر او را داشت، وجود داشت. روی برچسب، تاریخ روز فارغ التحصیلی‌اش بود و پشت آن نوشته شده بود: تمام مبلغ پرداخت شده است.

نتیجه: چندبار در زندگی دعای خیر فرشتگان و جواب مناجات‌هایمان را از دست داده‌ایم، فقط برای اینکه به آن صورتی که انتظار داشتیم رخ نداده‌اند؟! دو نفر از پشت میله‌های زندان به بیرون نگاه می کنند؛ یکی گل و لای روی زمین را می بیند و دیگری ستارگان آسمان را

دنیس رابینز

## "طنزاد"

قاضی: به جرم سرقت شبانه به سه سال حبس محکوم می شوی.  
متهم: حضرت والا دفعه پیش که خدمتان بودم مرا به جرم سرقت در روز روشن به دو سال حبس محکوم فرمودید. لطفاً بفرمائید بالاخره من چه زمانی باید به کار و زندگی ام برسم؟!

## "دادسیما آنلاین"

حقوقدانان عزیز می توانید با عضویت در تلگرام به آدرس @dadestanenerji لبخند وانرژی را همواره در سطح عالی حفظ نمایید خط انرژی داداستان توسط اساتید و مشاورین باشگاه موفقیت داداستان مدیریت می شود.

آخرین اخبار و تازه ترین های حقوقی را با عضویت در کانال داداستان - دادسیما به آدرس تلگرام @tdadestan دریافت نمایید.

- به نقل از واحد آموزش آغاز کلاسهای ارشد گرایش خصوصی از تاریخ ۹۴/۹/۲۴ با درس مدنی شروع خواهد شد.
- شروع کلاسهای ارشد گرایش جزا از تاریخ ۹۴/۹/۳۰ با تدریس درس جزا آغاز خواهد شد.
- به نقل از کانال خبری داداستان به آدرس @tdadestan آقای محمد رضا صبور با معدل ۸۶/۵۳ و نمره کل ترازنهایی ۱۱۹۸۷ شرکت در آزمون و کلاسهای موسسه رتبه یک کل کشور در سال ۹۳ را کسب کرده اند.
- اساتید و مشاوران موسسه منتظرند که آیا رکورد تراز ایشان در سال ۹۴ شکسته می شود؟
- جهت مشاوره و کسب تجربیات مطالعاتی و علمی ایشان می توانید به واحد آموزش مراجعه نمایید.
- قابل ذکر است که مشاوره با دیگر قبول شدگان سال ۹۳ نیز میسر می باشد.
- معاونت منابع انسانی قوه قضاییه با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد: کارنامه مرحله اول (تستی) آزمون قضاوت ۹۴ از ۲۵ آذر ۱۳۹۴ منتشر می شود. مرحله تشریحی روز جمعه ۴ دی ۱۳۹۴ در شهرهای تهران و قم برگزار خواهد شد.
- نظریه های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه در روزنامه رسمی ۱۶ آذر ۱۳۹۴ به همراه مواد قانونی مرتبط با هر نظریه مشورتی در روزنامه رسمی منتشر شد.
- سازمان سنجش با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات آن منبع آزمون کارشناسی ارشد ۹۵ است گرایش های "حقوق هوایی" و "حقوق پزشکی" به علت عدم پذیرش دانشگاه ها در آزمون کارشناسی ارشد ۹۵ حذف شده اند
- قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۷ شهریور ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی منتشر شد.
- آزمون سردفتری ازدواج برگزار می شود(ویژه آقایان) ثبت نام از ۱۸ تا ۳۰ آذر ۱۳۹۴ برگزار خواهد شد.
- رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع قابلیت فرجام‌خواهی احکام اعدام متهمان به ارتکاب جرائم موادمخدر در دیوان عالی کشور منتشر شد.

➤ رئیس اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران اعلام کرد : نتایج آزمون وکالت حداکثر تا ۶ دی ماه ۱۳۹۴ اعلام میشود ظرف چند روز آینده کلید سوالات آزمون وکالت از سوی سازمان سنجش اعلام می شود.

## " تارد :تحریر آموزشی رتبه های داداستان "

یامن یکفی من کل شی

درو بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (عج) همرازان، هم نفسان درود و سلام تان باد.

سلام بر تو که خود را باور داری، سلام بر اندیشه توانای تو، سلام بر دستان خلاق و سازنده ات، سلام بر پای استوارت که تا انتهای ایستادگی ایستاده است؛ تو را می ستایم و دستان پرمهرت را می فشارم.

سلام دوستان داداستانی عزیز خداقوت واقعا شما بهترین هستین. دوست ندارم الکی دلداریتون بدم و غیر از واقعیت چیز دیگه ای بگم پس به حرفام اعتماد کنین و به تارد این هفته نگاه ویژه داشته باشین...

من اصلا اهل درس و دنبال هدف خاصی نبودم همیشه درس و دانشگاه رو بعنوان یه زنگ تفریح میدونستم ولی درمقابل دارای پدری زحمت کش که شبانه روز عرق ریخت و کار کرد تا من به موفقیت برسم. با اون سن و سال براش کارکردن سخت بود ولی با این وجود من اصلا درس نخوندم و دنبال دانشگاه دولتی هم نبودم ولی هزینه دانشگاه آزادمم داد تا من درس بخونم اما باز من طی دوران تحصیل درس نخوندم و با معدل ۱۴ فارغ التحصیل شدم ازدواج کردم تحت فشار بودم ازیه طرف طولانی شدن عقد و بیکاری و ازطرف دیگه بی نتیجه موندن زحمات پدرم و دیدن ناامیدی پدرم فشار روی من خیلی زیاد بودتا اینکه روی فشاراطرافیانم مجبور شدم درس بخونم و آزمون بدم سخت تر از همه این بود که پدرم به همه قول داد که من قبول میشم حالا باین همه فشار ناخواسته وارد بازار آزمون وکالت شدم وخداوروهزارمرتبه شکر با داداستان آشناشدم ولی بدون هدف شروع کردم وجدی نگرفتم ومدام آرزومیکردم هرچهزودتراین مدت تموم بشه آزمون بدم وبعدش بگم تلاش کردم ولی قبول نشدم به نوعی توجیه کنم (احتمالابین شماها هم شبیه شرایط من هست)

دائم فکر میکردم که اونایی که قبول میشن خیلی میفهمن ویا ازمریخ یا یه کره دیگه ای میان...اینا رو گفتم شاید بعضیاتون شرایط سختتون رو دلیل عدم قبولی بدونین و ازشرایط سختتون گله کنین ولی بدونین همین شرایط سخت رو خدا براتون گذاشته چون خدا سختی رو به اندازه طاقتتون میده نه بیشتر..پس به شرایط سختتون دیگه توجه نکنین چون هرکسی شرایط خاص خودشو داره، هیچ وقت نباید به این روزگاراعتماد کنین پس حقون رو خودتون بگیرین نه اینکه منتظر منجی بشینین..توجه توجه...حق گرفتینه نه دادنی!!!!

بعدازاینکه ۲تا آزمون اولمو ۲رقمی آوردم یک تلنگری بهم زده شدولی باز من خودمو باورنداشتم وازوقتی بااستاد قاضی زاده عزیز آشناشدم نگاهم کم کم عوض میشدولی باز من هنوز ترس واسترس ازرقابت داشتم وهنوز جدی نشده بودم میترسیدم بیام وارد رقابت بشم وتلاش بکنم ولی قبول نشم !!اتفاق مهم دیگه ای که توی خرداد باتیرماه سال گذشته برام افتادآشناشیم با استاد صاحب کلام جناب ذاکرعزیز بود که به نظرم ازدنیای دیگه ای اومده بود حرفاش باهمه فرق داشت ماورای باورهای من بود حرفایی که هیچ جا حتی هیچ موسسه دیگه ای دنبالش نبود... این بزرگوار بهم اعتماد به نفس داد باعث شد خودمو باورکنم من ازاون روز دیگه تصمیم خودمو گرفتم چون ذاکر عزیز بهم یاد داد که دنیا همهش رقابته و اگه نمیخواهی ونمیتونی توی رقابت کوچکی بنام وکالت باشی چطور میخواهی توی این دنیا کارای بزرگ انجام بدی و رقابت کنی؟؟؟؟تمام کارمو تعطیل کردم وازخدا مدد گرفتم واگه میشد دفتر خاطرات و برنامه هایی که توی همین روزا درسال گذشته درست کردم ببینیدمتوجه می شدین که من واقعا خودم فهمیده بودم من خودم وکیل میدونستم و فقط منتظر پروانه وکالتم بودم دوستان الان وقتشه ..چرانشتین؟؟؟الان وقت تغییر نگرشونه به خودتون بگیرن چه کسی بهترازمن؟؟؟منتظرباشین هرکس ازتون پرسیدامسال قبولید یانه؟؟؟جواب بدین مگه شک داری؟؟آخه مگه کسی هست که بیشترازمن زحمت کشیده باشه؟؟؟نه کسی نیست!!!!اولی تا روز آزمون زحمت بکش وحقتو بگیر...

من طبق دفتری که تمام برنامه ها و اهدافم نوشتم تاامروزبه ۳تای اونا رسیدم شماهم امتحان کنین وهرشب دفترتون رو مرور کنین...حتی نوع لباس وپوشش وکالتتون رو ازالان تصورکنین"توانی که دراندیشه آنی"

دوستان شما جایی هستین که باید باشین یعنی همین داداستان خودمون اینجا توی جهان یه دونه هست پس مطمئن باشین محل پیشرفت و دانش و مهارت رو درست انتخاب کردین پس فقط فقط تلاش شما باید به کارایی های این موسسه اضافه بشه وبعد خودتون خواهید دید که خروجی این ها جز موفقیت نیست... دوستان اصلا آزمونهای داداستان غافل نشین واقعا تکه...تمام درسنامه هارو دقیق وبازره بین مطالعه کنین و نکاتشو وارد محشاتون کنین چون روزای قبل آزمون خیلی نکاتش به دردتون میخوره ...

نمیدونم باورتون میشه یانه؟؟؟ولی باورکنین این تارد رو من سال گذشته درتاریخ ۲۶/۳/۱۳۹۲ ساعت ۲۲:۴۵ برای شما داوطلبین ۹۳نوشتم پس ایمان قلبی داشته باشین و از چیزهایی که شما رو ازاهدافتون دور میکنه لاقال تا روز آزمون پرهیزکنین فقط هرچی میتونین تلاش کنین و زحمت بکشین میدونم و درکتون میکنم که سردردای بدی سراغتون میاد،میدونم سخته اینهمه تنهایی،میدونم بعضیاتون مثل من دردوران تحصیلی تاحالا۲ساعت هم مثل الان درس نخودین ولی من بامعدل ۱۴ دانشگاه آزاد تونستم پس شماهم میتونین!!! به تلاشتون ادامه بدین تا اینکه بعد آزمون حسرت نخورین وشرمنده خودتون نباشین...

دوستان عزیزم همه چیز قبولی وکالت نیست وقرارنیست همه وکیل بشن پس اگه قبول شدین مغرورنشین چون کارمهمی نکردین واگه قبول نشدین مایوس نشین چون چیزمهمی ازدست ندادین ولی همینکه تغییرکرده این و نگاهتون عوض شده همین مهمترین دستاورده نه صرفاقبولی .....

یه روزی استاد قاضی زاده عزیز پند حکیمانه ای زد،ایشان فرمودند: من افتخارمیکم که بجای شغل فعلی شغل دیگری داشته باشم تابتونم به مردم خدمت رسانی کنم واقعا باید بخاطرجملات عمیق ایشان که گوهر گرانبهایست تمام قامت ایستاد و کلاه ازسر بردا شت ..این نشانه موفقیت است نه صرفاقبولی در یک آزمون!!!



## چند نکته پیرامون آزمون:

۱-دوستان قانون آدک رو باید قورت بدین چون جدید و مثل قانون مجازات سال گذشته که البته برخی از دوستان زیاد به قانون جدید توجه نکردن واز همون موضع ضربه خوردن و قول میدم ادک در آزمون امسال وحتى سال آینده نقش مهمی در قبولی داره.....

۲-روی سختم بادوستانی که رتبه هاشون درآزمونها فعلا خوب نیست .ناامید و مایوس نباشن چون دلیلی برای عدم قبولیشون تو آزمون نیست..  
دوستان آزمونهای داداستان از تمام موسسات دیگرهدف دارتر و نزدیکتر به وکالت وحتى سخت ترازوکالته پس مطمئن باشین این رتبه ها میتونه معیارباشه برای اینکه بهت برسونه روند مطالعه تون چقد درسته؟؟؟؟!!پس الان وقت رتبه سنجی و ارزیابی نیست الان فقط وقت تلاشه

۳-دوستان اگه اصول ضعیف هستین حتما اگه میتونین کلاس استاد مروارید رو از دست ندین تضمین میکنم طبق گفته خود استاد اگه کلاس ایشون برین وجزوه ایشون روبخونین حداقل ۵۰درصد توی آزمون اصلی موفقین من خودم فقط جزوه ایشون رو خوندم ونتیجه هم گرفتم پس ازکلاس ایشون غافل نشین...

۴-این جمله هم مخصوص دوستان عزیزم که سال گذشته رسماً قبول نشدند هرچند از لحاظ علمی قبول شده اند: اشخاص عادی با تجربه ی اولین شکست دست از تلاش بر می دارند .به همین دلیل است که در زندگی با انبوه اشخاص عادی و تنها یک "ادیسون" روبرو هستیم ...

دوستان شمادر بهترین موسسه حضوردارین پس تلاش کنین و استرس و ترس رو کناربزارین وازارتباط باخداومددادآقا امام رضاع)را فراموش نکنین...  
ختم کلام عذرمیخوام که کلامم خودمونی و البته طولانی بودو دریایان از اساتید گرامی علی الخصوص استاد گرانبهای جناب قاضی زاده عزیزوهمچنین استاد ذاکرزیبا سخن و همچنین نمیشه از زحمات وخوبیهای استاد بزرگوارم جناب دکترمروارید یاد نکرد و ازهمین جا دستای همه تون رو میبوسم تاابد درقلب کوچکم خواهید ماند...

یک سال بعد، جناب عالی حسرت خواهید خورد که کاش از امروز شروع کرده بودید . . . (کارن لمب)

باآرزوی موفقیت مهدی حقدادی رتبه ۵۶وکالت ۴۱قضات



طرح سامان

(( ساماندهی ذهنی در مباحث مختلف ))

## اعاده دادرسی

از طرق فوق العاده شکایت در امور حقوقی و کیفری است و سبب رسیدگی ماهوی مجدد به دعوی می گردد.(به شرط قطعیت حکم و با وجود احراز جهات قانونی). اعاده دادرسی (در مفهوم اعم) در مورد احکام قطعیت یافته (اعم از حضوری و غیابی) امکان پذیر است.

در اعاده بر خلاف سایر طرق اعتراض (مثل تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی) صرفاً همان جهت خواسته شده مورد بررسی قرار می گیرد. درخواست مجدد از همان جهتی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفته دیگر پذیرفته نمی شود. درخواست اعاده دادرسی در صورتی پذیرفته می شود که یکی از جهات مصرح در مواد ۴۷۴ آ.د.ک و ۴۲۶ آ.د.م متحقق باشد و صرف درخواست، دادگاه (یا دیوان عالی در امور کیفری) را مکلف به پذیرش نمی نماید بلکه این امر باید احراز گردد (برخلاف سایر طرق شکایت مثل تجدید نظر خواهی و اعتراض ثالث). اعاده دادرسی هم در خصوص احکامی که به صورت قطعی صادر شده و هم احکامی که در مهلت مقرر مورد تجدیدنظر خواهی واقع نگردیده و بدین ترتیب حکم قطعیت یافته قابل پذیرش است (دکتر شمس - جلد ۲ شماره ۹۴۲)

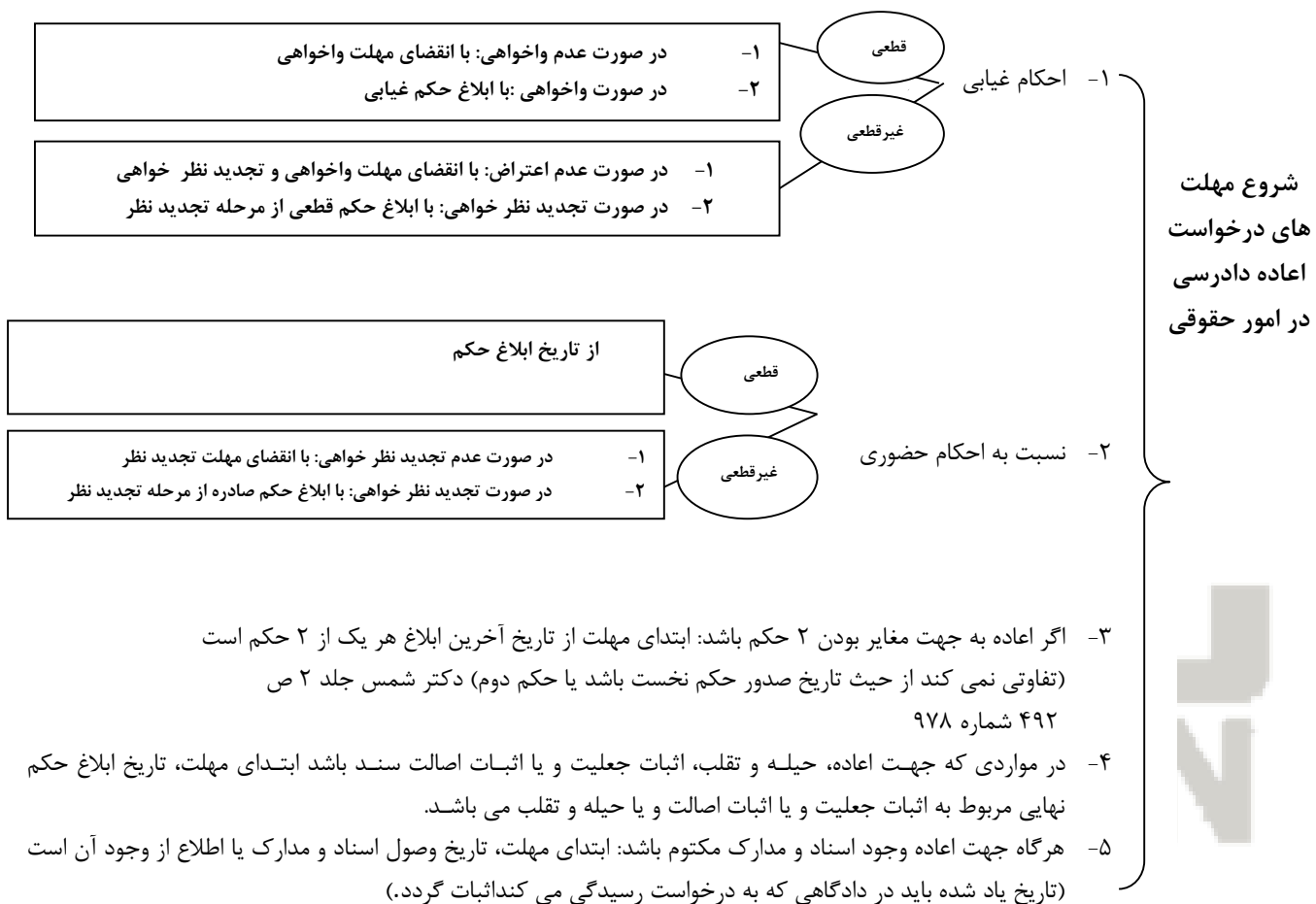
\* اعاده دادرسی در محدوده ی جهت ادعا شده دارای اثر انتقالی است.

| در امور کیفری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | در امور حقوقی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>- درخواست اعاده دادرسی طبق م ۴۷۶ آ.د.ک به دیوان عالی تقدیم می شود (دیوان فقط اعاده را تجویز می نماید اما حکم را نقض نمی کند) پس از تجویز دیوان، برای بررسی ماهوی به دادگاه هم عرض صادر کننده حکم قطعی (از حیث ذاتی و محلی دادگاه صادر کننده) ارجاع می شود.<br/>(دکتر خالقی - نکته ها در آیین دادرسی کیفری - ماده ۴۷۶ زیرنویس شماره ۲ و ۳)</p> | <p>- اعاده دادرسی بر ۲ نوع است: ۱- اصلی: در اعاده دادرسی اصلی مرجع تقدیم و رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی اصلی دادگاه صادر کننده حکم قطعی است. ۲- در اعاده دادرسی طاری مرجع تقدیم دادخواست دادگاهی است که حکم به عنوان دلیل در آنجا مطرح گردیده است ولی در هرحال دادگاه رسیدگی کننده به دادخواست اعاده ی طاری، دادگاهی است که حکم قطعی صادر نموده است.</p> |
| <p>- کلمه "محکومیت" در صدر ماده ۴۷۶ آ.د.ک حاکی از این است که اعاده دادرسی وسیله ای برای اعتراض به حکم محکومیت است نه برائت، و شاکی حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم برائت متهم را ندارد. بنابراین درخواست اعاده حق متهم شناخته شده است. (دکتر خالقی م ۴۷۴ زیرنویس شماره ۲)</p>                                                                | <p>- دادخواست اعاده دادرسی حسب مورد می تواند توسط خواهان یا خوانده تقدیم شود.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                           |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>- صرف درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم، اجرای آن را متوقف نمی کند اما با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی در هر حال اجرای حکم به درخواست محکوم علیه متوقف خواهد شد اما چنانچه محکوم به مالی باشد پس از گرفتن تامین از محکوم له عملیات اجرایی به درخواست محکوم له از توقیف خارج و ادامه می یابد. (دکتر شمس - جلد ۲ شماره ۹۹۶)</p> | <p>- صرف درخواست اعاده دادرسی سبب توقف اجرای حکم نمی شود بلکه استثنائاً طبق تبصره ماده ۴۷۸ اگر مجازات از نوع سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی (شلاق، قطع عضو، قصاص عضو) باشد استثنائاً شعبه قبل از اتخاذ تصمیم، دستور توقف اجرای حکم را می دهد اما در سایر مجازات های غیر بدنی (مثل زندان یا جزای نقدی) اصل بر این است اجرا پس از تجویز اعاده توسط دیوان عالی یا رئیس قوه قضاییه به تعویق افتد. (دکتر خالقی - ماده ۴۷۸، زیر نویس شماره ۲ و ۳)</p> |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

مهلت درخواست اعاده دادرسی: طبق م ۴۲۶ آ. د. م درخواست اعاده دادرسی مقید به زمان ۲۰ روز برای اشخاص مقیم ایران و ۲ ماه برای اشخاص مقیم خارج از کشور است (همانند تجدید نظر خواهی - واخواهی و فرجام خواهی) اما شروع این مهلت ها با سایر طرق اعتراضی تفاوت هایی دارد که بر طبق مواد ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹ و ۴۳۰ آ. د. م به شرح ذیل است:



# تیکا

" تیکا : نام پرنده ای است از پرندگان کوچ کننده و یکی از طرح های آزمون های مفهومی و مهارتی "

طرح تیکا : تطبیق قوانین خارجی با موضوعات مشابه داخلی

علت نام گذاری : با توجه به اینکه هدف از طرح تیکا مهاجرت به قوانین سایر ملل می باشد این نام برای این طرح انتخاب شده است

هدف از خلق طرح تیکا : جهت ماندگاری بهتر مطالب حقوقی و مقایسه قوانین خارجی با قوانین داخلی و همچنین کسب مهارت داوطلب در حفظ کردن و به خاطر سپردن نکات حقوقی و ایجاد جذابیت در نوع آموزش این طرح ایجاد شده است.

## تیکا "۱": مبحث عده

بنابر ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی (( عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند ))

### قانون ایران

عده در ایران دارای اقسام مختلفی است : عده وفات - عده طلاق - عده فسخ نکاح - عده نزدیکی به شبهه و عده بذل یا انقضاء مدت در نکاح منقطع که زمان آن متفاوت میباشد.  
عده طلاق: اصولاً سه طهر است.

عده وفات چه در عقد دائم چه در عقد منقطع : اصولاً چهار ماه و ده روز است (ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی)

عده طلاق در عقد دائم: اصولاً سه طهر است ( ماده ۱۱۵۱ ق . م )

عده فسخ نکاح در عقد دائم: همانند عده طلاق سه طهر است.

عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع : در غیر حامل دو طهر است و در مورد زن یایسه ۴۵ روز (ماده ۱۱۵۲ ق . م )

نزدیکی به شبهه: همانند عده طلاق سه طهر است.

### قانون کشورهای خارجی

فرانسه: از بین کشورهای اروپایی، فرانسه تنها کشوری است که به صراحت برای ازدواج مجدد زن ممنوعیت زمانی (عده) قائل شده است. ماده ۲۲۸ قانون مدنی فرانسه : نگهداری عده برای زن مطلقه یا بیوه (به سبب فوت شوهر) ۳۰۰ روز است

مراکش: عده زنی که شوهرش فوت کند، چهار ماه و ده روز است و عده زن مطلقه سه حیض کامل می باشد.

مصر: اعم از طلاق رجعی یا بائن، مدت عده برای زنان مطلقه سه ماه و برای زنانی که نکاحشان به واسطه فوت شوهر منحل می شود، چهار ماه و سه روز اعلام شده است

ایتالیا: برای زن مطلقه عده پیش بینی نشده

انگلستان: مانند اکثر کشورهای اروپایی، پس از طلاق برای زن عده پیش بینی نشده است

ایالات متحده آمریکا: مانند کشورهای اروپایی پس از طلاق برای زن عده پیش بینی نشده است

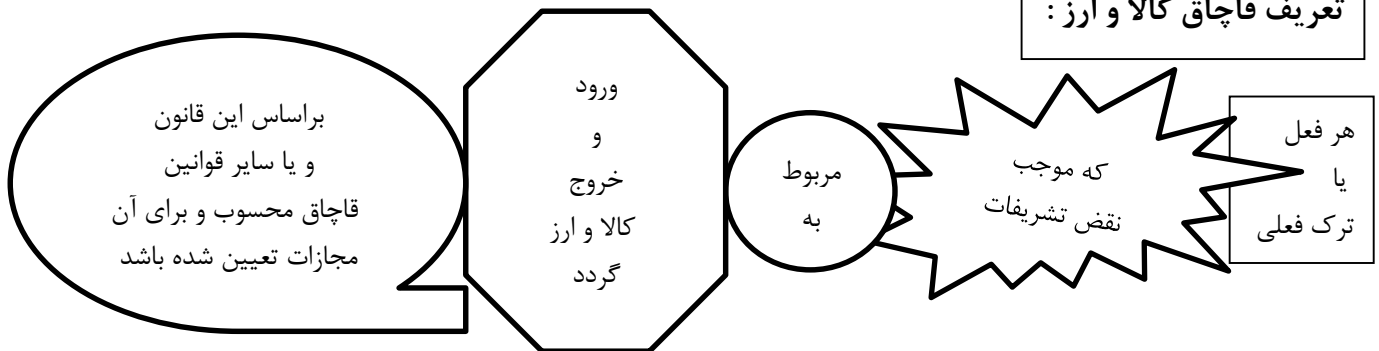
کشورهای سوسیالیستی: پس از طلاق برای زن عده قرار داده نشده

ژاپن: طبق قانون ژاپن زنی که طلاق می گیرد تا شش ماه پس از آن نمی تواند مجدداً ازدواج نماید

## "آراده"

### امهات قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات مهر ماه ۱۳۹۴

تعریف قاچاق کالا و ارز :



در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود .

#### معانی اصطلاحات بکار برده شده در این قانون

|                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| <p>کالا<br/>و انواع آن</p>                                                                                                                                           | <p>کالا: هر شیء که در عرف، ارزش اقتصادی دارد .</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>ارز</p>                                                                                                                                                           | <p>پول رایج کشورهای خارجی<br/>اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مكتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد .</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>تشریفات قانونی</p>                                                                                                                                                | <p>اقداماتی از قبیل: ۱- تشریفات گمرکی و بانکی ۲- اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذیربط است .<br/>و اشخاص موظفند طبق قوانین و مقررات به منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز، انجام دهند.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>ارزش کالا</p>                                                                                                                                                     | <p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 30%;"> <p>۱- حقوق ورودی زمان کشف<br/>۲- سایر هزینه‌هایی که به آن کالا تا محل کشف تعلق می‌گیرد</p> </div> <div style="font-size: 2em;">+</div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 30%;"> <p>۱- مجموع قیمت خرید کالا در مبدأ<br/>۲- هزینه بیمه</p> </div> <div style="border: 1px solid black; border-radius: 50%; padding: 10px; width: 20%; text-align: center;"> <p>قاچاق ورودی</p> </div> </div> <br/> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 30%;"> <p>۱- هزینه حمل و نقل<br/>۲- هزینه‌هایی مانند عوارض ویژه صادراتی و کلیه یارانه‌هایی که به آن کالا تعلق می‌گیرد</p> </div> <div style="font-size: 2em;">+</div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 30%;"> <p>قیمت آزاد کالا در نزدیک‌ترین بازار داخلی عمده‌فروشی محل کشف</p> </div> <div style="border: 1px solid black; border-radius: 50%; padding: 10px; width: 20%; text-align: center;"> <p>قاچاق خروجی</p> </div> </div> </p> |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>بهای ارز</p>                                                                                                                                                      | <p>بالاترین نرخ اعلامی ارز که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان کشف اعلام می‌گردد.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>شناسه</p>                                                                                                                                                         | <table border="1" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;"> <p>کالا</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که مشخصات ماهوی هر قلم کالا احصاء و در یک سامانه ثبت می‌شود به صورت رمزینه (بارکد) و یا نظایر آن بر روی کالا نصب یا درج می‌گردد</p> </td><td style="width: 50%;"> <p>شناسه</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که به منظور منحصر به فرد نمودن هر واحد کالا به کلیه کالاهای دارای بسته‌بندی با ابعاد مشخص اختصاص می‌یابد.</p> </td></tr> <tr> <td colspan="2"> <p>راهگیری</p> <p>ماهیت، مالکیت و موقعیت کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین مبتنی بر این شناسه قابل استعلام و راهگیری است</p> </td></tr> </table>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | <p>کالا</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که مشخصات ماهوی هر قلم کالا احصاء و در یک سامانه ثبت می‌شود به صورت رمزینه (بارکد) و یا نظایر آن بر روی کالا نصب یا درج می‌گردد</p> | <p>شناسه</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که به منظور منحصر به فرد نمودن هر واحد کالا به کلیه کالاهای دارای بسته‌بندی با ابعاد مشخص اختصاص می‌یابد.</p> | <p>راهگیری</p> <p>ماهیت، مالکیت و موقعیت کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین مبتنی بر این شناسه قابل استعلام و راهگیری است</p> |  |
| <p>کالا</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که مشخصات ماهوی هر قلم کالا احصاء و در یک سامانه ثبت می‌شود به صورت رمزینه (بارکد) و یا نظایر آن بر روی کالا نصب یا درج می‌گردد</p> | <p>شناسه</p> <p>شناسه‌ای چند رقمی که به منظور منحصر به فرد نمودن هر واحد کالا به کلیه کالاهای دارای بسته‌بندی با ابعاد مشخص اختصاص می‌یابد.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>راهگیری</p> <p>ماهیت، مالکیت و موقعیت کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین مبتنی بر این شناسه قابل استعلام و راهگیری است</p>                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |
| <p>اسناد خلاف واقع</p>                                                                                                                                               | <p>اسنادی است که در آن خصوصیات کالای ذکر شده از حیث نوع، جنس، تعداد و وزن با کالای اظهار یا کشف شده تطبیق ننماید و یا جعلی باشد .</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                 |                                                                                                                            |  |

|                                               |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|-----------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><b>اسناد مثبت گمرکی</b></p>                | <p>۱- اصل سند پروانه ورود گمرکی ۲- پته گمرکی ۳- قبض سپرده موجب ترخیص کالا ۴- حواله فروش و یا قبض خرید کالای متروکه، ضبطی و بلاصاحب ۵- پروانه عبور (ترانزیت) ۶- پروانه مرجوعی ۷- پروانه ورود موقت ۸- پروانه ورود موقت برای پردازش ۹- پته عبور ۱۰- پروانه کران بری (کابوتاژ) ۱۱- پروانه صادراتی ۱۲- پروانه صدور موقت ۱۳- کارت مسافری صادره توسط مناطق آزاد تجاری و صنعتی ۱۴- کارت هوشمند که توسط گمرک تکمیل و تأیید می شود .</p> <p>مشروط بر اینکه مشخصات مذکور در این اسناد با مشخصات کالا از هر حیث تطبیق نماید و فاصله بین تاریخ صدور سند و تاریخ کشف کالا با توجه به نوع کالا و نحوه مصرف آن متناسب باشد .</p> <p>اسناد گمرکات کشورهای خارجی و یا اسنادی که دلالتی بر ورود و یا صدور قانونی کالا از کشور ندارند، اسناد مثبت گمرکی تلقی نمی شوند .</p>                                                                                                                                                                                           |
| <p><b>قاچاق سازمان یافته</b></p>              |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
| <p><b>قاچاقچی حرفه ای (اصلاحیه ۱۳۹۴)</b></p>  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
| <p><b>دستگاه کاشف</b></p>                     | <p>دستگاه اجرائی به موجب این قانون و سایر قوانین و مقررات، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کشف آن را برعهده دارد .</p> <p>➤ دولت مکلف است به منظور پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام مند آن با پیشنهاد ستاد و پس از ابلاغ رئیس جمهور سامانه های الکترونیکی و هوشمند جدید مورد نیاز جهت نظارت بر فرآیند واردات، صادرات، حمل، نگهداری و مبادله کالا و ارز را ایجاد و راه اندازی نماید.</p> <p><b>ضمانت اجرا عدم رعایت آن محکومیت به :</b></p> <p>۱- اشخاص حقیقی = متخلف به محرومیت از اشتغال به حرفه خود تا یک سال</p> <p>۲- اشخاص حقوقی = به ممنوعیت از فعالیت تجاری تا شش ماه</p> <p>➤ هرگونه دسترسی غیرمجاز به اطلاعات سامانه های راه اندازی شده به موجب این قانون و افشای اطلاعات آنها جرم است و مرتکب به مجازات از شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.</p> <p>➤ وارد نمودن اطلاعات خلاف واقع یا ناقص یا با تأخیر در سامانه های موضوع این قانون جرم است و مرتکب به شش ماه تا دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی محکوم می شود.</p> |
| <p><b>دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت</b></p> | <p>هر یک از دستگاه های اجرائی است که به موجب قوانین یا شرح وظایف مصوب، موظف به وصول درآمدهای دولت می باشد .</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
| <p><b>ستاد</b></p>                            | <p>ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |



## موارد زیر نیز قاچاق محسوب می شود:

|                                                                                                                                                                                                        |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱- برنگرداندن کالای اظهار شده به عنوان خروج موقت                                                                                                                                                       |
| یا کران بری به کشور در مهلت مقرر در صورت ممنوع یا مشروط بودن صادرات قطعی آن کالا                                                                                                                       |
| ۲- اضافه کردن کالا به محموله عبوری (ترانزیتی) خارجی و تعویض یا کاهش محموله های عبوری در داخل کشور                                                                                                      |
| ۳- اظهار کالا به گمرک با ارائه اسناد و یا مجوزهای جعلی                                                                                                                                                 |
| ۴- تعویض کالای صادراتی دارای پروانه، مشروط بر شمول حقوق و عوارض ویژه صادراتی برای کالای جایگزین شده                                                                                                    |
| ۵- کالاهای دارای نشانی یا نام یا علامت یا مشخصات دیگری بر روی خود کالا یا روی لفاف آنها به منظور فراهم کردن موجبات اغفال خریدار و مصرف کننده نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلی آن کالا |
| * کالایی که با نظارت و تأیید گمرک موجبات اغفال در آنها محو گردد، از شمول بند فوق مستثنی است.                                                                                                           |
| ۶- اظهار کالای وارداتی با نام یا علامت تجاری ایرانی بدون اخذ مجوز قانونی از مراجع ذیربط با قصد متقلبانه                                                                                                |
| ۷- واردات کالا به صورت تجاری با استفاده از تسهیلات در نظر گرفته شده در قوانین و مقررات مربوط برای کالاهای مورد مصرف شخصی                                                                               |
| مانند: تسهیلات همراه مسافر، تعاونی های مرزنشینی و ملوانی در صورت عدم اظهار کالا به عنوان تجاری به تشخیص گمرک                                                                                           |
| ۸- خروج کالاهای وارداتی تجمیع شده مسافری و کالاهای مشمول تسهیلات مرزنشینی و ملوانی از استان های مرزی، بدون رعایت تشریفات قانونی                                                                        |
| ۹- عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز                                                                                 |
| ۱۰- عرضه کالا به استناد حواله های فروش سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و یا سایر دستگاه ها مشروط بر عدم مطابقت با مشخصات حواله                                                                     |
| ۱۱- عرضه کالاهای وارداتی فاقد شناسه کالا و شناسه رهگیری در سطح خرده فروشی با رعایت ماده (۱۰) این قانون                                                                                                 |
| ۱۲- هرگونه اقدام به خارج کردن کالا از کشور برخلاف تشریفات قانونی به شرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود                                                                        |
| ۱۳- سایر مصادیق قاچاق به موجب قوانین دیگر                                                                                                                                                              |

**\*\* جهت دریافت و مطالع ادامه آراء به پرتال خود در سایت [www.Dadestan.com](http://www.Dadestan.com) مراجعه نمائید. \*\***

دادستان  
DADESTAN

پلاک ۲۳۰